

رواق ما انتظار

آشنایی با امام عصر علیه السلام در روایات رضوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رواق های امامی انتظار

آشنایی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در رواق های رضوی

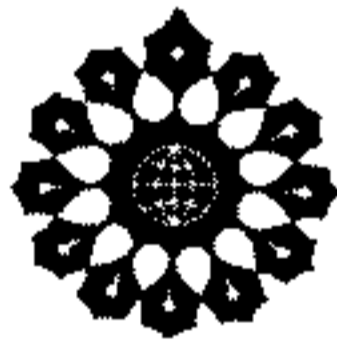
رضا اخوی

سرشناسه	: اخوی، رضا، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: رواق‌های انتظار: آشنایی با منجی موعود در رواق‌های رضوی / رضا اخوی.
مشخصات نشر	: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص. ۲۱۰ / ۱۴×۵ / ۵ س. م.
شابک	: 978-622-96130-5-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۵۳ - ۱۶۰، همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: آشنایی با منجی موعود در رواق‌های رضوی.
موضوع	: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۹۱۵۳ - ۲۰۳ ق. -- دیدگاه درباره محمد بن حسن (عج)
موضوع	: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۹۱۵۳ - ۲۰۳ ق. -- احادیث
موضوع	: Ali ibn Musa, Imam VIII -- Hadiths
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -- احادیث
موضوع	: Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Hadiths
شناسه افزوده	: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۲۰۵۶۸۷

رواق‌های انتظار

آشنایی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در رواق‌های رضوی

<p>رضا اخوی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small> زهرة رجیبی شیزری مسعود سلیمانی اول / تابستان ۱۳۹۹ ۱۰۰۰ نسخه ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۳۰-۵-۴ ۲۵۰,۰۰۰ تومان</p>	<p>مؤلف: ناشر: طراح جلد: صفحه آرا: نوبت چاپ: تیراژ: شابک: قیمت:</p>
--	---



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
انتشارات

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: خیابان شهدا/کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان / پ: ۲۶/تلفن: ۰۱-۳۷۸۴۱۱۳-۳۷۷۴۴۲۷۳-۲۵

○ تهران: خیابان انقلاب/خیابان قدس/خیابان ایتالیا/پ: ۹۸/تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰-۸۹۷۷۴۳۸۱-۲۱

○ info@mahdaviat.ir

○ www.mahdaviat.ir

○ Entesharatbonyad@chmail.ir

دفاتر بنیاد در استان‌ها پاسخگوی درخواست‌های متقاضیان کتاب و محصولات فرهنگی

بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت می باشد.

فهرست مطالب

پیشگفتار ۹

مهدی موعود عجل الله فرجه، نور آل محمد علیهم السلام ۱۰

تجلی نورانیت مهدوی ۱۱

فصل اول: دوازده برگزیده ۱۳

دوازده جانشین ۱۶

عناوین برگزیدگان دوازده گانه ۱۷

دوازده جانشین پیامبر خاتم صلوات الله علیه ۲۰

رمز و راز شباهت ۲۷

اسامی اوصیای پیامبر اکرم صلوات الله علیه ۲۹

دوازده امام در کلام امیر مؤمنان علیه السلام ۳۲

پیشوایان دوازده گانه در کلام امام رضا علیه السلام ۳۴

منشور مسلمانی در کلام ثامن الحجج علیه السلام ۳۵

افق روشن آینده ۳۷

فصل دوم: آب و آینه ۳۹

حضرت مهدی عجل الله فرجه در آینه کلام معصومین علیهم السلام ۴۱

سخنان پیامبر اکرم صلوات الله علیه درباره حضرت مهدی عجل الله فرجه ۴۲

کلیدواژه‌های فرهنگ تشیع ۴۳

در کلام حضرت مادر ۴۵

سخنان حضرت علی علیه السلام ۴۶

در کلام سبطین علیهم السلام ۴۷

ادعیه سیدالسادین برای ظهور ۴۸

صاحب الزمان در کلام باقرالعلوم علیه السلام ۵۰

امام مهدی عجل الله فرجه در کلام صادق آل محمد علیهم السلام ۵۲

موعود در سخن امام کاظم علیه السلام ۵۴

۵۶.....	منجی در بیان امام رضا <small>علیه السلام</small>
۵۷.....	توصیف قائم <small>علیه السلام</small> در کلام امام جواد <small>علیه السلام</small>
۵۸.....	امام هادی <small>علیه السلام</small> و ترویج مهدویت
۶۱.....	منجی منتظر در کلام پدر
۶۵.....	فصل سوم: آب و آفتاب
۶۶.....	نور هشتم؛ امام رضا <small>علیه السلام</small>
۶۸.....	نور دوازدهم؛ امام زمان <small>علیه السلام</small>
۷۰.....	آخرین برگزیده
۷۱.....	زیبای نورانی
۷۲.....	آغاز دوران غیبت
۷۴.....	تداوم امامت تا ظهور موعود <small>علیه السلام</small>
۷۶.....	لزوم وجود امام، در سخن امام رضا <small>علیه السلام</small>
۸۱.....	فصل چهارم: رواق های مهدوی
۸۲.....	رواق های رضوی در معرفی امام زمان <small>علیه السلام</small>
۸۳.....	رواق اول: رواق خاتم الاوصیا <small>علیه السلام</small>
۸۴.....	نام و نسب موعود <small>علیه السلام</small> در کلام امام رضا <small>علیه السلام</small>
۹۰.....	رواق دوم: رواق طلوع
۹۱.....	شرایط خاص ولادت
۹۵.....	رواق سوم: رواق فضائل
۹۵.....	عصاره ی آفرینش
۹۵.....	آرزوی مؤمنان
۹۶.....	شمائل و فضائل
۹۹.....	رواق چهارم: رواق غیبت
۱۰۱.....	دوران غیبت در بیان امام رضا <small>علیه السلام</small>
۱۰۴.....	صاحب الغیبة

- حکمت غیبت ۱۰۵
- همدم حضرت در دوران غیبت ۱۰۶
- رواق پنجم: رواق انتظار** ۱۰۸
- انتظار فرج در سخن امام رضا علیه السلام ۱۱۰
- رواق ششم: رواق ظهور** ۱۱۳
- سخنان امام رضا علیه السلام درباره ظهور ۱۱۷
- کشتار فراگیر ۱۲۱
- کشته شدن پانزده نفر میان مکه و مدینه ۱۲۱
- رواق هفتم: رواق قیام** ۱۲۴
- انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام ۱۲۷
- اعتلای دین و گسترش نام الله تعالی ۱۲۹
- رواق هشتم: رواق یاران مهدوی** ۱۳۱
- فراخوانی شیعیان ۱۳۱
- نزول حضرت عیسی علیه السلام ۱۳۴
- رواق نهم: رواق رجعت** ۱۳۶
- رجعت از دیدگاه امام رضا علیه السلام ۱۳۷
- رواق دهم: رواق دعا** ۱۴۰
- ادعیه‌ی امام رضا علیه السلام برای ظهور امام زمان علیه السلام ۱۴۰
- دعا برای فرج ۱۴۰
- دعاهای امام رضا علیه السلام برای ظهور امام زمان علیه السلام ۱۴۲
- کتاب نامه ۱۵۲

پیشگفتار

ضرورت و بایستگی وجود نور بر هیچ عاقلی پوشیده نیست. نبود نور، غرق شدن در تاریکی‌ها و تباهی‌هاست. در تَلَأُوْ نُور و روشنایی است که راه‌یابی و مسیریابی ممکن می‌شود و سقوط و انحطاط از ساحت انسان دور می‌گردد.

خداوند متعال نیز برای ره‌نمایی انسان به سوی مقصد نهایی، نور پیامبر ﷺ، علی علیه السلام و فرزندان او را برای هدایت انسان به سوی کمال برای بشر تابانید، تا انسان مادی را از گزند مخاطرات دنیایی برهانند و به سوی منشأ نور و سعادت که همان خدای متعال است،^۱ رهنمون گردند.

انسان، تنها با پیمودن و ره‌گیری این خط مقدّس است که به سعادت و کمال خواهد رسید؛ خطی نورانی و درخشان که با درهم تنیدگی، همراهی، پیوستگی و تداوم، در زمان‌های مشخص و برهه‌های معین تاریخ، یکی پس از دیگری، مسئولیت هدایت بشریت را بر عهده داشته و دارند، همان‌گونه که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ... النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِيَّ ثُمَّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمُهْدِي؛ ای مردم، به خدا و رسول و نور همراهش ایمان آورید... نور از سوی خداوند عزوجل در

۱. خداوند متعال منشأ نور را از خود دانسته و می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ». سوره نور،

جان من، سپس در جان علی بن ابی طالب، آنگاه در نسل او تا قائم مهدی جای گرفته است».^۱

مهدی موعود عجل الله فرجه، نور آل محمد علیهم السلام

از نور منجی آخرالزمان، موعود منتظر در روایات بسیار سخن گفته شده است، تا آنجا که از القاب و اوصاف امام زمان عجل الله فرجه «صاحب النور» است؛ زیرا او دارنده ی نور الهی است. در زیارت سرداب مقدس آمده است: «سَلَامُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ عَلَى مَوْلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ... صَاحِبِ الضِّيَاءِ وَالنُّورِ؛ سلام و برکات خداوند و درود و تحیات او بر مولای من صاحب الزمان... امامی که دارنده ی نور الهی است».^۲

امام صادق علیه السلام نیز آن حضرت را نور آل محمد علیهم السلام نامیدند و فرمودند: «دَعَاؤُ لِنُورِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَائِقِهِمْ وَ الْمُنْتَقِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ؛ برای نور آل محمد علیهم السلام و غایب آنان و کسی که به امر خدا از دشمنان آنان انتقام می گیرد، دعا نمودم».^۳

و امام رضا علیه السلام در توصیف جمال نورانی حضرت حجت عجل الله فرجه چنین فرمودند: «بِأَبِي وَ أُمِّي سَمِيَّ جَدِّي وَ شَبِيهَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام، عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ، يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ؛ پدر و مادرم به فدای او که همانام

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۱؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۱.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۹.

۳. فلاح السائل، ج ۱، ص ۱۷۰؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۳۸۲.

جَدَم، شبیه من و شبیه موسی بن عمران است. بر او نوارهای نورانی است که از پرتو نور قدس روشنایی می‌گیرد»^۱.

تجلی نورانیت مهدوی

بی‌تردید، این نور نیازمند ظهور و بروز است؛ محتاج معرفی و شناساندن است؛ زیرا به فرموده قرآن، بیمار دلان و دشمنان همواره برای خاموشی نور خدا در تلاش هستند.^۲ به همین جهت، پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام سعی بلیغ و تلاش همه جانبه‌ای برای معرفی برگزیدگان الهی و به‌ویژه آخرین ذخیره‌ی الهی، بقیة‌الله‌الاعظم حضرت حجت علیه‌السلام داشتند تا گذر زمان و طولانی شدن ایام ظهور و قیام حضرتش، غبار غفلت و نسیان بر وجود مقدس دوازدهمین نور الهی نیفکند و نقشه‌ها و ترفندهای دشمنان خنثی گردد.

بر این باور، هر يك از اهل بیت طاهرین علیهم‌السلام در عصر خود تلاش کردند باور مهدوی و فرهنگ انتظار را در میان امت اسلامی زنده و پویا نگه دارند و بدین طریق، به پیروان خود در برابر هجوم مصائب، رنج‌ها، دردها و بلاهای گوناگونی که حاکمان جور بر آن‌ها روا می‌داشتند،

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة. ج ۲، ص ۳۷۰.

۲. «يُرِيدُونَ لِيُظْفِرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛ می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند و خداوند کامل‌کننده نورش است؛ اگرچه کفار خوش ندارند. سوره صف، آیه ۸.

پایداری بخشند که حاصل آن ده‌ها و صدها روایت پیرامون آن وجود مقدس است.

حرکت رو به گسترش معارف مهدوی، در زمان امام رضا علیه السلام نیز ادامه یافت و آن حضرت با سخن و سیره‌ی خودشان، شیعیان و منتظران را با ابعاد بی‌کران شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام رهایی‌بخش و عدالت‌گستر آن حضرت آگاه کردند.

نوشتار حاضرنگاهی است به سخنان امام رضا علیه السلام پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که پس از ذکر مقدمات، به تبیین و تشریح سخنان حضرت پرداخته شده است. به امید آنکه این تلاش و سرمایه اندک و این بضاعت مزجاء^۱ مورد قبول ایشان واقع گردد.

۱. اشاره به آیه ۸۸ سوره یوسف: ﴿لَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا﴾.

فصل اول:

دوازده برگزیده

بر مبنای آموزه‌های دینی، از آغاز آفرینش، زمین هیچ‌گاه خالی از حجت خداوند نبوده است^۱ و پروردگار حکیم، افرادی را برای هدایت آفریده‌های خود برگزیده و به سوی مردم ارسال کرده است تا مسیر زندگی صحیح و چگونگی رسیدن به سعادت و تکامل را به آنان بیاموزند و با پرهیز دادن از کژراهه‌ها و انحرافات، ظرفیت‌های درونی انسان را شکوفا سازند.

به تعبیر امیرمؤمنان علیه السلام: «وَاضْطَفَى سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ... فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يُشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَ يَرُوهُمْ آيَاتِ الْمُتَقَدِّرَةِ؛ خداوند متعال، از فرزندان آدم پیامبرانی برگزید... آنان را در بین مردم مبعوث کرد و پی‌درپی به سوی مردم فرستاد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان بخواهند و نعمت‌های فراموش شده‌اش را به یادشان آورند و با ابلاغ [احکام الهی]، حجت را بر آن‌ها تمام کنند و توانمندی‌های پنهان شده‌ی عقل‌ها را برای آنان آشکار سازند و نشانه‌های قدرت خدا را به آن‌ها بنمایانند».

۱. امام باقر علیه السلام فرمود: «وَ اللَّهُ مَا تَرَكَ اللَّهُ أَرْضًا مُنْذُ قَبَضَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا وَ فِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ حُجَّةً بِيَدِ عِبَادِهِ؛ به خدا سوگند که حق تعالی هرگز زمین را بدون امام که مردم را به سوی خدا هدایت نماید، نگذاشته است. او حجت خدا بر بندگانش است. و زمین هرگز بدون حجت خدا بر مردم نخواهد بود. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

حضرت علی رضی الله عنه در ادامه، با اشاره به سنت وجود همیشگی پیامبران و دیگر نشانه‌های هدایت به سوی خداوند در جامعه، چنین فرمودند: «وَلَمْ يُخْلِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيِّ مُرْسَلٍ، أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ، أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ، أَوْ حُجَّةٍ قَائِمَةٍ رُسُلٍ لَا يَنْصُرُهُمْ قَلَّةٌ عَدَدِهِمْ وَلَا كَثْرَةُ الْمُكَذِّبِينَ لَهُمْ، مِنْ سَابِقِ نَبِيِّ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ، أَوْ غَايِرِ عَرَفَهُ مَنْ قَبْلَهُ، عَلَى ذَلِكَ نَسَلَتِ الْقُرُونُ، وَمَضَتِ الْأَدْهُورُ، وَسَلَمَتِ الْأَبَاءُ وَمَضَتِ الْأَبْنَاؤُ؛ وَخَدَاوَنَدُ سَبْحَانَ هَيْجِ گَاهِ جَامِعِهِ بَشَرِي رَا از پیامبر مرسل، یا کتاب آسمانی، یا دلیلی قاطع، یا راهی روشن خالی نگذارده است، پیامبرانی که کمی نفراتشان و فزونی دشمنان و تکذیب‌کنندگانشان، آن‌ها را از انجام وظایف، باز نمی‌داشت، پیامبرانی که بعضی به ظهور پیامبری آینده بشارت می‌دادند و بعضی از طریق پیامبر پیشین شناخته شده بودند و به این ترتیب قرن‌ها گذشت و روزگاران، سپری شد، پدران رفتند و فرزندان، جانشین آنان شدند»^۱.

براین باور، پیامبران مبعوث شدند تا بذره‌های عقل و معنویت را که خداوند در نهاد آدمیان افشانده بود، پرورش داده، شکوفا کنند، از این رو گفته شده که پیامبران چیزی به انسان نمی‌دهند که در او نبوده است؛ بلکه آنچه دارد را پرورش می‌دهند و گوهر وجود او را آشکار می‌سازند.^۲

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۲. پیام امام، (شرح تازه بر نهج البلاغه)، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۲۰.

دوازده جانشین

از نکات کلیدی و مهم ارسال انبیای الهی آن است که از جانب حکیم متعال، همواره اوصیا و جانشینانی برای رسولان انتخاب شده است تا از این طریق، هم مؤید و همراه او باشند و از سوی دیگر، مروج و تداوم‌بخش همان پیام‌ها و هدایت‌ها باشند؛ نیازهای مردم را به اقتضای هر زمان پاسخگو باشند و به شبهات و ایرادهای منکران، مخالفان و معاندان پاسخ دهند و مردم را به سوی خدا و عمل به آیین پیامبران دعوت نمایند.

براین اساس، در تمام ادیان الهی، امامت و وصایت و جانشینی انبیا مطرح بوده است و هر پیامبری که از طرف خداوند متعال برای هدایت مردم مبعوث شده بود، برای دوران بعد از خود، وصی و جانشین یا جانشینانی معین کرده است. به تعبیر دعای ندبه: «وَكُلُّ شَرَعَتْ لَهُ شَرِيعَةً وَ نَهَجَتْ لَهُ مِنْهَا جَاً وَ تَخَيَّرَتْ لَهُ أَوْصِيَاءَ؛ خدایا! برای هر پیامبری شریعتی عطا کردی و برای آنان وصی و جانشینانی اختیار نمودی، برای این که یکی بعد از دیگری محافظ دین و نگهبان شریعت او باشند».^۱

و امام صادق علیه السلام فرمودند: «چون ثابت کردیم که آفریننده و سازنده‌ای داریم که برتر از ما و از همه‌ی آفریده‌ها است، و این صانع، حکمت‌مدار و بلندمقام است و هیچ‌یک از آفریدگان شایسته و سزاوار آن نیستند که از نزدیک با او گفت‌وگو نمایند، معلوم می‌شود که خداوند

۱. مفاتیح‌الجنان، فرازهای اولیه دعای ندبه.

حکیم میان خلق خود سُفْرایی دارد که میان او و بندگانش واسطه‌اند و پیام‌های خالق را به مخلوق می‌رسانند و آدمیان را به مصالح و منافع و وسایل بقای آنان و موجبات فنای شان آگاهی می‌دهند، پس ثابت می‌شود که میان آفریدگان، کسانی هستند که از سوی خدای حکیم و علیم مأموریت امرونی دارند و آن‌ها پیامبران و برگزیدگان اویند. آن‌ها حکیمانی‌اند که حکمت الهی را آموخته و با آن مبعوث شده‌اند. آن‌ها در خلقت جسمانی با سایر مردم فرقی ندارند، ولی در حالات معنوی، اخلاقی و صفات و کمالات وجودی، کاملاً از آن‌ها متمایز هستند و از طرف خداوند به حکمت و متانت تأیید شده‌اند. افزون بر آن (بعد از انبیا)، در هر دوره زمانی ره‌آورد نبوت از طریق دلایل و براهین آن‌ها به وسیله اوصیا حفظ شده است، تا زمین از حجتی که نشانه صدق و عدالت را به همراه دارد، خالی نباشد»^۱.

عناوین برگزیدگان دوازده‌گانه

مسئله‌ی وصایت و جانشینی را باید از مهم‌ترین و کارآمدترین نقاط عطف تاریخ انبیا به شمار آورد که در آموزه‌های دینی به‌عنوان یکی از حقایق بعثت پیامبران الهی مطرح شده است.

پیامبر اسلام ﷺ نیز تأکید فرموده بود که هر سنتی که در ادیان گذشته بوده، موبه‌مو در آیین اسلام هم خواهد بود. ایشان فرمودند: «كُلَّمَا كَانَ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ فَيَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلُهُ حَذَوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ؛

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶۸.

آنچه در مردم پیشین بوده، بدون کم و کاست در این امت هم می باشد»^۱.

همچنین فرمودند: «لَتَتَّبِعَنَّ سَنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ شِبْرًا بِشِبْرٍ وَ ذِرَاعًا بِذِرَاعٍ؛ هر آینه شما از روش پیشینیان خود، و جب به و جب و ذراع به ذراع پیروی می کنید»^۲.

و در گفتگوی امام رضا علیه السلام با مأمون آمده است: مأمون پرسید: يَا أَبَا الْحَسَنِ فَمَا تَقُولُ فِي الرَّجْعَةِ؛ شما درباره ی رجعت چه می فرمایید؟

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّهَا لِحَقٌّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ وَ نَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ حَذُو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ؛ آن بجا و حق است و در امت های پیشین هم بوده است و قرآن مجید هم بدان ناطق است و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هم فرموده: هر چه در امت های سابق اتفاق افتاده در این امت نیز اتفاق خواهد افتاد بی کم و کاست؛ طابق النعل بالنعل و بدون تفاوت»^۳.

از جمله ی این سنت های الهی، داشتن وصی و جانشین است و جانشینان اگرچه با عناوین و القاب متفاوتی همانند نقیب، حواری، وصی و مانند آن به این مقام رسیده اند، ولی هریک از پیامبران اولوالعزم

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۵۲.

۲. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۰.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۰۲.

(صاحب شریعت و کتاب آسمانی)،^۱ یعنی حضرت نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی و عیسی علیهما السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله، دوازده نفر وصی و جانشین داشته‌اند. در این حقیقت، تردیدی نیست و قرآن کریم و روایات متعدد بر آن تأکید و تصریح دارند.

موسی بن عمران علیه السلام دوازده نقیب، حضرت عیسی علیه السلام دوازده خواری و ابراهیم و نوح علیهما السلام هم هر یک دوازده وصی داشته‌اند.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: «من آقا و سید پیامبران هستم و اوصیای من سید و آقای اوصیای پیامبران هستند».^۲ این سخن حضرت به وجود چندین وصی و جانشین برای حضرت عیسی علیه السلام اشاره می‌کند که در روایات، تعدادشان ۱۲ نفر بیان شده است،^۳ چنانچه مرحوم طبرسی می‌نویسد: حواریون،^۴ جانشینان و اصفیای عیسی علیه السلام بودند

۱. «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ». سوره شوری، آیه ۱۳.

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۲.

۳. نک: کافی، ج ۱، ص ۵۳۲.

۴. قرآن کریم حواریون را یاوران [دین] خدا می‌نامد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یاوران خدا باشید همان‌گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: چه کسانی در راه خدا یاوران من هستید؟! حواریون گفتند: «ما یاوران خداییم». سوره آل عمران، آیه ۵۲.

که تعدادشان ۱۲ نفر مرد بود.^۱ امام رضا علیه السلام نیز فرمودند: «حواریون حضرت عیسی علیه السلام دوازده نفر بودند که برترینشان «الوقا»^۲ بود.»^۳ نُقْبای بنی اسرائیل هم که از آن‌ها به عنوان جانشینان حضرت موسی علیه السلام یاد می‌شود، ۱۲ نفر بودند؛ همان‌گونه که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «بعد از من به تعداد نُقبا و وزرای حضرت موسی علیه السلام، دوازده نقیب و رهبر خواهد آمد.»^۴

به گفته‌ی برخی از محققان، آیاتی همانند: «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ وَقَطَعْنَا لَهُمْ اثْنَيْ عَشَرَ أَسْبَاطًا أُمَّةً»؛ و از قوم موسی گروهی هستند که به سوی حق هدایت می‌کنند و به حق و عدالت حکم می‌نمایند ما آن‌ها را به دوازده گروه تقسیم کردیم.»^۵ و آیه‌ای که می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا»؛ همانا خداوند، از بنی اسرائیل پیمان گرفت و دوازده نقیب و بزرگ از میان آن‌ها برانگیختیم»^۶، از جمله آیاتی هستند که با تصریح یا کنایه و تأویل، بر همین حقیقت اشاره دارد.

۱. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۳۰۳.

۲. لوقا: نام او در روایات لوقا و به عنوان اعلم حواریون معرفی شده است. نک: شیخ صدوق، التوحید، ص ۴۲۱.

۳. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۰۳.

۴. اعلام الوری، طبرسی، ج ۱، ص ۳۸۳.

۵. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۹.

۶. سوره اعراف، آیات ۱۶۰-۱۵۹.

۷. سوره مائده، آیه ۱۲.

به گفته‌ی مولوی:

حرف قرآن را بدان که ظاهری ست زیر ظاهر، باطنی بس قاهری ست
 زیر آن باطن یکی بطن سوم که درو گردد خرده‌ها جمله گم
 بطن چارم از نبی خود کس ندید جز خدای بی نظیر بی ندید
 تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین دیو آدم را نبیند جز که طین
 ظاهر قرآن چو شخص آدمی ست که نقوشش ظاهر و جانش خفی ست.^۱

براین باور، مسئله‌ی امامت، خلافت و جانشینی، در تمام ادیان الهی مطرح بوده و هر پیامبری برای بعد از خود وصی و جانشین تعیین کرده است. البته این احتمال وجود دارد که تعداد اوصیای يك پیامبر با اوصیای پیامبر دیگر فرق داشته باشد، ولی عدد دوازده در اوصیای پیامبران اولوالعزم، - همان گونه که اشاره شد- لحاظ شده است.

دوازده جانشین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله

با توجه به همین سابقه و ذهنیت تاریخی و قرآنی بود که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای معرفی اوصیای دوازده‌گانه خود از تمثیل و تشبیه به جانشینان پیامبران گذشته استفاده کردند. یعنی از آنجا که مسئله‌ی جانشینی و داشتن وصی، نکته تازه‌ای نبود و پیشینه‌ی آن در زمان دیگر انبیا نیز سابقه داشت، از این رو آن حضرت با استفاده از آیات متعدد قرآن، به این حقیقت اشاره کردند و در گفتار و دیگر فرصت‌ها و

^۱. نک: مثنوی معنوی، دفتر سوم، بخش ۲۰۳، بیت ۴۲۴۴.

زمینه‌های ایجاد شده، با استفاده از همان عناوین و القاب مشهور، به معرفی جانشینان و پیشوایان معصوم پس از خود می‌پرداختند تا مسلمانان، دچار انحراف و اختلاف نگردند.

به عنوان مثال، هنگام قرائت آیه‌ی: «وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعَثَوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ»؛ و هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد، گفتیم: با عصایت بر آن تخته سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن جوشیدند گرفت، [به گونه‌ای که] هر قبیله‌ای آبشخور خود را می‌دانست. [و گفتیم:] از روزی خدا بخورید و بیاشامید و [لی] در زمین سر به فساد برمدارید.^۱

پیامبر اکرم ﷺ در بخشی از سخنان خود چنین فرمودند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ فَلْيُؤَالِ عِدَّةَ الْأُمَّةِ ﷺ. فَقَامَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ وَ مَا عِدَّةُ الْأُمَّةِ؟ فَقَالَ يَا جَابِرُ سَأَلْتَنِي يَرْحَمُكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ بِأَجْمَعِهِ، عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ وَ هِيَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ^۲ وَ عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الْعُيُونِ الَّتِي انْفَجَرَتْ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ﷺ حِينَ ضَرَبَ بِعَصَاهُ الْبَحْرَ [الْحَجَرَ] فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا^۳ وَ عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ

۱. سوره بقره، آیه ۶.

۲. سوره توبه، آیه ۳۶.

۳. سوره بقره، آیه ۶.

بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا يَا جَابِرُ اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ
بُنُّ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ»؛

ای گروه مردم! هرکس دوست دارد که خدا را دیدار کند؛ درحالی که از او خشنود است، باید امامان و پیشوایان را دوست بدارد.

جابر عرض کرد: شماره‌ی امامان چند نفر هستند؟

حضرت فرمود: چه سؤال مناسب و مهمی پرسیدی، خدا تو را رحمت کند! بدان که شماره‌ی امامان، به شماره‌ی ماه‌ها، در نظر خداوند، ۱۲ نفر است در کتاب خدا، از آن روزی که آسمان و زمین را آفرید. شماره‌ی امامان، به شماره‌ی چشمه‌هایی است که برای موسی بن عمران هنگامی که عصایش را به زمین زد ۱۲ چشمه جاری شد و شماره‌ی آنان به شماره‌ی نقیبان بنی اسرائیل است. خدای تعالی می‌فرماید: «و به تحقیق خداوند پیمان گرفت از بنی اسرائیل و از آن‌ها ۱۲ نقیب مبعوث کردیم». ای جابر! امامان، ۱۲ نفرند؛ اول آنان علی بن ابی طالب و آخرشان حضرت قائم است».^۱

«مسروق» می‌گوید: ما نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او برای ما قرآن می‌خواند، مردی به او گفت: یا ابا عبدالرحمان! آیا رسول خدا ﷺ به شما نگفت که بعد از او چند خلیفه خواهند آمد؟ عبدالله گفت: آری

۱. سوره مائده، آیه ۱۲.

۲. إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۹۳؛ غایة المرام، ج ۳، ص ۳۸ و ج ۵، ص ۲۰۲.

[از ایشان پرسیدیم،] فرمودند: «خلفای من دوازده نفرند، مانند تعداد نقبای بنی اسرائیل».^۱

و سلمان فارسی چنین نقل می‌کند: پیامبر ﷺ به من فرمودند: «ای سلمان! خداوند تبارک و تعالی هیچ نبی و رسولی نفرستاده است جز آنکه برای او دوازده نقیب قرار داده است».

عرض کردم: «ای رسول خدا! ما پیش‌تر این کلام را از طریق اهل تورات و انجیل دانسته بودیم».

پیامبر ﷺ فرمودند: «ای سلمان! پس آیا می‌دانی که نقیبان من و آن دوازده شخص که خداوند برای امت اسلام پس از من برگزیده است، کیست؟» بعد در ادامه‌ی حدیث، پیامبر ﷺ، ائمه‌ی دوازده‌گانه‌ی شیعه را به ترتیب نام می‌برند.^۲

نقل شده که يك نفر یهودی به نام «نعتل» به حضور پیامبر ﷺ آمد و پس از پرسش درباره‌ی خداوند و پاسخ گرفتن، پرسید: اکنون از وصی و جانشین خودت بگو که کیست، چرا که پیامبران اولوالعزم، همگی وصی و خلیفه داشته‌اند و موسی، پیامبر ما یوشع بن نون را وصی خود قرار داد.

۱. ابن حنبل، احمد، مسند، ج ۱، ص ۳۹۸؛ نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۴۶.

۲. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، ص ۴۴۸؛ جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز، مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۶۹؛ در روایتی دیگر، تعداد ائمه به تعداد حواریون حضرت عیسی ﷺ تشبیه شده است. نک: کافی، ج ۱، ص ۵۳۲.

پیامبر ﷺ فرمود: «وصی من، علی بن ابی طالب است و پس از وی دو سبط من حسن و حسین هستند و پس از آن دو، نه تن از امامان از صُلب حسین خواهند بود».

یهودی عرض کرد: ای محمد! نام و مشخصات آن‌ها را برایم بیان کن. فرمود: «بعد از حسین، پسرش علی است و بعد از او فرزندش محمد و سپس فرزندش جعفر و بعد از او فرزندش موسی و بعد از وی فرزندش علی و بعد از او فرزندش محمد و پس از وی فرزندش علی و بعد از او فرزندش حسن و پس از او فرزندش مهدی است؛ این‌ها هستند امامان دوازده‌گانه».

یهودی گفت: بگو تا بدانم علی و حسن و حسین، مرگشان چگونه است؟

فرمود: «علی با شمشیری که بر فرقش زده می‌شود، کشته می‌شود و حسن، به زهر جفا و حسین، سرش از بدنش جدا می‌شود».

یهودی پرسید: جایگاه آنان کجاست؟

فرمود: «در بهشت، در مقام من هستند».

یهودی فریاد زد: شهادت می‌دهم معبودی جز خداوند نیست و این که تو رسول او هستی و شهادت می‌دهم که آنان بعد از تو اوصیای هستند. من در کتاب‌های پیشین و در آنچه موسی با ما عهد کرده بود، یافتم که در آخرالزمان پیامبری خواهد آمد که به او احمد و محمد گفته می‌شود. او خاتم همه پیامبران است و بعد از وی پیامبری نیست و

نخواهد آمد و پس از او، اوصیایش دوازده نفرند. اول آنها پسر عمّ و شوهر دختر او است و دوم و سوم، دو برادرند از فرزندان پیامبر، اولی را به وسیله شمشیر می‌کشند و دومی را به وسیله زهر و سومی را با عده‌ای از اهل بیتش بآلب تشنه در غربت، شهید می‌کنند... نه نفر از اوصیای پیامبر اسلام از فرزندان سومی هستند. اوصیای پیامبر، به عدد اسباط بنی اسرائیل، دوازده نفرند.

پیامبر ﷺ فرمود: «آیا اسباط را می‌شناسی؟»

عرض کرد: بلی. اول از اسباط، «لاوی بن برخیا» است. هم او بود که شریعت خویش را پس از فرسوده شدن، ظاهر ساخت و با قرطیسای قرشیطا، پادشاه جنگید تا او را کشت.

پیامبر ﷺ فرمود: «در امت من نیز همان واقع خواهد شد که در بنی اسرائیل رخ داد. امام دوازدهم از فرزندان من غیبت می‌کند و دیده نمی‌شود. او روزی ظاهر خواهد شد که از اسلام، جز اسمی باقی نمانده باشد و از قرآن و کلام خدا مگر درسی باقی نباشد. در این موقعیت است که خدای متعال، اذن ظهور می‌دهد، تا او اسلام را تجدید نماید. خوشا به حال آنان که او را دوست داشته باشند و از وی پیروی نمایند! و بدایه به حال دشمنان و مخالفان وی و خوش به حال آنان که از وی راهنمایی بجویند!»^۱

۱. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۳؛ کفایة الاثر، ص ۱۴۱۳.

رمز و راز شباهت

نکته قابل دقت در تشبیه ائمه دوازده گانه علیهم السلام به نقبای بنی اسرائیل آن است که «نقیب» به معنای «منتخب و منصوص» است و در گوهر معنایی خویش، «مورد نص الهی بودن» را داراست؛ یعنی از منظر زبانی، در زبان عبری و عربی به کسی نقیب اطلاق می شود که انتخاب و اصطفای شده باشد.

به عبارت دیگر، یکی از راز و رمزهای تشبیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علاوه بر عدد دوازده که بر امامان دوازده گانه تطابق دارد، ویژگی انتخاب و انتصاب الهی ایشان است؛ یعنی تشبیه اوصیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نقبای بنی اسرائیل، علاوه بر تأکید بر دوازده گانه بودن تعداد آنها، بر موضوع «نص و نصب الهی» نیز دلالت دارد. از آن حضرت نقل شده است که می فرمایند: «از صلب من یازده نقیب بیرون می آیند که نُجَبَاءُ (مُنْتَجَب و مُنْتَخَب) نیز هستند؛ «مِنْ وُلْدِي أَحَدَ عَشَرَ نَقِيبًا نُجَبَاءُ مُحَدَّثُونَ مُفَهَّمُونَ، آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا؛ از فرزندان من یازده نقیب نجیب که محدث و مفهم (از سوی خداوند به آنها حدیث می شود و فهم اعطا می گردد) هستند، خواهند بود؛ آخرین آنها قیام کننده به حق است و زمین را همان گونه که از ظلم پر شده بود، از عدالت پر خواهد کرد»^۱.

چه بسا به همین علت است که در قرآن کریم به «بعثت نُقبا» از طرف خداوند متعال اشاره شده است: ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾.^۱ چون «بعثت» به معنای برانگیختن و فرستادن است و با اندکی دقت می‌توان گفت که استعمال این فعل به خودی خود، به مفهوم «انتخاب نقبا» دلالت می‌کند؛ و از آنجا که این بعثت از جانب «الله» است، نُقبا، منتخبین الهی به شمار می‌روند.

ضمن آنکه در کلام الهی، «بَعَثْنَا» در بسیاری اوقات به معنای «فرستادن رسول الهی» استعمال شده است.^۲ به همین جهت، «عمرو بن اشعث» می‌گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: «أَتَرُونَ الْمُوصِيَّ مِنَّا يُوصِي إِلَيَّ مَنْ يُرِيدُ لَا وَاللَّهِ وَ لَكِنْ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِرَجُلٍ فَرَجُلٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ الْأَمْرُ إِلَى صَاحِبِهِ؛ شما گمان می‌کنید هرکس از ما امامان که وصیت می‌کند، به هرکس بخواهد وصیت می‌کند؟! نه به

۱. سوره مائده، آیه ۱۲.

۲. در بین آیات قرآن کریم مشتقات فعلی «بَعَثَ» ۲۴ بار تکرار شده است. کلمه «بَعَثْنَا» مجموعاً ۱۱ بار و تنها در رابطه با برگزیدگان و رسولان الهی و یا برانگیخته شدن در روز قیامت استعمال شده است. در این میان تنها مورد استثنا، وجود این واژه در آیه ۵ سوره اسراء است: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾ که در این شریفه نیز به قرینه «عبادنا»، دانسته می‌شود که ایشان هم، برگزیدگان الهی‌اند. شاهد درستی این تفسیر، تأویلی است که در کافی، ج ۸، ص ۲۰۶؛ در تفسیر این آیه آمده است مبنی بر آنکه خداوند پیش از ظهور قائم علیه السلام قومی را برمی‌انگیزد تا هرکه را که خونی از خاندان محمد صلی الله علیه و آله برگردن اوست، وانمی‌گذارند مگر آنکه او را بکشند. نک: مقاله رمزگشایی از تشبیه عددی ائمه به نقبای بنی اسرائیل، ص ۷۶. فصلنامه امامت پژوهی؛ سال سوم، شماره ۱۲، ص ۸۸-۵۷.

خدا، چنین نیست، بلکه امر امامت عهد و فرمانی است از جانب خدا و رسول ﷺ برای فردی پس از شخص دیگر (از خانواده ما) تا به صاحبش برسد»^۱.

اسامی اوصیای پیامبر اکرم ﷺ

در جهان هستی گوهرهای برگزیده و نابی وجود دارد که فقط خداوند متعال از آن‌ها آگاه است و بر همین اساس، آنان را برای بندگی خالص و راهبری مردمان به سوی خالق یکتا برمی‌گزیند. قطعاً خداوند متعال گوهر «نبوت و جانشینی» ایشان را همانند دیگر گوهرهای گران‌بها و نفیس دنیا، در اختیار هرکسی قرار نمی‌دهد و پروردگار حکیم آن را بر بالاترین چکاد جهان ملکوت نهاده است، تا هرکسی هوس دسترسی بدان پیدا نکند و سودای دستیابی به آن را در سر نپروراند؛ همان‌گونه که قرآن کریم از زبان ابراهیم خلیل علیه السلام می‌فرماید: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ؛ و هنگامی که پروردگار ابراهیم را با کلماتی امتحان کرد و او آن‌ها را تمام کرد، گفت: همانا من تو را امامی برای مردم قرار می‌دهم. گفت: آیا از ذریه‌ام نیز؟ فرمود: عهد من (امامت) به ظالمین نمی‌رسد»^۲.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۷؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۷۰.

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

افزون بر آنچه در صفحات پیشین ذکر شد، اینک به تعداد دیگری از احادیث اشاره می‌کنیم که در آن‌ها به وصایت و جانشینی امامان دوازده‌گانه تصریح شده است.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «الْأُمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوْلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَخْرَهُمُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَأَوْلِيَائِي وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي، الْمُقَرَّبِينَ مُؤْمِنِينَ، وَالْمُنْكَرُهُمْ كَافِرُونَ؛ امامان پس از من، دوازده نفرند. نخستین آنان، علی بن ابی طالب و آخرینشان قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اینان، جانشینان و اوصیا و اولیای من، و پس از من، حجت‌های خدا بر امتم هستند. اقرارکننده به ایشان، مؤمن است و انکارکننده‌شان، کافر»^۱.

ایشان خطاب به حضرت علی عليه السلام نیز چنین فرمودند: «الْأُمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلُهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَأَخْرَهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا؛ امامان پس از من، دوازده نفرند. نخستین آنان تو هستی ای علی و آخرینشان قائم است که خداوند عز و جل، شرق و غرب زمین را به دست او فتح می‌کند»^۲.

خاتم پیامبران ﷺ در سخنی دیگر، با اشاره به برتری‌های پیامبر خاتم و پیشوایان دوازده‌گانه آخرالزمان عليه السلام، فرمودند: «وَالَّذِي بَعَثَنِي

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۸۰؛ کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۹؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۵۹، ح ۲۸.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۲؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۶۵، ح ۳۴؛ الأمالی، للصدوق، ص ۱۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۲۶.

بِالتُّبُوَّةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ إِنَّ وَصِيَّيَ لَأَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ، وَإِنَّهُ لِحُجَّةُ اللَّهِ عَلَيَّ
عِبَادِهِ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيَّ خَلْقِهِ؛ مِنْ وُلْدِ الْأُمَّةِ الْهُدَاةِ بَعْدِي... أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ
حَقًّا وَخُلَفَائِي صِدْقًا، عِدَّتُهُمْ عَدَدُ الشُّهُورِ وَهِيَ إِثْنَا عَشَرَ شَهْرًا وَعِدَّتُهُمْ
كَعِدَّةِ نُبَيَّاءِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ... فَالْأُمَّةُ بَعْدِي، أَوْلُهُمْ عَلِيٌّ وَآخِرُهُمُ الْمُهْدِيُّ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ؛

سوگند به آنکه مرا به پیامبری برانگیخت و مرا بهترین مردمان قرار داد، وصی من، برترین اوصیاست و او پس از من، حجت خدا بر بندگان او و جانشین او در میان خلقش است، و همچنین اندامان هدایتگر از نسل او... ایشان اولیای حقیقی خدا و جانشینان راستین من هستند، شمارشان به شمار ماه‌هاست که دوازده ماه است. شمارشان به شمار نقبای موسی بن عمران است... پس، امامان بعد از من اولشان علی علیه السلام و آخرینشان مهدی علیه السلام است. درود خداوند بر ایشان باد»^۱.

«عبدالله بن عباس» نیز از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «إِنَّ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَاءِي وَ حُجَجَ اللَّهِ عَلَيَّ الْخُلُقِ بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَحِي وَ آخِرُهُمْ وَ لَدِي قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ أَخُوكَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قِيلَ فَكُنْ وَ لَدِكَ قَالَ الْمُهْدِيُّ الَّذِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَ لَدِي الْمُهْدِيُّ فَيُنزِلَ رُوحَ اللَّهِ عَيْسَى. ابْنُ مَرْيَمَ فَيَصِلِي خَلْفَهُ وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ؛

۱. الاختصاص، ج ۱، ص ۲۲۳؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۷۰.

جانشینان و اوصیای من و حجّت‌های خدا بر خلق پس از من، دوازده نفرند که نخستین ایشان، برادرم خواهد بود و آخرینشان فرزندم. گفته شد: ای پیامبر خدا! برادرت چه کسی است؟ فرمود: «علی بن ابی طالب».

گفته شد: فرزندان چه کسی است؟

فرمود: «مهدی که زمین را به همان سان که از بیداد و ستم آکنده شده است، از عدل و داد می‌آگند. سوگند به آنکه مرا به حق، به پیامبری برانگیخت، اگر از [عمر] دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند عزوجل آن روز را چندان به درازا می‌کشاند تا در آن، فرزندم مهدی ظهور کند. پس روح خدا عیسی بن مریم، فرود می‌آید و پشت سراو نماز می‌گزارد و زمین به نور او روشن می‌شود و حکومت او، شرق و غرب را فرامی‌گیرد»^۱.

دوازده امام در کلام امیر مؤمنان علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام نیز با بیان‌های مختلف به این امر توجه دادند که هیچ‌گاه زمین خالی از حجّت نیست و این حجّت‌ها مجموعاً دوازده نفرند. در نتیجه، امامت در تمام ادوار تا دوران ظهور مهدی موعود علیه السلام ادامه دارد.

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۰؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۹۷؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۱۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

آن حضرت در کلامی فرمود: «اللَّهُمَّ بَلِي لَنْ تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ لِسَائِلَا تَبْطَلُ حُجُجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ؛ آری خدایا! زمین خالی از قیام کننده به حجت الهی نمی ماند تا اینکه حجت ها و دلایل روشن الهی، باطل نشود».^۱

در جای دیگر مشخص فرمود که این حجت های الهی، دوازده نفرند: «يَكُونُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ نَبِيِّهَا اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا عَدْلًا لَا يَضُرُّهُمْ خِلَافٌ مَنْ خَالَفَ عَلَيْهِمْ؛ برای این امت دوازده امام عادل پس از پیامبرش وجود دارد که مخالفت مخالفین ضرری به آنان نمی رساند».^۲

امام حسین علیه السلام می فرماید: از امیر مؤمنان علیه السلام درباره معنا و مصداق این سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که فرمودند: «من در میان شما، دو چیز گران بها بر جای می گذارم: کتاب خدا و عترتم»،^۳ پرسیدند که عترت چه کسی است؟

حضرت علی علیه السلام در پاسخ فرمودند: «أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ التَّاسِعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ مَهْدِيُّهُمْ وَ قَائِمُهُمْ؛ من و حسن و حسین و نه امام از نسل حسین که نهمین ایشان، مهدی و قائمشان است».^۴

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۵۴۲.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۵۵.

۳. «إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ؛ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي».

۴. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۴۰؛ معانی الأخبار، ج ۱، ص ۹۰؛ كشف الغمة، ج ۲،

ص ۵۰۹؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۴۷.

پیشوایان دوازده‌گانه در کلام امام رضا علیه السلام

بر این باور، با توجه به سیره رفتاری و گفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله و تلاش‌های ائمه علیهم السلام، مسئله وصایت و جانشینی ائمه دوازده‌گانه با تمام فرازوفرودهای تاریخی و دشواری‌ها و اختناق‌های دوران حاکمان ستمگر، به مسئله‌ای روشن و بدیهی تبدیل گردید و مسلمانان بر ضرورت پیوستگی نبوت و امامت باور داشته و راه سعادت و نجات حقیقی را در تبعیت از امامان می‌دانستند.

در دوران امام رضا علیه السلام نیز این تلاش‌ها تداوم یافت. به‌عنوان نمونه، امام رضا علیه السلام از پدرانش علیهم السلام چنین نقل کردند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس دوست دارد که به دین من چنگ زند و پس از من، بر کشتی نجات بنشیند، به علی بن ابی طالب اقتدا کند و با دشمن او دشمنی و با دوست او دوستی ورزد؛ چراکه او، هم در زندگی و هم پس از مرگم، وصی من است. او جانشین من در میان امتم و پیشوای هر مسلمانی و امیر هر مؤمنی پس از من است... تا آنجا که فرمودند:

«الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ إِمَامَا أُمَّتِي بَعْدَ أَبِيهِمَا وَسَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأُمَّهُمَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَأَبُوهُمَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَمِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةُ أُمَّةٍ تَأْسِعُهُمُ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي طَاعَتُهُمْ طَاعَتِي وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي؛ حسن و حسین، پیشوایان امت من پس از پدرشان و آقای جوانان بهشتند. مادرشان بانوی بانوان جهان است و پدرشان سرور اوصیا. از نسل

حسین، نه امام اند که نهمین آنان، قائم از فرزندان من است. فرمان بری از آنان، فرمان بری از من است و نافرمانی آنان، نافرمانی من»^۱.

منشور مسلمانی در کلام ثامن الحجج علیه السلام

همچنین هنگامی که مأمون از امام رضا علیه السلام درخواست کرد که حقیقت اسلام را به طور موجز و مختصر، برایش بنویسد، آن حضرت برایش چنین نوشت: «إِنَّ مَحْضَ الْإِسْلَامِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ...؛ حقیقت اسلام، گواهی دادن به این است که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست...». تا آنجا که امام رضا علیه السلام به بحث ولایت و امامت اشاره کرده و اسامی امامان علیهم السلام را ذکر کرده و فرمودند:

«وَالَّذِي كَانَ مِنْهُ بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام، أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَأَفْضَلُ الْوَصِيِّينَ وَوَارِثُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَبَعْدَهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بَاقِرُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ وَارِثُ عِلْمِ الْوَصِيِّينَ، ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ الْكَاظِمِ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ . أَشْهَدُ لَهُمْ بِالْوَصِيَّةِ وَالْإِمَامَةِ وَأَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّتِهِ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ فِي كُلِّ عَصْرٍ وَأَوَانٍ وَأَنَّهُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَأُمَّةُ الْهُدَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، إِلَى أَنْ يَرِثَ اللَّهُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا؛

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۶۰؛ التحصين لابن طاووس، ص ۵۵۳؛ بحار الانوار، ج ۳۶،

ص ۲۵۴؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۴۰-۲۴۳.

و [گواهی دادن به] این که راهنمای پس از او (پیامبر ﷺ) و حجت بر مؤمنان و عهده‌دار امر مسلمانان و سخنگوی قرآن و دانا به احکام آن، برادر و جانشین و وصی و ولی اوست؛ همو که برای پیامبر ﷺ به منزله هارون برای موسی بود، یعنی علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان و پیشوای پرهیزگاران و جلودار خوبان و روسپیدان، و برترین اوصیا و وارث دانش پیامبران و فرستادگان، و پس از او، حسن و حسین، دو سرور جوانان بهشتی، سپس علی بن الحسین زین العابدین، سپس محمد بن علی، گستراننده دانش پیامبران، سپس جعفر بن محمد صادق، وارث دانش اوصیا، سپس موسی بن جعفر کاظم، سپس علی بن موسی الرضا، سپس محمد بن علی، سپس علی بن محمد، سپس حسن بن علی و سپس حجت قائم منتظر است. درودهای خداوند بر ایشان باد! گواهی می‌دهم که ایشان وصی و امام‌اند و زمین در هیچ عصر و زمانی، از وجود حجت‌خدا متعال بر خلقش، خالی نیست و ایشان‌اند دستگیره استوار و پیشوایان هدایت و حجت بر مردم دنیا، تا آنگاه که [قیامت فرا رسد و] خدا زمین و زمینیان را به ارث برد»^۱.

افق روشن آینده

کوتاه‌سخن آنکه، پیامبر اعظم و دیگر پیشوایان دین، همواره بر اصل بنیادین پیشوایان دوازده‌گانه در اسلام تأکید ورزیده و از آن به‌عنوان یک مسئله حیاتی و نجات‌بخش، یاد می‌کردند. ایشان با همه توان و

۱. عیون أخبار الرضا ﷺ، ج ۲، ص ۱۲۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۵۲.

عزم الهی خویش، همواره به افق روشن و آینده‌ای نورانی اشاره می‌کردند؛ روزگاری که به وجود مبارک آخرین حجّت الهی «مهدی موعود» عجل الله تعالی فرجه الشریف مزین خواهد شد و اهداف آفرینش در آن مدینه فاضله مهدوی، تحقق خواهد یافت.

به فرموده مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی): وجود مقدّس حضرت بقیة الله ارواحنا فداه، استمرار حرکت نبوت‌ها و دعوت‌های الهی است، از اوّل تاریخ تا امروز؛ یعنی همان‌طور که در دعای ندبه می‌خوانید از: «فَبَعْضُ أَسْكَنتَهُ جَنَّتَكَ» که حضرت آدم است، تا: «إِلَيَّ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ» که رسیدن به خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله هست و بعد مسئله‌ی وصایت و اهل بیت آن بزرگوار، تا می‌رسد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه یک سلسله‌ی متّصل و مرتبط به هم در تاریخ بشر است. این بدان معناست که آن حرکت عظیم نبوت‌ها، آن دعوت الهی به وسیله‌ی پیامبران، در هیچ نقطه‌ای متوقف نشده است.^۱

ایشان در جای دیگری فرماید: انبیای الهی از آغاز تاریخ بشریت یکی پس از دیگری آمدند تا جامعه را و بشریت را قدم به قدم به آن جامعه‌ی آرمانی و آن هدف نهایی نزدیک کنند. انبیا، همه موفق شدند، حتی یک نفر از رسولان الهی در این راه و در این مسیر ناکام نماند، باری بود که بر دوش این مأموران عالی‌مقام نهاده شده بود. هرکدام قدمی آن بار

۱. انسان ۲۵۰ ساله، بیانات مقام معظم رهبری مدظله العالی درباره زندگی سیاسی. مبارزاتی ائمه

معصومین علیهم السلام، ص ۳۳۴.

را به مقصد و سرمنزل نزدیک کردند، کوشش کردند، هرچه توان داشتند به کار بردند. آن وقتی که عمر آنان سرآمد، این بار را دیگری از دست آنان گرفت و همچنان قدمی و مسافتی آن بار را به مقصد نزدیک کرد. ولی عصر عقل الشریف میراث بر همه ی پیامبران الهی است که می آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعه الهی برمی دارد.^۱

فصل دوم:

آب و آینه

در فرایند امامت و ولایت معصومین علیهم السلام، یکی از بایسته‌های زندگی ایشان که به تبعیت از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آموخته بودند، زنده نگه داشتن یاد و خاطره قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف و توجه دادن مؤمنان به آینده‌ای روشن و درانتظار ظهور منجی و تحقق دولت کریمه حضرت حجت بودن است.

در واقع، اولیای الهی و دوازده امام معصوم و برگزیده علیهم السلام را باید همانند دانه‌های تسبیح، در یک زنجیره و امتداد مشخص و معین تصور کرد^۱ که ولایت و امامت را به تناسب زمان و موقعیت عصر خود، به بهترین شکل ممکن به سرانجام رساندند^۲ و با وجود همه کارشکنی‌ها و عداوت دشمنان و حاکمان ظالم، جامعه را به سوی آرمان شهر مهدوی و مدینه

۱. حضرت علی رضی الله عنه این مسئله را چنین تبیین فرمودند: «أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا خَوَى نُجُومٌ ظَلَعَتْ نُجُومٌ؛ بیدار باشید! مَثَلِ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام چنان ستارگان آسمان است که اگر ستاره‌ای غروب کند، ستاره دیگر طلوع خواهد کرد». نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰. و امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَيْمَةِ علیهم السلام وَ جَحَدَ الْمُهْدِي كَأَنَّ كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَحَدَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله نُبُوَّتُهُ؛ کسی که به همه امامان علیهم السلام اقرار کند و امام مهدی علیه السلام را انکار نماید، مانند کسی است که به همه پیامبران اقرار کند، اما نبوت محمد صلی الله علیه و آله را انکار نماید». کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳.

۲. شاید به همین دلیل است که امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «الْمُنْكَرُ لِوَلَدِي كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ نُبُوَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ الْمُنْكَرُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَمَنْ أَنْكَرَ جَمِيعَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا كَطَاعَةَ أَوَّلِنَا وَ الْمُنْكَرُ لِآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوَّلِنَا؛ کسی که فرزندم، مهدی علیه السلام را انکار کند مانند کسی است که تمام پیامبران و رسولان الهی را قبول داشته باشد، اما نبوت حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله را انکار کند؛ و انکارکننده رسول الله مانند کسی است که همه انبیا را انکار نماید. چون اطاعت آخرین امام ما، به منزله اطاعت اولین امام است و منکر آخرین امام ما، به منزله منکر اولین امام است». کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۹.

فاضله‌ی آخرین حجّت الهی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هدایت کردند و بذرا امید و انتظار را در دل عاشقان و مشتاقان حریم ولایت و امامت کاشتند، تا در آینده‌ای نه‌چندان دور، شاهد شکوفایی و به ثمر نشستن آن باشند.

به همین دلیل، باور مهدویت و اعتقاد به موعود و منجی آخرالزمان، در زبان مبارک همه این برگزیدگان الهی مترنم بود و همواره یاد و خاطره او را گرامی و نامش را پررونق می‌کردند تا خفقان دوران ائمه علیهم‌السلام و ابرهای سیاه بدخواهی و ستم، باعث نشستن غبار غفلت و تاری بر آخرین نورو حجّت الهی نگردد.

براین باور، اشاره‌ای کوتاه به سخنان معصومین علیهم‌السلام درباره امام زمان علیه‌السلام و افق روشن آخرین نور هدایت از تبار معصومان علیهم‌السلام، خواهیم داشت.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آینه کلام معصومین علیهم‌السلام

با مراجعه به سیره و سخن معصومین علیهم‌السلام، به وضوح مشاهده می‌شود که تمامی پیشوایان دین، از فردی سخن گفته‌اند که روزی خواهد آمد و تمامی آمال و آرزوهای معنوی و مقدس دین را محقق خواهد کرد.

با توجه به گستردگی و حجم بسیار زیاد روایات نقل شده از معصومین علیهم‌السلام، به ذکر نمونه‌هایی از یاد حضرت در لسان اهل بیت علیهم‌السلام بسنده می‌کنیم.

سخنان پیامبر ﷺ درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیامبر اکرم ﷺ در همه حال و همه جا به یاد فرزند و خاتم اوصیای خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و از همان اوایل بعثت، ذکر و یاد مهدی را در باورها می‌نشانند و به روزگاری سراسر نور و سعادت نوید می‌داد و می‌فرمود: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَّ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ؛ دُنْيَا بِيَانٍ نَرَسِدُ مَكْرًا يَنْكِرُ أُمَّتَ مَرْدِيٍّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ سَرِيسْتِي (و رهبری) كُنْدَ كِهْ بِيْهِ اَوْ مَهْدِيٍّ كُفْتَهْ مِي شُود.»^۱ و در جایی دیگر می‌فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا؛ اگر از عمر روزگار يك روز باقی نماند، خداوند [در آن روز] مردی از اهل بیت من را برانگیزد که عرصه زمین را لبریز از عدل کند، پس از آنکه از ستم پر شده باشد.»^۲ و می‌فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي...؛ مهدی، از فرزندان من است. نامش، نام من است، کنیه‌اش کنیه من. او شبیه‌ترین مردم به من در خلق و خوی است. برای او غیبت و حیرتی است که امت‌ها در آن به گمراهی افتند، پس از آن، بسان شهاب فروزان بیاید و زمین را از عدل و داد پر کند، پس از آنکه از جور و ظلم لبریز شده باشد.»^۳

۱. نک: الغيبة، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۸۲؛ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۴۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۲؛ سنن ابوداود، ج ۲، ص ۳۱۰.

۳. «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقِيبِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا». کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۶؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۵.

به مرور زمان، آن حضرت در خلال روایات گوناگون، تصریح کردند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل علی و فاطمه علیها السلام^۱ و از فرزندان امام حسین علیه السلام است^۲ و دوران حکومتش پس از امامت امام حسن عسکری علیه السلام خواهد بود: «فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ فَبَعْدَهُ ابْنُهُ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام؛ و پس از حسن [عسکری علیه السلام] فرزندش حجت بن الحسن بن علی (علیه السلام) است»^۳.

کلیدواژه‌های فرهنگ تشیع

بی‌گمان، غدیر، عاشورا و انتظار، سه کلیدواژه اصلی فرهنگ تشیع است؛ از این رو پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در بخش‌های پایانی آخرین سخنرانی رسمی که در غدیر خم ایراد کردند، با تبیین آینده اسلام و تاریخ کل بشریت، امامت امامان دوازده‌گانه را مطرح کردند و بارها از مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن گفتند. از جمله فرمودند: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ما خانواده نبوت و امامت است: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيٌّ؛ أَلَا إِنَّ

۱. «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام إِمَامٌ أُمَّتِي... وَمَنْ وُلِدَهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ...» به راستی علی فرزند ابوطالب، امام امت من است... و از فرزندان او قائم منتظر است... کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۸؛ فراتد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۵-۳۳۶. و فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ؛ مَهْدِي، از فرزند فاطمه است... نک: کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۴۷۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۳، ص ۲۴.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۴۹۱-۵۲۵. هنگامی که جناب سلمان از امام علی علیه السلام پرسید: مهدی از نسل کدام فرزندان شماست. فرمود: «مَنْ وُلِدَی هَذَا وَ صَرَبَ بِيَدِهِ عَلِيُّ الْحُسَيْنِيِّ علیه السلام؛ از این فرزندم و با دست مبارکش بر حسین زد». ذخائر العقبی، ص ۱۳۶-۱۳۷؛ کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۴۶۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۹.

۳. نک: کفایة الاثر، ج ۱، ص ۱۱؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۶.

خَاتَمَ الْأُمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ؛ ای مردم! به درستی من نبی و علی وصی من است. بدانید که آخرین امام از ما، مهدی قائم است.»

و در فرازهایی دیگر فرمودند: «أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ آگاه باشید که او (مهدی) به حقیقت انتقام گیرنده از ظالمان است.»

«أَلَا إِنَّهُ الْمُتَدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ آگاه باشید او است که انتقام خون دوستان خدای عزیز و جلیل را می‌گیرد.»

«أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْمُشِيدُ لِأَمْرِيَاتِهِ؛ بیدار باشید که او از سوی پروردگارش خبر می‌دهد و آیات و نشانه‌های او را محکم و برپا می‌کند.»

«أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ؛ آگاه باشید به راستی که او ولی خدا در زمین و داور او در میان مردم و امانت‌دار امور آشکار و نهان اوست.»

«أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ؛ بدانید که او از دریایی ژرف (علوم بی‌نهایت الهی) پیمانه‌هایی افزون گیرد.»

«أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ؛ بیدار باشید که او وارث تمام دانش‌ها [ی‌گذشتگان] است و احاطه کامل بر آن‌ها دارد.»

«أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛ آگاه باشید که تمامی گذشتگان به [ظهور] او بشارت داده‌اند.»

«أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ؛ أَگاه باشید که حجت باقی مانده اوست و پس از او حجتی [و امامی] نخواهد بود».^۱

در کلام حضرت مادر

حضرت زهرا علیها السلام نیز از یوسف آخرالزمانی خود چنین می گوید: «أَمَّا وَ اللَّهِ لَو تَرَكُوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَ اتَّبَعُوا عِثْرَةَ نَبِيِّهِ لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ إِثْنَانٍ وَ لَوْرَثَهَا سَلَفٌ عَنْ سَلَفٍ وَ خَلْفٌ بَعْدَ خَلْفٍ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام؛ به خدا سوگند، اگر حق [یعنی خلافت و امامت] را به اهلش سپرده بودند و از عترت و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی و متابعت کرده بودند، حتی دو نفر هم با یکدیگر درباره خدا و دین اختلاف نمی کردند و مقام خلافت و امامت توسط افراد شایسته، یکی پس از دیگری منتقل می گردید و در نهایت تحویل قائم آل محمد صلی الله علیه و آله می گردید که او نهمین فرزند از حسین علیه السلام است».^۲

و فرمود: «قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَبَشْرِي يَا فَاطِمَةُ إِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْكَ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: ای فاطمه! بشارت بر تو باد که مهدی از نسل توست».^۳

۱. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۴؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۵۵.

۲. الامامة والتبصرة، ابن بابويه قمی، ج ۱، ص ۱؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۲.

۳. منتخب الاثر، ص ۱۹۲؛ میزان الحکمه، ج ۱، ح ۱۱۶۲. و همچنین: کنز العمال، ح ۳۴۲۰۸.

سخنان حضرت علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام نیز آنجا که سخن از مهدی علیه السلام به میان می‌آید، به سینه خود اشاره کرده و آهی کشیده، می‌فرماید: «شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْتِهِ؛ چه قدر به دیدار او مشتاقم!»^۱

و در سخنی دیگر این شور و اشتیاق را چنین به تصویر می‌کشد: «أَلَا بِأَبِي وَ أُمِّي مِنْ عِدَّةِ أَسْمَائِهِمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ؛ آگاه باشید! آنان که پدر و مادرم فدایشان باد، از کسانی هستند که نام آن‌ها در آسمان معروف و در زمین ناشناخته است».^۲

دیده در هجرت تو شرمنده احسانم کرد / بس که شب‌ها گهراشک بدامانم کرد
شمه‌ای از گل روی تو به بلبل گفتم / آن تُک حوصله رسوای گلستانم کرد
داستان شب هجران تو گفتم با شمع / آنقدر سوخت که از گفته پشیمانم کرد^۳

حضرت علی علیه السلام خطاب به فرزندش حسین علیه السلام فرمود: «التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُظْهِرُ لِلدِّينِ الْبَاسِطِ لِلْعَدْلِ؛ نهمین فرزند تو ای حسین! قیام‌کننده به حق و آشکار سازنده دین و گستراننده عدالت است».^۴

۱. الغيبة، نعمانی، ج ۱، ص ۲۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵.

۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۸۷، ص ۳۶۸.

۳. شاعر: شاطر عباس صبوحی.

۴. الامامة والتبصرة، ج ۱، ص ۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۱.

در کلام سبطین علیهم السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز در وصف آخرین ذخیره الهی می فرماید: «الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليها السلام خَلَقَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْفِي وِلَادَتَهُ وَيُغَيِّبُ شَخْصَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ ذَلِكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ...؛ قائم ما عليه السلام که روح الله . عیسی بن مریم . پشت سر او نماز می گزارد... خدای سبحان ولادت او را پنهان و شخص او را غایب می کند تا وقتی ظهور کرد، کسی بر عهده اش پیمانی نداشته باشد. او نهمین فرزند برادرم حسین علیه السلام و فرزند سرور کنیزان عالم است که خدا غیبتش را طولانی می کند، بعد با قدرت خود در شکل جوانی کمتر از چهل سال آشکار می کند تا بدانند که خدا بر هر چیزی تواناست»^۱.

سرور و سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام نیز درباره آخرین حجت پروردگار می فرماید: «مِنَّا إِثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ؛ دوازده هدایت شده هدایتگر از بین ما هستند، اولین آنان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنان، نهمین فرزند من است که پیشوای قیام کننده به حق خواهد بود»^۲.

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶۷، ح ۱۵۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷.

«شعیب بن حمزه» می‌گوید: روزی بر امام حسین علیه السلام وارد شدم و پس از سلام و احترام پرسیدم: آیا شما «صاحب الامر» هستید؟
فرمود: «نه».

گفتم صاحب الامر کیست؟

فرمود: «الَّذِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْزًا عَلِيَّ فِتْرَةً مِنَ الْأُمَّةِ تَأْتِي؛ كَسَى
است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان که پر از ستم شده باشد،
او پس از دوران طولانی از حضور امامان می‌آید».^۱

ادعیه سیدالسادین برای ظهور

امام سجاد علیه السلام نیز در آن برهه خاص پس از واقعه عاشورا که مجال هیچ حرکت و گفتاری نبود، در مناسبت‌های مختلف،^۲ این حقیقت را زنده نگه داشتند. ایشان با بیان اینکه آرزوی دیدار او را دارد، چنین دعا می‌کند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ... الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمُهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ... وَأَرْزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ؛

خدایا درود فرست بر... حجت قیام کننده، مهدی منتظر... و دیدار قائم آل محمد صلوات الله و آله را روزی ام فرما و مرا از پیروان و یاری کنندگان و خرسندشوندگان به کار او قرار ده».^۳

۱. عقد الدرر، ابن عبدالعزیز مقدس شافعی، ص ۱۵۸.

۲. حضرت در خطبه معروف خود در مسجد جامع شام در حضور یزید چنین فرمود: «رسول خدا و وصی او علی علیه السلام، سیدالشهدا (حمزه)، جعفر طیار، دو سبط این امت و مهدی [این امت] از ماست». منتخب الاثر، آیت الله صافی، ص ۱۷۲؛ روزگار رهایی، کامل سلیمان، ج ۱، ص ۸۷.

۳. سید بن طاووس، مهج الدعوات و منهج العبادات، ج ۱، ص ۱۶؛ رضی الدین سید بن طاووس،

و برای ظهور ایشان چنین دعا کردند: «اللَّهُمَّ وَابْعَثْ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلنَّصْرِ لِدِينِكَ وَإِظْهَارِ حُجَّتِكَ وَ الْقِيَامِ بِأَمْرِكَ وَ تَطْهِيرِ أَرْضِكَ مِنْ أَرْجَاسِهَا؛ خدایا! قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ را برای یاری دینت و اظهار برهانت و برپائی فرمانت و پاکیزه ساختن زمینت از آلودگی های آن، بر انگیز و ظهورش را برسان».^۱

در صحیفه سجادیه نیز اشارات، کنایات و تصریحات روشنی درباره امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وجود دارد. آن حضرت ضمن اشاره به اصل امامت و ضرورت وجود امام،^۲ با بیان اوصاف یاران آن حضرت، وظایف منتظران را بازگو نمودند^۳ و برای ظهور و شخص امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین دعا کردند:

مهج الدعوات، ص ۳۰ و ۲۸۱؛ الصحیفة المباركة المهدیة، ص ۵۳۶؛ مفاتیح الجنان، حرز امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَامُ، ص ۱۸۹. در این حرز امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَامُ، دعا در حق دوستان حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ و نفرین درباره دشمنان آن حضرت و تعجیل فرج او و دیدار جمال دلربای او، مطرح شده است.

^۱ . الصحیفة المباركة المهدیة، ص ۵۳۳؛ اقبال الاعمال، ص ۶۹۵؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۵۵.

^۲ . «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتْ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا إِمَامَ أَقْمَتُهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ...؛ خدایا، تو در هر زمان دین خود را به وسیله پیشوایی نیرو بخشیده ای که او را چونان نشان هدایت، پیش چشم بندگانت به پا داشته ای و در سرزمین های خود علم راه قرارش داده ای، پس از آنکه رشته وجود او را به رشته وجود خود گره زده ای و او را وسیله خشنودی خود ساخته ای و پیروی اش را لازم گردانده ای و از نافرمانی اش، بر حذر داشته ای و به اطاعت فرمان هایش و پرهیز از نهی هایش امر کرده ای و فرموده ای که هیچ کس نباید بر او پیشی گیرد یا از او واپس ماند». صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، فراز ۶۰.

^۳ . نک: صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، فراز ۶۴؛ «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيِ أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مَنَهَجَهُمُ الْمُقْتَفِينَ أَنَارَهُمْ... الْمُتَنْظِرِينَ أَيَامَهُمُ الْمَادِينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنُهُمْ...؛ بارالها! رحمت

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ كَصَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَتَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَاءِكَ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَعَجَلِ الْفَرَجِ وَالرُّوحِ وَالنُّصْرَةَ وَالثَّمَكِينَ وَالتَّأْيِيدَ لَهُمْ؛ بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، که تو ستوده و بلند مرتبه‌ای، همانند درودها و برکت‌ها و تحیاتت بر برگزیدگان، ابراهیم و آل ابراهیم، و در فرج، آسایش، یاری، تمکین و تأیید آنان تعجیل فرما».^۱

و در فرازی دیگر فرمودند: «وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ وَفِي رِضَاهُ سَاعِينَ وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ».^۲

صاحب‌الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف در کلام باقرالعلوم علیه السلام

از آنجاکه در عصر امام باقر علیه السلام زمینه بهتری برای تبلیغ و ترویج مباحث مهدویت ایجاد شده بود، از این رو مباحث فراگیرتری از منجی آخرالزمان و مهدی موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف به گوش مشتاقان و محبان رسانده شد تا اهل ایمان و منتظران حکومت عدل حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف،

فرست بردوستان ایشان که معترف به مقام آن‌ها، و تابع راه آنان و پیرو آثار آن‌هایند، منتظر روزگار [دولت] آن‌ها و چشم دوخته به راهشان می‌باشند».

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۴۸، فراز ۱۱.

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، فراز ۶۲.

بیش از پیش امیدوار و دل بسته آن عصر گشته، نسل های بعدی را نیز با این فرهنگ مانوس کنند.

هنگامی که «أم هانی» از امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه: **فَلَا أُقِيمُ بِالْخُنُسِ الْجَوَارِ الْكُنْسِ**^۱ سؤال کرد، حضرت فرمود:

«هُوَ الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْعِشْرَةِ تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا أَقْوَامٌ فَيَا طُوبَى لَكَ إِنْ أَدْرَكْتِيهِ وَ يَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ؛ مراد این آیه، همان مهدی از این خاندان است. او را حیرت و غیبتی هست که در آن، گروه هایی گمراه شوند و گروه هایی دیگر هدایت پذیرند. خوشا به حال تو اگر او را درک کنی و خوشا به حال هرکسی که او را درک کند».^۲

و در سخنی دیگر، به «ابو خالد کابلی» فرمود: «أَمَا إِنِّي لَوُ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ مطمئناً بدان! اگر من آن روزگاران را درک کنم، جانم را برای فداکاری در رکاب حضرت صاحب الامر صلوات الله عليه تقدیم می دارم».^۳

حضرت درباره تعداد یاران خاص امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف نیز فرمود: «وَ يَجِيءُ وَ اللَّهُ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ بَضْعَةٌ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ إِمْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ؛ به خدا سوگند! ۳۱۳ نفر یاران مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف می آیند که پنجاه

۱. سوره تکویر، آیات ۱۵ و ۱۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۰.

۳. الغيبة، نعمانی، ج ۱، ص ۲۷۳.

نفر از آنان زن می‌باشند و بدون هیچ‌گونه وعده قبلی، در شهر مکه گرد هم جمع می‌شوند».^۱

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام صادق آل محمد علیهم السلام

دوران امام صادق علیه السلام از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، فرصتی استثنایی برای ترویج فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و از جمله عصر طلایی ترویج مهدویت بود که آن حضرت نیز به خوبی از این موقعیت استفاده کردند و به تبیین جزئیات و معارف بیشتری درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداختند. به عنوان مثال می‌فرمایند: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ؛ برای صاحب این امر غیبتی است و بنده‌ی خدا باید تقوای الهی پیشه سازد و متمسک به دینش باشد».^۲

حضرت صادق علیه السلام در حالی که هنوز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد نشده، برای دوران غیبت او این چنین ناله می‌زند: «سَيِّدِي غَيْبَتُكَ نَفَتْ رُقَادِي وَضَيَّقَتْ عَلَيَّ مِهَادِي وَابْتَرَّتْ مِنِّي رَاحَةَ فُوَادِي سَيِّدِي غَيْبَتُكَ أَوْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ؛ آقای من! غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و بسترم را بر من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب نموده است. ای آقای من! غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابد پیوند داده است».

سدیر می‌گوید: در حالی که امام صادق علیه السلام را آن‌گونه دیدیم، عقل از سرمان پرید و از شدت جزع، قلوبمان چاک‌چاک گردید... گفتیم: ای

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۲۳.

فرزند بهترین خلائق! چشمانت گریان مباد! از چه حادثه‌ای اشکتان روان و سرشک از دیدگان ریزان است؟

حضرت صادق علیه السلام نفس عمیقی کشید که بر اثر آن، [غم] درونش برآمد و هراسش افزون شد، آنگاه فرمود: «نَظَرْتُ فِي كِتَابِ الْجُفْرِ صَبِيحَةَ هَذَا الْيَوْمِ... وَتَأَمَّلْتُ فِيهِ مَوْلِدَ قَائِمِنَا وَغَيْبَتَهُ وَإِطَاءَهُ وَطُولَ عُمُرِهِ وَبَلْوَى الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَتَوَلَّدَ الشُّكُوكَ فِي قُلُوبِهِمْ مِنْ طُولِ غَيْبَتِهِ؛ صبح امروز به کتاب جفر نگریدم... و تأمل کردم در آن درباره میلاد قائم ما و غیبت او و تأخیر آن و طول عمرش و گرفتاری مؤمنان در آن زمان و پیدایش شکوک در قلوب آن‌ها بر اثر طول غیبتش»^۱.

ایشان در روایتی دیگر، با تصریح به طولانی بودن دوران غیبت فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَةً يَطُولُ أَمْدُهَا...؛ برای قائم ما غیبتی است که مدت آن به طول می‌انجامد»^۲.

و در سخنی دیگر فرمود: «إِنَّ بَلَاغَكُمْ عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةٌ فَلَا تُنْكِرُوهَا؛ اگر خبر غیبت صاحب این امر (مهدی) به شما رسید، آن را انکار نکنید!»^۳

و فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَتَيْنِ... يَشْهَدُ الْمَوَاسِمَ يَرِي النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ؛ به راستی برای قائم دو غیبت است... در حج حضور می‌یابد، مردم را می‌بینند و مردم او را نمی‌بینند»^۱.

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۵۲؛ الغيبة، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۲۳۳.

۳. الغيبة، نعمانی، ج ۱، ص ۱۸۸؛ الغيبة، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۶۰.

آن حضرت با اشاره به فضیلت انتظار در زمان غیبت، به دلدادگان فرهنگ انتظار چنین مژده دادند: «طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُتَنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ؛ خوشا به حال شیعیان قائم ما؛ کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند».^۱

بر همین اساس، سفارش حضرت به شیعیان و مشتاقان دولت کریمه صاحب الزمان عجل الله فرجه، این جمله طلایی بود: «تَوَقَّعْ أَمْرَ صَاحِبِكَ لَيْلِكَ وَ نَهَارِكَ؛ شب و روز منتظر فرج مولایت باش».^۲

موعود در سخن امام کاظم ع

شرایط حاکم بر زمان حضرت کاظم ع با شرایط سیاسی و اجتماعی پدر گران قدرش بسیار متفاوت بود؛ چراکه آن حضرت بخش مهمی از زندگی پربرکت خویش را در زندان استبداد و ارتجاع و به دور از مردم زندگی کرد. با این بیان، روشن است که امکانات و آزادی آن حضرت چه اندازه محدود بود و تا کجا در فشار و تنگنا قرار داشت. طبیعی است که با این شرایط وحشتناک نمی تواند در مورد حضرت مهدی عجل الله فرجه - که رژیم عباسی از نام بلند او در هراس بود- بیان مشروح و روایات گوناگون داشته باشد، اما با همه محدودیت ها و فقدان فرصت، بازهم از حضرت مهدی عجل الله فرجه نوید داد و سخنان امام کاظم ع پیرامون محبوب دل ها،

۱. الغیبة، نعمانی، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۹.

۳. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۵۷؛ اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۰۰.

در فرهنگ‌های حدیثی و روایی به یادگار مانده است که به یکی دو نمونه آن اشاره می‌کنیم.^۱

«محمد بن زیاد ازدی» می‌گوید: از سرور خود موسی بن جعفر ع از تفسیر این کلام الهی پرسیدم: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»^۲. حضرت فرمود: «النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ وَالبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الغَائِبُ فَقُلْتُ لَهُ وَيَكُونُ فِي الْأُمَّةِ مَنْ يَغِيبُ قَالَ نَعَمْ يَغِيبُ عَنِ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَلا يَغِيبُ عَنِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ وَهُوَ الثَّانِي عَشْرَمِنَّا...» نعمت ظاهره، امام ظاهر است و نعمت باطنه، امام غائب است.

گفتم: آیا در میان ائمه کسی هست که غائب شود؟

فرمود: آری [وجود جسمانی] شخص او از دیدگان مردم غایب می‌شود، اما یاد او از قلوب مؤمنین غایب نمی‌شود و او دوازدهمین ما امامان است، خداوند برای او هرامر سختی را آسان و هرامر دشواری را هموار سازد و گنج‌های زمین را برایش آشکار کند و هر بعیدی را برای وی قریب سازد و به توسط وی، تمامی جباران عتود (هر خودکامه کینه‌توز) را نابود کند و هر شیطان متمردی (سرکشی) را به دست وی هلاک سازد. او فرزند سرور کنیزان است. کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر

۱. امام مهدی ع از ولادت تا ظهور، سید محمد کاظم قزوینی، ص ۱۴۶.

۲. «و نعمت‌های خویش را چه آشکار و چه پنهانی، بر شما ارزانی داشته است»، سوره لقمان،

آن‌ها روا نیست تا آنگاه که خدای تعالی او را ظاهر ساخته و زمین را پراز عدل و داد نماید، همان‌گونه که پراز ظلم و جور شده باشد»^۱.

«یونس بن عبدالرحمن» نیز می‌گوید: شرفیاب حضور امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام شدم و عرض کردم: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ؛ ای فرزند رسول الله! آیا شما قائم به حق هستید؟

حضرت فرمود: «أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُظَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَيَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي لَهُ غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمْدُهَا؛ آری! من قائم به حق هستم، ولیکن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می‌سازد و آن را همچنان که به هنگامه ظهورش از ستم و بیداد لبریز است، از عدل و داد آکنده می‌سازد. او پنجمین امام از فرزندان من است و او را غیبتی طولانی است»^۲.

منجی در بیان امام رضا علیه السلام

در صفحات آینده به تفصیل از سخنان امام رضا علیه السلام درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن خواهیم گفت، در اینجا به ذکر این روایت بسنده می‌کنیم که حضرت فرمود: «وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنِهِ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ

۱. «يُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَيُدَلِّلُ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَيُظَهِّرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَيُقَرِّبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ وَيُسِيرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَيُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْأِمَاءِ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَا دَنَّةَ وَلَا يَجِلُّ لَهُمْ تَسْمِيئُهُ حَتَّى يُظَهِّرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا». نک: کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۶۸.

۲. همان.

الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّيْتُ جَوْرًا؛ و بعد از امام حسن عسکری علیه السلام، فرزندش حضرت حجت قائم، امام خواهد بود. آن کس که در دوران غیبتش مورد انتظار و در زمان ظهورش مورد اطاعت مؤمنان است. اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا همان روز را چنان طولانی کند که قیام فرماید و زمین را از عدالت پر کند، چنانکه از ستم پر شده باشد»^۱.

توصیف قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام امام جواد علیه السلام

با توجه به نزدیک بودن ولادت و غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عصر امامت امام جواد علیه السلام، ایشان نیز سخنانی مهم و کاربردی در این زمینه داشته‌اند. از جمله وقتی از حضرت پرسیدند: وَلِمَ سُمِّيَ الْمُنتَظَرُ؛ چرا به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر گفته می‌شود؟ امام فرمودند:

«لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً تَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَيَطْوِلُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظَرُ خُرُوجَهُ؛ زیرا در غیبت طولانی او، عده‌ای انتظار ظهور حضرتش را می‌کشند»^۲.

و فرمودند: «همانا برای او غیبتی است که روزهای آن زیاد و مدت آن طولانی می‌شود؛ پس مخلصان انتظارش را می‌کشند و افراد شکاک، انکارش می‌کنند و منکران، اعتقاد به او را مسخره می‌نمایند. کسانی که

۱. کفایة الأشرافی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ج ۱، ص ۲۷۵؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۲.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۸.

وقت مشخص می‌کنند، دروغ گویند و عجله کنندگان در عصر غیبت، هلاک می‌شوند و تسلیم‌شدگان در برابر قضای الهی در عصر غیبت، نجات می‌یابند».^۱

ایشان پیرامون قطعی بودن ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ فَيَمْلَأُهَا الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتَّ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛ اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌گرداند تا این که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن روز ظهور کند».^۲

امام هادی علیه السلام و ترویج مهدویت

ترویج باور مهدویت و ظهور منجی در عصر امام دهم علیه السلام نیز تداوم یافت و ایشان به فراخور وضعیت، در فرصت‌های پیش آمده، این مسئله را مطرح و بیان کردند. دوران امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام از دورانی است که حکومت وقت به شدت مسائل مهدویت و حتی تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیگیر بوده و تحت نظر داشت. اختناق و سخت‌گیری در این زمینه نیز به اوج خود رسیده بود؛ با این حال، حضرت هادی علیه السلام از فرصت‌ها بهره‌برداری نمود و گاه به صورت صریح و زمانی در پوشش دعا، مسئله مهدویت را زنده نگهداشت. به عنوان مثال

۱. همان: «... لَهُ غَيْبَةٌ تَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَيَطْوِلُ أَمَدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَيُنْكِرُهُ الْمُزْتَابُونَ وَ يَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاحِدُونَ وَ يَكْثُرُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ وَ يَنْهَلُكَ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُرُ فِيهَا الْمُسْلِمُونَ».

۲. همان، ص ۷۰.

فرمود: «إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنْ دَارِ الظَّالِمِينَ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ؛ هنگامی که صاحب و امام شما از دیار ستمگران غایب گشت، چشم انتظار فرج باشید»^۱.

امام هادی علیه السلام همچنین در قالب زیارت جامعه کبیره، علاوه بر بیان اصل امامت، به مسئله مهدویت مخصوصاً دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رهاورد حکومت او اشاره کردند. در فرازی از این زیارت، که از متقن‌ترین، صحیح‌ترین و جامع‌ترین متون زیارتی شیعه است، چنین می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الْأُمَّةِ الدُّعَاةِ... وَبَقِيَةِ اللَّهِ؛ سلام بر امامان دعوت‌کننده [به سوی خداوند]... و باقیمانده خدا!»^۲

ایشان همچنین درباره ظهور دولت حق، این آرزوی زیبا را به منتظران ظهور تلقین می‌کنند: «مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ؛ منتظر امر [و خروج شما] و چشم‌به‌راه دولت شمایم»^۳.

در این زیارت، تنها به آرزوی تشکیل دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اکتفا نمی‌شود، بلکه امام هادی علیه السلام گام را فراتر نهاده و آرزو می‌کند که جزء حکمرانان و کارگزاران و یاران اصلی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد و لذا می‌فرماید: «وَجَعَلَنِي مِمَّنْ... يُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يُشَرِّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ يُمَكِّنُ

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۳۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۴۸؛ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۳. همان، ج ۹۷، ص ۳۴۵.

فِي أَيَّامِكُمْ؛ و مرا از کسانی قرار بده... که در دولت شما به فرمانروایی رسد و در عافیت شما گرامی گردد و در روزگار شما تمکن یابد»^۱.

و هنگامی که «حضرت عبدالعظیم حسنی» حدیث مشهور «عرضه‌ی دین» - که چکیده‌ای از مهم‌ترین عقاید ضروری شیعی است - را خدمت حضرت ارائه کرد، امام هادی علیه السلام آن را تأیید کردند و فرمودند: «ای ابالقاسم! به خدا سوگند این‌ها دین خداست که برای بندگانش برگزیده است، بر این عقیده ثابت باش و خداوند تو را به همین طریق در زندگی دنیا و آخرت پایدار بدارد».

در فرازی از این حدیث، از پذیرش ولایت ائمه علیهم السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن گفته شده و چنین آمده است:

«... وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَقُولُ إِنَّ الْإِمَامَ وَ الْخَلِيفَةَ وَ وَلي الْأَمْرِ بَعْدَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ؛

معتقدم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده‌ی او و خاتم پیغمبران است، و پس از وی تا روز قیامت پیغمبری نخواهد بود، و امام بعد از رسول صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است، بعد از او حسن، سپس حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و سپس شما هستید».

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۳۱؛ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

در این لحظه، امام هادی علیه السلام فرمود: «وَمِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي، فَكَيْفَ لِلنَّاسِ لِدُخْلَفٍ مِنْ بَعْدِي، قَالَ فَقُلْتُ وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا مَوْلَايَ؟ قَالَ لَا يَرَى شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتُ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ پس از من فرزندانم حسن امام است، لیکن مردم درباره‌ی امام بعد از او چه خواهند کرد؟»

عرض کردم: ای مولای من! مگر ایشان چگونه است؟

فرمود: «امام بعد از فرزندانم حسن، شخصش دیده نمی‌شود و اسمش در زبان‌ها جاری نمی‌گردد تا خروج کند و زمین را از عدل و داد پر کند، همان‌طور که از ظلم و ستم پر شده است»^۱.

منجی منتظر در کلام پدر

یازدهمین نور از شجره امامت و ولایت، امام حسن عسکری علیه السلام نیز با وجود همه فشارها و شرایط دشوار آن دوران، یاد مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را زنده و پویا نگه داشتند و در هر فرصت و مجالی، به تبیین اندیشه مهدویت پرداخته، شیعیان را از تولد منجی آخرالزمان و دوازدهمین نور خدا آگاه ساختند.

در روز سوم ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام عسکری علیه السلام فرزندشان را بر اصحاب خود عرضه کردند و فرمودند: «هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَ هُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالِإِنْتِظَارِ؛ این فرزند،

۱. کفایة الأثر فی النص علی الائمة الإثنی عشر، ص ۲۸۸.

صاحب و امام شما بعد از من و خلیفه من بر شماست. او قائمی است که مردم در انتظار او به سر خواهند برد».^۱

احمد بن اسحاق که از بزرگان شیعه و از پیروان ویژه امام یازدهم است، می‌گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خُلُقًا وَ خُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛

ستایش خداوندی را سزااست که قبل از آنکه از دنیا رحلت کنم، جانشین بعد از خودم را نشانم داد... پسر من در چهره و خلق و خوی، شبیه‌ترین مردم به پیامبر خداست. خداوند او را در دوران غیبتش حفظ خواهد کرد و آنگاه به او فرمان ظهور خواهد داد».^۲

همو می‌گوید: خدمت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و می‌خواستم درباره امام پس از او سؤال کنم؛ ولی پیش از آن که سخنی بگویم، حضرت فرمود: «ای احمد! همانا خدای متعال از آن زمان که آدم را آفریده، زمین را از حجت خود خالی نگذاشته است و تا قیامت نیز چنین نخواهد کرد. به واسطه حجت خدا، بلا از اهل زمین برداشته می‌شود و [به برکت وجود او] باران باریده و بهره‌های زمینی بیرون می‌آید».

عرض کردم: ای پسر رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟

^۱ . کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵.

^۲ . کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۸.

آن حضرت با شتاب به درون خانه رفت و بازگشت و درحالی که پسری سه ساله بر دوش داشت که رویش همانند ماه تمام می درخشید، فرمود: «ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای متعال و حجت های او گرامی نبودی، این پسر را به تو نشان نمی دادم. همانا او همانم و هم کنیه رسول خداست و کسی است که زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.»

گفتم: سرور من! آیا نشانه ای هست که قلبم به آن آرام گردد؟! [در این هنگام] آن کودک، لب به سخن گشود و به زبان عربی روان گفت: «من بقية الله در زمین هستم که از دشمنان خدا انتقام خواهم گرفت. ای احمد بن اسحاق، پس از اینکه با چشم خود می بینی، در پی نشانه مباش!»

احمد بن اسحاق گوید: پس [از شنیدن این سخنان] با شادمانی از خانه امام بیرون رفتم.^۱

نتیجه سخن آنکه، تمامی معصومین علیهم السلام در سیره و سخن خود، یاد و خاطره آخرین حجت الهی را گرامی داشته و به پیروان و مؤمنان، ضرورت زنده نگه داشتن فرهنگ انتظار منجی موعود عجل الله فرجه و توجه به آینده روشن تحقق دولت کریمه را یادآور می شدند.

۱. همان، ص ۸۰.

فصل سوم:

آب و آفتاب

پیش از بررسی سخنان امام هشتم درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، برای آشنایی دوباره با این دو نور برگزیده خداوند، مروری کوتاه به زندگینامه ایشان خواهیم داشت و بعد از آن به یک نکته بنیادین و محوری بحث اشاره کرده و سپس به بحث ولادت تا ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از زبان امام رضا علیه السلام خواهیم پرداخت.

نور هشتم؛ امام رضا علیه السلام

امام هشتم در یازدهم ذی قعدة سال یک صد و چهل و هشتم هجری قمری پس از گذشت چند روز از شهادت جدش امام صادق علیه السلام، در مدینه به دنیا آمد.

امام صادق علیه السلام همواره مشتاق و آرزومند دیدار نوه گرامی خود بود، امام کاظم علیه السلام می فرماید: «پدرم امام صادق علیه السلام بارها به من می فرمود: عالم آل محمد در صلب تو خواهد بود و ای کاش من او را درک می کردم. او همانم جدم امیرالمؤمنین علی علیه السلام است».^۱

افتخار مادری هشتمین نور ولایت و امامت به بانویی دین باور، باحیا و اهل عبادت به نام «نجمه» رسید که پس از ولادت امام رضا علیه السلام، «طاهره» نامیده شد.^۲

۱. اعلام الوری، ج ۲، ص ۶۴؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰.

۲. تکم، اروی، سکن، سمانه، ام البنین، خیزران، صقر، شقرا از دیگر نام های ایشان است. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲ و ۲۳.

ایشان خود می‌فرماید: «زمانی که فرزند بزرگووارم را باردار بودم، هرگز احساس سنگینی نمی‌کردم. وقتی می‌خوابیدم، صدای تسبیح و تهلیل و تمجید حق تعالی را از درونم می‌شنیدم. هراسان از خواب بیدار می‌شدم، ولی دیگر آن صدا به گوش نمی‌رسید. وقتی به دنیا آمد، دست‌هایش را بر زمین گذاشت؛ سر مطهرش را به سوی آسمان بلند کرد، لب‌هایش را تکان داد، ولی نفهمیدم چه می‌گوید. نزد امام کاظم علیه السلام رفتم، او فرمود: «نجمه! کرامت پروردگار گوارایت باد». فرزندم را در پارچه‌ای سفید پیچیدم و نزد حضرت بردم. وی در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه خواند. آنگاه آب فرات خواست و کامش را با آن برداشت. سپس نوزاد را به من بازگرداند».^۱

امام موسی بن جعفر علیه السلام از همان دوران طفولیت او را به «رضا» ملقب گردانید و کنیه «ابوالحسن» را برایش برگزید.^۲ آن حضرت به فرزند دلبندهش - که یادگار امامت محسوب می‌شد - خیلی علاقه داشت. مُفَضَّل بن عمر می‌گوید: روزی به حضور امام کاظم علیه السلام مشرف شدم، آن جناب فرزندش علی را در دامنش نشانده، نوازش می‌کرد و می‌بوسید. گاهی کودک را بر دوش خویش می‌نهاد و به سینه‌اش می‌چسبانید و پیوسته می‌گفت: «بِأَبِي أَنْتَ مَا أَطْيِبَ رِيحًا وَ أَظْهَرَ خَلْقًا وَ أَبْيَنَ فَضْلًا»؛

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹.

۲. علی بن یقطین می‌گوید: امام هفتم علیه السلام از زندان برایم چنین نوشت: «أَنَّ فُلَانًا ابْنِي سَيِّدٌ وُلِدِي وَ قَدْ نَحَلْتُهُ كُنْيَتِي». کافی، ج ۱، ص ۳۱۳.

پدرم فدای تو! تو چه خوشبویی و چه پاکیزه‌خویی و فضل و برتری تو چه تابان و درخشنده است!»

گفتم: فدایت شوم! در قلبم نسبت به این کودک علاقه عجیبی احساس می‌کنم که به غیر از شما این چنین عشق و علاقه‌ای به کسی ندارم.

امام کاظم علیه السلام فرمود: «ای مفضل! او در نظر من همانند من نسبت به پدرم امام صادق علیه السلام است و آنگاه این آیه را تلاوت فرمود: ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۱.

مفضل پرسید: آیا او بعد از شما امام است و مقام پیشوایی امت را خواهد داشت؟

فرمود: «آری، هر که از او اطاعت کند هدایت یافته و آن که از او نافرمانی نماید، کافر خواهد شد»^۲.

سرانجام امام رضا علیه السلام پس از بیست سال امامت و پیشوایی، با زهر کینه مأمون عباسی در سال ۲۰۳ هجری قمری به شهادت رسید.

نور دوازدهم: امام زمان علیه السلام

دوازدهمین پیشوای معصوم، حضرت حجت بن الحسن، امام زمان علیه السلام در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر «سامراء»، پیش از

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۴، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی: «آن‌ها فرزندان و (دودمانی) بودند که (از نظر پاک‌ی و تقوا و فضیلت)، بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند».

۲. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۰.

طلوع فجر، دیده به جهان گشود و عالم را با نور وجود مبارکش منور نمود.^۱

پدرایشان، پیشوای یازدهم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و مادرشان، زنی برگزیده و پاک‌دامن به نام «نرجس» است؛^۲ بانویی از نسل شمعون، یکی از حواریون حضرت عیسی علیه السلام که قدرت الهی و تقدیر حق، او را برای همسری امام عسکری علیه السلام از روم به سامرا راهی کرد تا گوهر تابناک مهدویت در دامن او پرورش یابد.^۳

میزان فضیلت و معنویت نرجس خاتون تا آن حد والا بود که «حکیمه» خواهر امام هادی علیه السلام که خود از بانوان عالی‌قدر خاندان امامت بود، او را سرآمد و سرور خاندان خویش و خود را خدمتگزار او می‌نامید.^۴

۱. نک: شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۴۶؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۲۹۲؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۴؛ الغیبة، شیخ طوسی، ص ۱۴۱ و... گفتنی است در بعضی از مآخذ، تاریخ تولد حضرت، سال ۲۵۶ هجری ضبط شده است. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۱۳۹ و ۱۴۷.

۲. الارشاد، ص ۳۴۶؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۴۳۲.

۳. از ایشان بنام «ریحانه»، «سوسن» و «صقیل» نیز یاد شده است. نک: کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۴۳۲ و نک به: روضة الواعظین، ص ۲۹۲.

۴. روضة الواعظین، ص ۲۸۳؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۴۲۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲.

آخرین برگزیده

دوازدهمین نور از نسل خاتم پیامبران، همنام پیامبر (م ح م د) و هم‌کنیه آن حضرت (ابوالقاسم) است.^۱ ولی پیشوایان معصوم از ذکر نام اصلی ایشان نهی فرموده‌اند.^۲

از جمله القاب آن حضرت، حجت، قائم، خلف صالح، صاحب الزمان، منتظر^۳ و بقیة الله^۴ است و مشهورترین آن‌ها «مهدی» است.

۱. امام حسن عسکری علیه السلام در بستر شهادت، خطاب به امام زمان علیه السلام فرمودند: «أَبْنِي يَا بُنِي... وَ لَدَكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنْتَ خَاتَمُ الْأَيِّمَةِ الظَّاهِرِينَ وَ بَشْرِيكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ سَمَّاكَ وَ كَنَّاكَ بِذَلِكَ؛ بشارت برتوبادای پسر من!... جد تو رسول خدا صلی الله علیه و آله است و تو خاتم ائمه طاهرین هستی و رسول خدا صلی الله علیه و آله به [ولادت] تو بشارت داده است و این اسم و کنیه را برای تو قرار داد». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۶؛ الغيبة، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۷۱.

۲. در حدیثی دیگر از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم: «وَ إِنَّمَا نَهَيْتُكُمْ عَنِ التَّصْرِيحِ بِاسْمِهِ الْخَفِيِّ عَنِ أَعْدَائِنَا فَلَا يَعْرِفُوهُ؛ شما را از تصریح به اسم آن حضرت نهی کرده‌ایم تا اسمش بر دشمنان ما مخفی بماند و آنان او را نشناسند». محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۵ و نک: کافی، ج ۱، ص ۳۳۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۱-۳۴؛ البته در اینکه نهی ائمه علیهم السلام از ذکر نام مخصوص آن حضرت، یک اقدام سیاسی مقطعی و مربوط به دوران غیبت صغری بوده یا اینکه حرمت ذکر نام آن حضرت تا هنگام ظهور و قیامش باقی است؟ در میان علمای شیعه اختلاف دیدگاه وجود دارد. رک به: حاج میرزا حسین طهرسی نوری، النجم الثاقب، باب ۲، ص ۴۸.

۳. امام جواد علیه السلام فرمود: «وی برای مدتی طولانی غیبت می‌کند و علاقه‌مندان منتظرش خواهند بود و آن‌ها که تردید دارند انکار خواهند کرد». نک: کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۷۸.

۴. امام باقر علیه السلام پس از بیان برخی از علائم ظهور، فرمود: «فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ رُجُلًا وَ أَوَّلُ مَا يَنْطَلِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ

زیبای نورانی

به گفته روایات، منجی آخرالزمان، از نهایت زیبایی صورت و اندام برخوردار است، تا آنجا که پیامبر اکرم ﷺ درباره او فرمود: «الْمُهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ الثُّورِ؛ مهدی طاووس اهل بهشت است که جامه‌هایی از نور او را در بر گرفته است».^۱ و درباره چهره‌ی زیبا و نورانی آن حضرت، فرمود: «الْمُهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِيِّ اللَّوْنُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ؛ مهدی از نسل من است. سیمایش چون ماه تابان و رنگش عربی (گندم‌گون) است».^۲

ثامن الحجج، امام رضا علیه السلام نیز درباره زیبایی‌های آن حضرت فرمود: «عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ شَابَّ الْمُنْظَرِ حَتَّىٰ إِنَّ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لَيُحْسَبُهُ ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَإِنَّ مِنْ عَلَامَتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَأْتِيَ أَجَلُهُ؛ از نشانه‌های او سیمای جوانی او در سن کهولت است که

حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ؛ در آن هنگام، قائم ما ظهور می‌کند، وقتی که ظهور کرد، به کعبه تکیه می‌دهد و سیصد و سیزده نفر دور او جمع می‌شوند، و اولین حرفی که می‌زند، این آیه است: [بَيِّنَاتٌ لِّأَنَّ اللَّهَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ] سپس می‌گوید: من، بقیة الله و خلیفة او در زمین و حجت خدا بر شما هستم، پس از آن هیچ مسلمانی بر او سلام نمی‌دهد، مگر اینکه می‌گوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ». کمال السدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱؛ تفسیر نورالثقلین، عابد علی حویزی، ج ۲، ص ۳۹۲، ح ۱۹۴؛ تفسیر کنزالدقائق، محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، ج ۶، ص ۲۲۶.

۱. منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۱۴۷؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۶۴؛ ر. ک: مکمال المکارم، محمدتقی موسوی اصفهانی، ج ۱، ص ۶۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۱؛ منتخب الاثر، ص ۱۸۵؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۸۱؛ مکمال المکارم، ص ۶۷.

هر کس او را ببیند، او را چهل ساله یا کمتر تصور می‌کند و از نشانه‌های او این است که با گذشت روزها و شب‌ها پیر نشود تا اجلش فرارسد».^۱
و فرمود: «وَتَكُونُ رَائِحَتُهُ أَطْيَبَ مِنْ رَائِحَةِ الْمُسْكِ؛ بوی او از بوی مشک خوشبوتر است».^۲

دلبری داریم که از صاحب دلان دل می‌برد
غمزه‌ای مشکل‌گشا دارد که مشکل می‌برد
گر نقاب از چهره بگیرد آن نگار نازنین
پرتو رخساره‌اش دل‌های مایل می‌برد

آغاز دوران غیبت

با توجه به ترفندهای دشمنان و تحت نظر بودن امام عسکری علیه السلام برای پیشگیری از تولد آخرین نور از خاندان رسالت و دوازدهمین امام که در سیره و سخن پیامبر و پیشوایان پیشین بر آن تأکید شده بود، تولد و نهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همان دوران آغاز شد، به گونه‌ای که به اعجاز الهی، آثار حمل در مادرشان دیده نشد و امام عسکری علیه السلام برای حفظ آخرین ذخیره الهی، جز در موارد خاص و برای اصحاب ویژه خود، فرزندشان را نشان نمی‌دادند و در مواردی نیز به اطلاع‌رسانی کلی درباره ولادت ایشان اکتفا می‌کردند.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵ و ۳۲۲؛ روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۹.

۲. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.

۳. الارشاد، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۴۰.

براین اساس، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو دوره غیبت داشتند: یکی کوتاه مدّت (غیبت صغرا) و دیگری دراز مدّت (غیبت کبرا). امام صادق علیه السلام در روایتی به کوتاه و بلند بودن دو غیبت امام اشاره کرده و فرمودند: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ؛ بِرَأْيِ قَائِمٍ، دُوْ غَيْبَتٍ اسْت: يَكِي از آن‌ها کوتاه مدّت و دیگری دراز مدّت. در غیبت نخست، جز شیعیان مخصوص، از جایگاه او کسی خبر ندارد و در دیگری جز خدمتکاران ویژه‌ی آن حضرت، کسی از مکانش آگاه نیست»^۱.

در دوره‌ی غیبت صغرا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به واسطه چهار نفر نایبان خاص خود با شیعیان در رابطه بود و امور آنان را سر و سامان می‌داد. در این دوره، نه فقط شخص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیده‌ها پنهان بود، بلکه بیش‌تر سُفْرای ایشان نیز به‌طور ناشناس و بدون آن‌که جلب‌توجه کنند، عمل می‌کردند. با پایان یافتن دوران «غیبت صغرا» در سال ۳۲۹ ق و رحلت چهارمین سفیر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، «غیبت کبرا» آغاز شد که تا امروز ادامه داشته و تا فرارسیدن روز ظهور آن حضرت نیز ادامه خواهد یافت.

تداوم امامت تا ظهور موعود عجل الله فرجه

از مباحث مهم و کلیدی امام رضا عجل الله فرجه، بحث درباره ضرورت حجت الهی در زمین و نقش امام معصوم در حفظ و بقای جهان هستی است که دستاورد چنین باوری، لزوم تداوم امامت در تمام زمان‌هاست. همان‌گونه که امیر مؤمنان عجل الله فرجه می‌فرمودند:

«اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِأَرْضِكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَي خَلْقِكَ يَهْدِيهِمْ إِلَي دِينِكَ وَ يُعَلِّمُهُمْ عِلْمَكَ لِيَأْتِيَكَ حُجَّتُكَ وَ لَا يَضِلَّ اتِّبَاعُ أَوْلِيَائِكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ بِهِ إِمَّا ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ أَوْ مُكْتَمٍ أَوْ مُتَرَقِّبٍ إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُ فِي حَالِ هِدَايَتِهِمْ فَإِنَّ عِلْمَهُ وَ آدَابَهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُشَبَّهَةٌ فَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ؛ بار خدایا! ناگزیر باید در زمین تو، حجتی از تو برای خلائق باشد تا ایشان را به دین تو هدایت کند و علم تو را به آن‌ها بیاموزد تا حجت تو باطل نشود و پیروان اولیاء تو پس از هدایت گمراه نشوند. این حجت، یا آشکار است، ولی مطاع نیست و یا آنکه پنهان است و یا منتظر [ظهور]. اگرچه شخص او در حالی که مردم را هدایت می‌کند، غایب باشد، اما علم و آداب او در قلوب مؤمنین ثبت است و بدان عمل می‌کنند»^۱.

در باور زیبای شیعیان، امام و حجت الهی، رکن جهان آفرینش است و جهان به وجود او بستگی دارد. امام واسطه فیض الهی و مجرای رحمت

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۵۶۲. و در سخنی دیگر چنین فرمود: «اللَّهُمَّ بَلَى لَنْ تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ لِيَأْتِيَكَ حُجَّتُكَ اللهُ وَ يَبَيِّنَاتُهُ؛ آری خدایا! زمین خالی از قیام‌کننده به حجت الهی نمی‌ماند تا اینکه حجت‌ها و دلایل روشن الهی باطل نشود». نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷؛ کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۵۴۲.

اوست و آن لحظه که زمین خالی از حجت باشد، بساط آن به هم خواهد ریخت.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: «لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَثُ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ؛ اگر امام يك ساعت از زمین برداشته شود، زمین و اهلیش مضطرب و طوفان زده شوند، همچنان که دریا دچار موج و طوفان شود».^۲ و امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بَعْدَ إِمَامٍ لَسَاخَتْ؛ اگر زمین [لحظه ای] بدون وجود امام باشد، [ساکنان خود را در کام خود] فرو می برد».^۳

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز با قاطعیت فرمودند: «مَا تَرَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ قَطُّ مُنْذُ قَبَضَ آدَمَ عليه السلام يَهْتَدِي بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ، مَنْ تَرَكَهُ ضَلَّ وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَى حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ خداوند از زمانی که حضرت آدم را قبض روح کرد، هرگز زمین را خالی از امام رها نکرده است تا به وسیله او به سوی خدای عزیز و جلیل هدایت انجام گیرد و او حجت [خدا] بر بندگان است. کسی که امام را رها کند،

۱. «عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : أَتَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ؟ قَالَ: لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ؛ ابو حمزه می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: زمین بدون امام می ماند؟ فرمود: اگر زمین بدون امام باشد فرورود (و نظمش از هم پاشد)». کافی، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۰۱؛ علل الشرایع، صدوق، ج ۱، ص ۱۹۸.

گمراه شده و کسی که همراه [و پیرو] او باشد، نجات یافته است. و این، حقی است بر خداوند»^۱.

لزوم وجود امام، در سخن امام رضا علیه السلام

بر اساس همین مبنا، از جمله مسائلی که آموزه‌های دینی مرتبط با منجی آخرالزمان با بیان‌های مختلف به آن توجه داده، این است که هیچ‌گاه زمین خالی از حجت نیست و این حجت‌ها مجموعاً دوازده نفرند، در نتیجه، امامت در تمام ادوار تا دوران ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه دارد. در این زمینه از امام هشتم علیه السلام سؤال شد:

«أَتَبَقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ؟ زَمِينٌ بَدُونَ إِمَامٍ بَاقِي مَانِدٌ؟

حضرت در پاسخ فرمود: «نه».

محمد بن فضیل در ادامه پرسید: فَإِنَّا نُرَوِّي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهَا لَا تَبْقَى بِغَيْرِ إِمَامٍ إِلَّا أَنْ يَسْخَطَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ أَوْ عَلَى الْعِبَادِ؛ برای ما از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که زمین بدون امام باقی نباشد مگر اینکه خدای تعالی بر اهل زمین یا بر بندگان خشم گیرد. امام رضا علیه السلام فرمود: لَا لَاتَبَقَى إِذَا لَسَاخَتْ؛ نه، باقی نماند، در آن صورت فرود»^۲.

سلیمان جعفری می‌گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: سَأَلْتُ أَبَا الْحُسَيْنِ الرَّضَا علیه السلام فَقُلْتُ أَتَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةٍ؟؛ آیا زمین بدون حجت می‌ماند؟

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۹۷؛ اعلام الهدایة، ج ۹، ص ۲۱۵.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹. و نک: عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۲.

حضرت فرمود: «لَوْ خَلْتُ مِنْ حُجَّةٍ ظَرْفَةَ عَيْنٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛ اِذَا جَاءَ بِرَّهْمٍ زِدْنِي مِنْ حُجَّتِ خَالِي بِمَانِدٍ، اِهْلِسْ رَا فَرُو خَوَاهِدْ بَرْدٍ».^۱

امام هشتم علیه السلام همچنین در نوشته‌ای خطاب به مأمون، با تأسی به اجداد طاهربین خود، نشناختن و نپذیرفتن امام را مساوی با مرگ جاهلی دانسته^۲ و فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ أُمَّتَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ هَرَكْسِ بِي شَنَاخْتِ اِمَامَانِ خَوِيْشِ بِمِيْرِدِ، بِه مَرْگِ جَاهِلِيَّتِ مَرْدِه اِسْت».^۳

عبدالعزيز بن مسلم نیز می‌گوید: ما در ایام حضرت رضا علیه السلام در مرو بودیم. در آغاز ورود، روز جمعه در مسجد جامع جمع شدیم، حضار مسجد، موضوع امامت را مورد بحث قرار داده و اختلاف بسیار مردم را در آن زمینه بازگو می‌کردند. من خدمت آقایم رفتم و گفتگوی مردم را در بحث امامت به عرض رسانیدم.

حضرت تبسمی کردند و فرمودند: «ای عبدالعزیز! این مردم نادان‌اند و در رأی و دین خود غافل و فریب‌خورده شدند. همانا خدای عزوجل،

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۰۴؛ کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیان معروف خود فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً الْجَاهِلِيَّةَ؛ هَرَكْسِ بِمِيْرِدِ و اِمَامِ زَمَانِ خَوِيْشِ رَا نَشَنَاسِدِ، بِه مَرْگِ جَاهِلِيٍّ اِز دُنْيَا رَفْتِه اِسْت». نک: بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۶۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۴۶؛ کنز العمال، احادیث ۴۶۳ و ۴۶۴. در بیان دیگر به عنوان ذکر مصداق فرمودند: «مَنْ اَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ مَاتَ مِيتَةً الْجَاهِلِيَّةَ؛ هَرَكْسِ قَائِمِ اِز اَوْلَادِ مَنْ رَا دَر دَوْرَانِ غَيْبَتِشِ اِنْكَارِ كَنْدِ، بِه مَرْگِ جَاهِلِيَّتِ مَرْدِه اِسْت». روزگار رهایی، کامل سلیمان، ج ۱، ص ۸۱، و شبیه آن: بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۰؛ اختصاص مفید، ص ۲۶۸.

۳. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۸۴.

پیامبر خویش را قبض روح نفرمود تا دین را برایش کامل کرد و قرآن را بر او نازل فرمود که بیان هر چیز در اوست. حلال و حرام و حدود و احکام و تمام احتیاجات مردم را در قرآن بیان کرده و فرمود: ﴿مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...﴾؛ چیزی در این کتاب فرو گذار نکردیم^۱، و در حجة الوداع که سال آخر عمر پیامبر ﷺ بود، این آیه نازل شد: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را کامل کرد و نعمتم را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم^۲. و موضوع امامت از کمال دین است (تا پیامبر خدا ﷺ جانشین خود را معرفی نکند، تبلیغش را کامل نساخته است) و پیامبر گرامی خدا ﷺ از دنیا نرفت تا آنکه نشانه‌های دین را برای امتش بیان کرد و راه ایشان را روشن ساخت و آن‌ها را بر شاهراه حق واداشت و علی عليه السلام را به عنوان پیشوا و امام منصوب کرد و همه احتیاجات امت را بیان کرد. پس هر که گمان کند خدای عزوجل دینش را کامل نکرده، قرآن را رد کرده و هر که قرآن را رد کند، به آن کافر است^۳.

سپس امام رضا عليه السلام با بیانی ژرف و شگرف، به ویژگی‌ها، فضائل و مقامات امام پرداخته و در فرازهای پایانی، شاه‌بیت سخنان خود را چنین بیان کردند: «الْإِمَامُ وَاحِدٌ دَهْرِهِ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَلَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَلَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَلَا لَهُ مِثْلٌ وَلَا نَظِيرٌ؛ امام، یگانه روزگار خویش است و

۱. سوره انعام، آیه ۳۸.

۲. سوره مائده، آیه ۳.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۶ و رک: تحف العقول، ص ۴۶۰.

کسی به (ساحت) او نزدیک نمی‌شود و هیچ دانشمندی با او هم‌تراز نمی‌گردد. نه کسی جای او را می‌گیرد و نه برای او مثل و مانندی یافت می‌شود»^۱.

به گفته مولوی:

گریبایم صد دهان و این چنین تنگ آید در بیان آن امین
این قدر هم گرنگویم ای سند شیشه دل از ضعیفی بشکند

بر این باور، ضرورت وجود امام زمان در هر عصری، از بایدهای قطعی اعتقادی شیعه است و بر مبنای آموزه‌های دینی و سخنان امامان علیهم‌السلام و از جمله امام رضا علیه‌السلام، حضرت مهدی علیه‌السلام، امام زمان شیعیان و واسطه فیض خداوند متعال بر ساکنان زمین خواهند بود که تا فرارسیدن عصر ظهور، همانند خورشید پشت ابر، از پس پرده غیبت، سایه عنایتشان بر سر مردم خواهد بود.

به عبارت دیگر، اهتمام امام هشتم علیه‌السلام برای تبیین و تثبیت اصل امامت و تبیین خصوصیات امام، از آن جهت دارای اهمیت فوق‌العاده است که اصل امامت، مقدمه تثبیت و تفهیم باور به مهدویت و وجود منجی آخرالزمان علیه‌السلام خواهد بود که آن حضرت در هر فرصتی، نسبت به ترویج و تبلیغ مقوله مهدویت بهره بردند که در صفحات آینده با تلاش‌های آن حضرت بیشتر آشنا خواهیم شد.

فصل چهارم:

رواق‌های مهدوی

رواق‌های رضوی در معرفی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پس از آشنایی با کلیات بحث در فصل‌های گذشته، اینک به بررسی موضوع اصلی آنچه در این نوشتار هدف‌گذاری شده است می‌پردازیم که عبارت است از بررسی سخنان امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که فرمایشات آن حضرت را به سبک رایج در مباحث مهدوی یعنی از ولادت تا ظهور و قیام آخرین ذخیره امامت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در قالب ده رواق، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رواق اول: رواق خاتم الاوصیا

پس از آنکه امام رضا علیه السلام به تبیین امامت و تداوم آن تا دوازدهمین امام تأکید کردند، به بیان تبارشناسی آخرین امام پرداختند و به چند نکته اساسی در این باره اشاره کردند؛ اینکه مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرزند نهم امام حسین و فرزند چهارم امام رضا و فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام است. این معرفی حضرت باعث شد تا علی رغم تردیدها و شبهه افکنی مخالفان و فرصت طلبان سودجوی مباحث مهدویت، روشنان چهره‌ی مقدس قائم آل محمد صلی الله علیه و آله برای همگان قابل رؤیت و باور باشد. اینک نکات مطرح شده در سخنان امام هشتم علیه السلام را مورد اشاره گذرا قرار می‌دهیم.

نام و نسب موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام امام رضا علیه السلام

یک: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؛

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در سخن خودشان، منجی را همنام پیامبر دانسته و می‌فرمایند: «بِأَبِي وَأُمِّي سَمِيَّ جَدِّي؛ پدر و مادرم به فدای او (امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) که همنام جدّم رسول خداست».^۱

و در روایتی دیگر، خاتم اوصیاء را شبیه خود و همنام خاتم انبیا دانستند و فرمودند: «بِأَبِي وَأُمِّي شَبِيهِ وَ سَمِيَّ جَدِّي وَ شَبِيَهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ؛ پدر و مادرم فدای او باد! او شبیه من و همنام جدّم رسول خدا و شبیه موسی بن عمران است».^۲

امام رضا علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام و ایشان از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کردند که حضرت فرمود: «آن قیام‌کننده که از فرزندان من است، بدون تردید غایب خواهد گردید».^۳

همچنین امام رضا علیه السلام می‌فرماید: ^۴ پدرم از پدرانش و از علی علیه السلام حدیثی نقل کرد و آن اینکه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفته شد: «قِيلَ لَهُ يَا

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۵۷.

۳. همان، ص ۵۱.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۵؛ کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ج ۱،

ص ۲۷۵؛ ینابیع المودة، حافظ قندوزی حنفی، باب ۸۰، ص ۴۵۴.

رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يُخْرِجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟....؛ قائم از ذریه شما چه زمانی خروج (قیام) خواهد کرد؟...»^۱

دو: قائم، نهمین فرزند امام حسین (ع) است؛

در ده‌ها روایات از معصومین (ع) تصریح شده است که منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) از نسل پاک و مطهر امام حسین (ع) است که هرگونه شک و تردید نسبت به نام و نشان و مشخصات موعود آخرالزمان و آخرین ذخیره الهی را برطرف می‌سازد. در بیشتر احادیثی که از وجود مقدس رسول اکرم (ص) درباره حضرت ولی عصر (عج) آمده، آن حضرت با عناوینی مثل: «از تبار پسرم حسین» و «از نسل این پسر» «نهمین فرزند پسرم حسین» معرفی شده است.^۲

امام رضا (ع) نیز در معرفی سلسله نسب آن حضرت، به تبیین این سلسله مبارک در ضمن نقل روایت‌هایی از پدر و اجدادشان پرداختند. ایشان به نقل از پیامبر خدا (ص) چنین فرمودند: «هرکس دوست دارد که به دین من تمسک جوید، باید به علی بن ابی طالب که وصی و جانشین من است، اقتدا کند و پس از امیرالمؤمنین، به دو فرزندم حسن و حسین و پس از آن به فرزندان حسین که نه امام هستند و نهمین آن‌ها

۱. اشاره به آیه ۱۸۷ سوره اعراف.

۲. نک: یاد مهدی، محمد خادمی شیرازی، ص ۱۶ و ص ۱۳۲؛ منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۲۵۴.

قائم است که از فرزندان من است، اقتدا نماید: وَمِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ
أُمَّةٌ تَأْسِعُهُمُ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي»^۱.

همچنین در روایت دیگری امام رضا علیه السلام از پدرشان موسی بن جعفر و
ایشان از پدران بزرگوارشان، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید که آن
حضرت فرمود: «من و علی پدران این امت هستیم. هرکس ما را
بشناسد، خدا را شناخته و هرکس ما را انکار کند، گویی خدا را انکار
نموده است. بعد از ما دو فرزندم، سید جوانان اهل بهشت حسن و
حسین و پس از ایشان، نه نفر از فرزندان حسین، پیشوایان این امت
هستند که نهمین آنان قائم و مهدی آنان است»^۲.

نیز نقل شده که امام رضا علیه السلام درباره مصداق قائم فرمود: «روزی جدم
امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسین علیه السلام فرمود: التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا
حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ الْمُظْهِرُ لِلدِّينِ وَ الْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ؛ ای حسین!
نهمین فرزند تو قیام کننده به حق و یاری کننده دین و گسترش دهنده
عدالت است»^۳.

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲. «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ مَنْ عَرَفَنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ أَنْكَرَنَا فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنْ
عَلِيٍّ مِسْبَطًا أُمَّتِي وَ سَيِّدًا سَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ أُمَّةٌ
طَاعَتْهُمْ طَاعَتِي وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ وَ مُهْدِيَتُهُمْ». کمال‌الدین و تمام‌النعمة،
ج ۱، ص ۲۶۱.

۳. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۰۳.

سه: منجی از فرزندان امام باقر علیه السلام است؛

نکته دیگری که در سخنان امام رضا علیه السلام درباره تبیین سلسله نسب منجی موعود بیان شده است، این که ایشان از فرزندان امام باقر علیه السلام است. آن حضرت می فرمایند: «امام باقر علیه السلام فرمودند: سَابِعُنَا قَائِمًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ هفتمین ما قائم ماست، اگر خدا بخواهد».^۱

چهار: مهدی موعود علیه السلام، چهارمین فرزند از نسل من است؛

در ادامه معرفی تبار مبارک و نورانی صاحب الزمان علیه السلام، اما هشتم علیه السلام او را چهارمین فرزند از نسل خود معرفی می کند و می فرماید: «الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ؛ امام زمان علیه السلام چهارمین فرزند من است و از سرور کنیزان عالم به دنیا خواهد آمد».^۲

همچنین آن حضرت درباره مصداق مهدی موعود به «رِثَانِ بْنِ صَلْتٍ» فرمود: «با او [مهدی] عصای موسی و انگشتر سلیمان است. او چهارمین فرزندم است که خداوند او را تا زمانی که بخواهد، در پناه خود نهان

۱. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۶۰؛ رجال کشی، ص ۳۷۳. امام باقر علیه السلام در سخنی دیگر فرموده بودند: «دوازده تن محدث از ماست که هفتمین فرزند من همان قیام کننده آل محمد علیهم السلام است». نک: روزگار رهایی، ج ۱، ص ۸۸؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۹۷. ابو حمزه ثمالی نیز می گوید: روزی نزد امام باقر علیه السلام بودم که فرمود: «ای ابا حمزه! یکی از امور یقینی - که خداوند آن را حتمی ساخته است - قیام قائم ما اهل بیت است و اگر کسی در آنچه می گویم تردید کند، خداوند را در حالی ملاقات خواهد کرد که به او کافر شده و انکارکننده ی اوست». سپس فرمود: «پدر و مادرم فدای او که همنام من و هم کنیه من است و هفتمین فرد پس از من می باشد». نک: نعمانی، الغیبة، ج ۱، ص ۸۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

نموده، پس از آن آشکار کند و زمین را پراز عدل سازد، آن گونه که پراز جور و ستم شده بود».^۱

و آنگاه که «دعبل»، اشعار جان سوز خود را در محضر امام هشتم عجل الله تعالی فرجه الشریف قرائت کرد و در ضمن اشعار خود به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره نمود، حضرت رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از تشویق و تأیید او، فرمودند: «ای خزاعی، آیا می‌دانی این امام کیست و چه موقع قیام می‌کند؟»

سپس حضرت به معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداختند و فرمودند: «ای دعبل! امام بعد از من پسر محمد و بعد از محمد پسرش علی، و بعد از علی فرزند او حسن، و بعد از حسن فرزندش، حجت قائم منتظر خواهد بود که در دوران غیبتش انتظارش را می‌کشند و در زمان ظهورش، اطاعتش می‌نمایند. اگر از عمر دنیا، تنها یک روز باقی مانده باشد همان یک روز را خداوند آن قدر طولانی گرداند تا اینکه او قیام کند و زمین را مالا مال از عدل نماید، چنانکه از ظلم پر شده باشد».^۲

پنج: موعود منتظر، فرزند امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛

آخرین نکته‌ای که امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف برای زدودن هرگونه شک و شبهه‌ای بر آن تأکید کردند، این است که قائم منتظر و صاحب الزمان موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرزند یازدهمین نور ولایت امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ لذا وقتی «ریان

۱. «یا دَعْبِلُ! الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي، وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ، وَبَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ، وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ، الْمُطَاعُ فِي ظَهْرِهِ، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا». كمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴.

بن صلت» به حضرت رضا علیه السلام عرض می کند: آیا صاحب الامر شما هستید؟

حضرت می فرمایند: «أنا صاحب الأمر ولكي لست بالذي أملاًها عدلاً كما ملئت جوراً وكيف أكون ذلك علي ما تري من ضعف بدني وإن القائم هو الذي إذا خرج كان في سين الشيوخ ومنظر الشبان؛ من صاحب اين امر - ولایت - هستم، ولی آن کسی که زمین را پس از پر شدن از جور و ظلم از عدل و داد پر خواهد ساخت، نیستم. با این ضعف بدنی که در من می بینی، چگونه می توانم او باشم؟! در حالی که قائم کسی است که وقتی ظهور نماید، در سن پیران ولی در سیمای جوانان خواهد بود»^۱.

و در سخنی دیگر با صراحت و قاطعیت اعلام کردند: «الخلف الصالح من ولد أبي محمد الحسن بن علي وهو صاحب الزمان القائم المهدي؛ خلف صالح (مهدی موعود) از فرزندان ابی محمد، حسن بن علی عسکری است و او صاحب الزمان، و قائم و مهدی است»^۲.

و فرمود: «او حجت قائم فرزند حسن است که در غیبتش مورد انتظار مردم است»^۳.

بنابراین، با توجه به سخنان امام رضا علیه السلام، نام و نسب منجی منتظر برای همگان آشکار شد و تردیدها و اختلافها برطرف گردید.

۱. منتخب الاثر، ص ۲۲۱، ح ۲.

۲. فصول المهمة، فصل ثانی عشر، ص ۳۰۹؛ كشف الغمة، ح ۳، ص ۲۶۵؛ بحار الانوار ج ۵۱، ص ۴۲.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۲.

رواق دوم: رواق طلوع

یکی از حوادث مهم در تاریخ بشر، ولادت آخرین ذخیره الهی و موعود امت‌ها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، به گونه‌ای که اصل ولادت آن حضرت، جزو مسلمات تاریخ به شمار می‌آید و نه تنها امامان معصوم و دانشمندان و تاریخ‌نویسان شیعه به این مهم اشاره کرده‌اند، بلکه مورخان و محدثانی از اهل سنت نیز به این حادثه بزرگ تصریح نموده، آن را يك واقعت تحقق یافته دانسته‌اند. البته گروهی از اهل سنت ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال ۲۵۵ هـ.ق و غیبت طولانی ایشان را نمی‌پذیرند.

۱. به عنوان نمونه، ترمذی حنفی از سلمان فارسی نقل کرده، می‌گوید: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم فَإِذَا الْحُسَيْنُ عَلَى فَخْذِهِ وَهُوَ يَقْبَلُ عَيْنِيهِ وَفَاهُ وَيَقُولُ: «أَنْتَ سَيِّدُ ابْنِ سَيِّدٍ، أَنْتَ إِمَامُ ابْنِ إِمَامٍ، أَنْتَ حُجَّةُ ابْنِ حُجَّةٍ أَبُو حُجَجٍ تِسْعَةَ مِئَاتٍ مِنْ صُلْبِكَ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ؛ به محضر رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم مشرف شدم، ناگاه دیدم که حسین عليه السلام بر روی زانوی آن حضرت است، حضرت چشم‌ها و دهان حسین را می‌بوسید و می‌فرمود: تو آقا و فرزند آقای، تو امام و پسر امامی، تو حجت و فرزند حجتی، پدرت نفر حجت که همه از صلب تو هستند و نهم آنان قائم آنان است». محمد صالح حسینی ترمذی، مناقب مرتضوی، باب دوم، ص ۱۳۹. نیز نک: مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، طلحة شافعی، صص ۱۵۱-۱۶۲؛ البيان فی اخبار صاحب الزمان، کنجی شافعی، ص ۹۷؛ النهاية فی الفتن والملاحم، ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۸؛ و... برای مطالعه بیشتر، رک: اتفاق در مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید علی اکبر قرشی و الامام المهدی عند اهل السنة، فقیه ایمانی و احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من مسند احمد بن حنبل، سید محمد جواد حسینی جلالی.

شرایط خاص ولادت

تولد منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در شرایط و فضای ویژه‌ای انجام گرفت که به دو مورد آن که در سخنان امام هشتم علیه السلام آمده است، اشاره می‌کنیم.

الف: مخفی بودن ولادت

زامداران ستمگر عباسی از ویژگی‌های آن حضرت باخبر بودند و به همین سبب وجود مبارکش را برای سلطنت خود خطری بزرگ می‌دانستند؛ از این رو خانه امام حسن عسکری علیه السلام را تحت نظر داشته و در صدد بودند به محض اطلاع از تولد فرزندی پسر برای آن حضرت، او را از بین ببرند، به همین منظور بارها به خانه امام یازدهم مأمورانی روانه می‌کردند، اما خداوند متعال برای در امان ماندن آن وجود مبارک، مقدر نمود تا آن حضرت در یک شرایط استثنایی، به گونه‌ای به دنیا بیاید که حتی نزدیک‌ترین افراد هم متوجه نگردند و در نتیجه برخی از افراد، در اصل تولد آن حضرت دچار تردید شدند؛ همان‌گونه که امام هشتم علیه السلام از آن خبر می‌دهند: «هُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ؛ او کسی است که مردم در ولادت او دچار تردید می‌شوند».^۱

جالب اینکه این شک و تردید، علی‌رغم بیان ویژگی‌ها و خصوصیات آن حضرت بود که بارها به روشنی بیان شده بود، از این رو حضرت رضا علیه السلام در توصیف امام زمان علیه السلام می‌فرماید: «رَجُلًا خَفِيَ الْمَوْلِدُ وَالْمَنْشَأُ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

غَيْرَ خَيْ فِي نَسَبِهِ؛ [حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَ الشَّرِيفِ] مردی است که با وجود روشن بودن نسب او بر همگان، مخفیانه به دنیا می‌آید.^۱

این انکار و تردید، نتیجه و پیامد همان شرایط خاص دوران ولادت حضرت است که حتی پس از تولد آن وجود گرامی نیز تا مدتی شرایط اقتضا می‌کرد که مسئله ولادت امام، همچنان مخفی بماند، لذا آن معدود افراد که از جریان تولد حضرت آگاه بودند، موظف بودند آن را در جایی اظهار نکنند و حضرت عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز در این زمینه، سعی تمام داشتند که جز بعضی از خواص، کس دیگری از آن مطلع نگردد.

أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ مِيْ گويد: به حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: من امیدوارم که شما «صاحب‌الأمر» باشید و خدا امر امامت را بدون شمشیر و خونریزی به شما برساند، زیرا برای شما (به ولایتعهدی مأمون) بیعت گرفته شده و به نام شما سکه زده‌اند.

حضرت فرمود: «مَا مِثْنَا أَحَدٌ اخْتَلَفَتْ الْكُتُبُ إِلَيْهِ وَ أُشِيرَ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ وَ سُئِلَ عَنِ الْمَسَائِلِ وَ جُمِلَتْ إِلَيْهِ الْأَمْوَالُ إِلَّا أُعْتِيلَ أَوْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِثْنَا خَيْ الْمَوْلِدِ وَ النَّشَأِ غَيْرَ خَيْ فِي نَسَبِهِ؛

هیچ کس از ما خاندان نیست که مکاتبات داشته باشد و با انگشت به سویش اشاره کنند و از او مسئله بپرسند و اموال برایش ببرند، جز اینکه یا ترور شود و یا در بستر خود بمیرد (یا با شمشیر کشته شود و یا با زهر) تا

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۰؛ إعلام‌الوری بأعلام‌الهدی، ج ۲، ص ۲۴۰؛ منتخب الاثر، ص ۲۸۸.

زمانی که خدا برای این امر (امامت)، کودکی را از ما خاندان مبعوث کند که ولادت و وطن او نهران است، ولی نسبت و دودمانش نهران نیست»^۱.

ب: ممنوعیت ذکر نام ایشان

در آموزه‌های اعتقادی شیعه، «مهدویت»، از پر رمز و رازترین معارف اعتقادی است. از ولادت پنهان حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى گرفته، تا پنهان زیستی او؛ از چگونگی زندگی آن حضرت گرفته تا عمر طولانی‌اش؛ از چگونگی غیبت ایشان گرفته تا ظهور، قیام و حکومت جهانی بر کره زمین و... این‌ها اسراری است که بر عموم پوشیده مانده و برخی جزء اسرار الهی تلقی شده است.

یکی از این موارد، - همانگونه که پیش از این نیز اشاره شد - نام بردن آن حضرت به نام مخصوص (م ح م د) است. این بحث همواره مورد توجه دانشمندان و بزرگان شیعه بوده و در روایات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام مورد اشاره قرار گرفته است.^۲ بر این اساس، ربّان بن صلت می‌گوید: از حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که چون راجع به قائم عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى سؤال شد، فرمود: «وَلَا يُسَمَّى اسْمَهُ؛ و نامش برده نشود».^۳

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۱؛ الغیبة، للنعمانی، ج ۱، ص ۱۶۸؛ منتخب الاثر، ص ۲۶۲.

۲. نک: مقاله: گونه‌شناسی مباحث مهدویت در فرمایشات امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام، خدامراد سلیمیان.

۳. «سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَام يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْقَائِمِ، فَقَالَ: لَا يَرَى جِسْمَهُ وَلَا يُسَمَّى اسْمَهُ».

اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵.

همومی گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ بْنُ الْحَسَنِ... وَلَا يُسَمَّى بِاسْمِهِ أَحَدٌ بَعْدَ غَيْبَتِهِ حَتَّى يَرَاهُ وَيُعْلَنَ بِاسْمِهِ وَيَسْمَعُهُ كُلُّ الْخَلْقِ»؛

مهدی قائم فرزند حسن... بعد از غیبتش هم کسی نباید نامش را ببرد، تا آنکه ظهور نماید و نامش را اعلان کند و همه مردم آن را بشنوند».

به آن حضرت عرض کردم: يَا سَيِّدَنَا وَإِنْ قُلْنَا صَاحِبُ الْغَيْبَةِ وَصَاحِبُ الزَّمَانِ وَالْمَهْدِيُّ؛ سرورم، حتی اگر بگوییم: صاحب غیبت، صاحب الزمان و مهدی؟

حضرت فرمود: «هُوَ كُلُّهُ جَائِزٌ مُطْلَقٌ وَإِنَّمَا نَهَيْتُكُمْ عَنِ التَّصْرِيحِ بِاسْمِهِ لِيَخْفَى اسْمُهُ عَنْ أَعْدَائِنَا فَلَا يَعْرِفُوهُ»؛ گفتن این‌ها جایز است؛ من شما را از تصریح به نام او نهی کردم تا اینکه نامش از دشمنان ما پوشیده بماند و او را شناسایی نکنند»^۱.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۵. البته دیدگاه علماء در حکم بردن نام امام یعنی (م ح م د) و اینکه آیا این نهی مخصوص زمان غیبت یا مطلق یا مختص به زمان غیبت صغرا است، متفاوت است و در جای خود مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. رک: کتاب «تا ظهور»، نجم‌الدین طبسی، نشر بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، تهران و وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۳۸. بَابُ تَحْرِيمِ تَسْمِيَةِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام وَسَائِرِ الْأَيْمَةِ وَذِكْرِهِمْ وَفَتْ التَّقِيَّةِ وَجَوَازِ ذَلِكَ مَعَ عَدَمِ الْخَوْفِ.

رواق سوم: رواق فضائل

عصاره آفرینش

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، خاتم اوصیا، عصاره آفرینش، ثمره زحمات بی شمار انبیا و اولیا و خلاصه‌ی آمال و آرزوی همه موخّدان است. همان منجی موعودی که بناست مدینه فاضله مدنظر پروردگار متعال را در زمین برقرار و استوار سازد. بی‌گمان، همه انبیا، اوصیا و اولیای الهی هدفشان این بوده است که عدل و داد را در جهان بگسترانند و جامعه توحیدی ایجاد کنند؛ جهانی بسازند که مطابق فرامین الهی اداره شود و حدود الهی در آن مراعات شود. جهانی که در همه جهات، سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی انسان را فراهم سازد.

آرزوی مؤمنان

همه انبیا و اولیا آرزوی چنین جهانی را داشته‌اند و در راستای تحقق آن کوشیده‌اند. همه این بزرگان الهی، در انتظار چنین روزی لحظه‌شماری کرده‌اند و منتظران فرج بوده‌اند. به همین جهت هنگامی که یکی از یاران امام صادق علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: چرا ما امروز آرزو داشته باشیم که در زمان ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از اصحاب

آن حضرت باشیم و حال آنکه ما امروز امامت شما را درک کرده ایم؟ امام در پاسخ فرمود:

«سبحان الله! آیا دوست ندارید که خداوند عزیز و جلیل حق را آشکار سازد و عدالت را در بلاد اظهار کند و حال عموم مردم را بهبود بخشد و بین دل‌های گوناگون الفت ایجاد کند و خدا در روی زمین معصیت نشود و حدود الهی پیاده گردد و حق به حق دار برسد».^۱

از این حدیث شریف به روشنی فهمیده می‌شود که همه کسانی که آرزوی پیروزی نهایی حق بر باطل و حکومت جهانی «الله» را دارند، از منتظران ظهور مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه الشریف هستند؛ از این رو امام صادق عجله الله تعالی فرجه الشریف خودشان را در زمره منتظران دانستند و فرمودند: «أَمَا إِنِّي لَوَأْدُرُّكْتُ ذَلِكَ لِأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ اِذَا مَنَ أَنْ زَمَانَ رَا دَرَكَ كَنِم، خُود رَا بَرَايِ خَدْمَتِ اُو آمَادَه مِي كَنِم».^۲ و فرمود: «وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛ اِغْرَاو (قَائِم) رَا دَرَك كَرْدَم، دَر اَيَّامِ زَنْدِگَانِي اَم خَدْمَتِ گَزَارَاو خَوَاهَم بُوَد».^۳

شمائل و فضائل

به سبب همین هدف مشترک و نورانی است که برای حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف شباهت‌هایی با دیگر انبیا و اولیا بیان شده است. امام

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۶.

۲. نعمانی، الغيبة، ج ۱، ص ۲۷۳.

۳. نک: نعمانی، الغيبة، ج ۱، ص ۲۴۵. شبیه این روایت از امام باقر عجله الله تعالی فرجه الشریف نیز نقل شده است. نک: همان، ص ۲۷۳.

رضا علیه السلام اوصاف امام را چنین بیان کرده است: «او دارای اعتدال اخلاق است و رنگی شاداب دارد. در هیبت بدنی به رسول خدا صلی الله علیه و آله شبیه است.»^۱

همچنین آن حضرت در پاسخ به این سؤال که: مَا عَلَامَاتُ الْقَائِمِ مِنْكُمْ إِذَا خَرَجَ؟؛ نشانه‌های قائم شما به هنگام ظهور چیست؟، چنین فرمود: «نشانه او این است که سن پیران و چهره جوانان دارد، تا آنجا که وقتی کسی او را می‌بینند، گمان می‌برد که چهل سال یا کمتر سن دارد. به درستی که از نشانه‌های او این است که گذر شب و روز، او را پیرو سالخورده نمی‌سازد تا زمانی که اجل او فرا رسد.»^۲

امام هشتم علیه السلام در روایت دیگری، به توصیف فضائل نسبی حضرت پرداخته است و آن حضرت را دارای بهترین و شریف‌ترین نسب‌ها دانسته و می‌فرماید: «بِأَبِي وَ أُمِّي سَمِيَّ جَدِّي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ؛ پدر و مادرم به فدای او که همانم جدم، شبیه من و شبیه موسی بن عمران است. بر او نوارهای نورانی است که از پرتو نور قدس روشنایی می‌گیرد.»^۳

۱. نک: روزگار رهایی، کامل سلیمان، ص ۵۱-۵۵. پیامبر(ع) خودشان درباره خصوصیات ظاهری و جسمی امام زمان علیه السلام فرجه فرمودند: «مهدی مردی از فرزندان من است. صورتش مانند ستاره درخشان می‌درخشد، رنگش عربی (گندمگون) و جسم او مانند فرزندان ابراهیم است و زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد». لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر، ص ۱۳۷.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۲.

۳. همان، ص ۳۷۰.

امام هشتم علیه السلام شیعیان در موارد متعددی به توصیف دیگر ویژگی‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته‌اند، تا باب هرگونه شبهه و اشتباه را بر مردم ببندند؛ خصوصیات که نمایانگر برگزیدگی و منتخب بودن ایشان از سوی پروردگار متعال است تا در پرتو این ویژگی‌ها، قدرت الهی خویش را به نمایش بگذارند و هرگونه تردیدی را از میان بردارند. از جمله آن حضرت در پاسخ «ریان بن صلت» که درباره قائم منتظرو صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده بود، چنین فرمود:

«إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشُّبَّانِ قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَذَكَّدَكَتْ صُخُورُهَا يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ذَلِكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي يُغَيِّبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛

به درستی که قائم کسی است که هنگام قیامش، در سن پیرمردان و با چهره جوانان ظاهر می‌شود. او از چنان قوت بدنی برخوردار است که اگر دستش را به سمت بزرگ‌ترین درختی که روی زمین وجود دارد، دراز کند، آن را از ریشه برمی‌کند و اگر در بین کوه‌ها فریاد کشد، صخره‌ها متلاشی می‌شوند. عصای موسی و خاتم سلیمان - درود خدا بر آن‌ها باد - با اوست و او چهارمین فرزند من است. خداوند، او را تا زمانی که بخواهد، در پوشش خود غایب می‌سازد. سپس او را آشکار می‌سازد تا زمین را به وسیله او از قسط و عدل آکنده سازد، همچنان که [پیش از آن] از جور و ستم پر شده بود»^۱.

رواق چهارم: رواق غیبت

یکی از موضوعات قطعی پیرامون حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، مسئله غیبت و نهان زیستی ایشان و بیان دلایل غیبت حضرت است که در احادیث مختلفی از معصومین علیهم السلام مورد اشاره قرار گرفته است.^۱ به عنوان نمونه، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مهدی از فرزندان من است، اسمش، اسم من است و کنیه اش کنیه من، شبیه ترین مردم به من است خَلْقاً و خُلُقاً، برای او غیبتی است و یک حیرتی که مردم امت من به گمراهی می افتند، سپس مانند خورشید فروزان می آید، و زمین را پر از عدل و داد می کند، همچنان که از ظلم و جور پر شده بود».^۲

امیر بیان علی علیه السلام نیز سال ها قبل از تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر از غیبت طولانی و حیرت زای آن محبوب دل ها داده بودند. اصبع بن نباته گوید: بر امیر مؤمنان علیه السلام وارد شدم و دیدم [ناراحت و] در اندیشه فرورفته

۱. امام حسن عسکری علیه السلام در سخنی پیرامون دوران غیبت فرمودند: «أَمَا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَحَازُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَيَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای غیبتی است (طولانی) که نادان ها در آن زمان متحیر می شوند، اهل باطل در آن غیبت به هلاکت می رسند و وقت تعیین کنندگان دروغ می گویند، سپس ظهور و خروج می کند، گویا می بینم پرچم های سفیدی را که در نجف کوفه بالای سر او به اهتزاز در آمده است». کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲. منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر، ص ۱۳۳.

و با انگشت بر زمین خط می کشد. گفتیم: ای امیرالمؤمنین! چرا شما را اندیشناک [و اندوهناک] می بینم و چرا بر زمین خط می کشید؟ آیا به زمین و خلافت در آن رغبتی دارید؟

فرمود: «لَا وَ اللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَلَا فِي الدُّنْيَا يَوْمًا قَطُّ وَ لَكِنْ فَكَّرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشْرَمِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ؛

نه به خدا! به زمین و دنیا هرگز رغبتی نداشته‌ام، ولیکن درباره مولودی اندیشه می‌کنم که از نسل من و یازدهمین فرزند من است. او مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است که زمین را پر از عدل و داد می‌سازد، همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. او را حیرت و غیبتی است [که مردم نسبت به او پیدا می‌کنند و] اقوامی در آن گمراه می‌شوند و اقوام دیگر در آن هدایت می‌یابند».^۱

و در جای دیگر فرمود: «لِلْقَائِمِ مِّنَّا غَيْبَةٌ أَمَدُهَا طَوِيلٌ كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ يَجُولُونَ جَوْلَانَ النَّعَمِ فِي غَيْبَتِهِ يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ؛ برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی است. گویی شیعه را در دوران غیبت او می‌بینم که سرگردان‌اند، مانند جولان چهارپایان؛ چراگاه را می‌جویند، ولی آن را نمی‌یابند».^۲

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۵۳۸-۵۳۹.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

در نهج البلاغه هم می خوانیم: «فِي سُتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَشْرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ؛ [حضرت مهدی علیه السلام سال های طولانی] در پنهانی از مردم به سر می برد؛ آن چنان که اثر شناس، اثر قدمش را نمی یابد؛ گرچه در یافتن اثر [و نشانه ها] تلاش فراوانی نماید».^۱

دلّم آگاهی از جایّت ندارد نشان از ردّ پاهایت ندارد
در این دنیای ما، می دانم ای دوست کسی تاب تماشایت ندارد

دوران غیبت در بیان امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام نیز چون دیگر اجداد طاهرینش، موضوع غیبت آخرین حجّت حق را پیش بینی و شیعیان را برای برخورد با این پدیده آماده کرده اند.

در یکی از روایاتی که «حسن بن فضال» از آن حضرت نقل کرده است، در این زمینه چنین می خوانیم: «كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ عِنْدَ فَقْدِهِمُ الثَّالِثَ مِنْ وُلْدِي يَطْلُبُونَ الْمُرْعَى وَلَا يَجِدُونَهُ؛ گویا شیعه را می بینم، آن زمان که سومین نفر از فرزندانم را نمی یابند (یعنی هنگام رحلت و شهادت امام حسن عسکری علیه السلام) و به دنبال پناهگاهی می گردند تا کسی امور آنان را به دست گیرد و شئونشان را تدبیر نماید، ولی او را نمی یابند».

عرض کردم: چرا یابن رسول الله؟!

حضرت فرمودند: «لَإِنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ؛ زِيْرًا إِمَامِشَانِ غَائِبٍ
مِي گَرَدَد.»

عرض کردم: چرا؟

فرمودند: «لَسَاءَلًا يَكُونُ فِي عُنُقِهِ لِأَحَدٍ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ؛ زِيْرًا دَرِ هَنْگَامِ
قِيَامِ، بِيْعَتِ كَسِي دَرِ گَرْدَنِ او نَبَاشَدِ (و بَا اجْبَارِ بَا ظَالِمِ زَمَانِ خُودِ بِيْعَتِ
نَكْرَدَه بَاشَد).»^۱

آن حضرت در روایت دیگری به نقل از رسول گرامی
اسلام ﷺ می فرماید: «بِأَبِي إِبْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ إِبْنِ النُّوْبِيَّةِ الطَّيِّبَةِ الْفَمِ
الْمُنْتَجَبَةِ الرَّحِمِ... هُوَ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمُؤْتُوْرُ بِأَبِيهِ وَجَدِّهِ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ
يُقَالُ مَاتَ أَوْ هَلَكَ أَيُّ وَادٍ سَلَكَ؛ پَدْرَمِ بَه فِدَايِ فَرْزَنْدِ بَهْتَرِيْنِ كَنْيَزَانِ،
فَرْزَنْدِ آن [كَنْيَزَا] اَهْلِ نُوْبَه^۲ كِه دِهَانِي خُوش بُو و رَحْمِي نِيك نَزَاد دَارِد. او
رَانْدَه شْدَه (دَوْرَا فْتَادَه)، بِي خَانْمَانِ و كَسِي اَسْت كِه اَنْتِقَامِ خُونِ پَدْرُو
جَدَشِ گَرْفْتَه نَشْدَه و صَاحِبِ غَيْبَتِ اَسْت. گَفْتَه مِي شُود: او مُرْدَه يَا هَلَكَ
شْدَه اَسْت، دَر چِه سِرْزَمِيْنِي سِيْر مِي كَنْد؟»^۳

همچنین امام هشتم شیعیان در زمینه غیبت آخرین امام، به نقل از
پدران بزرگوار خود، از رسول اکرم ﷺ چنین روایت می کند: «وَ الَّذِي

۱. عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۶؛ كمال الدين و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۰؛ علل
الشرايع، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۶.

۲. مراد از کنیز اهل نوبه (نوبیه)، مادر امام جواد عليه السلام است. «نوبه»، بلاد بزرگی است در سودان که
بلال حبشی هم از آنجا بوده است.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۲.

بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بِشِيرِ الْيَغِيبِ الْقَائِمِ مِنْ وُلْدِي بِعَهْدِ مَعْهُودٍ إِلَيْهِ مِنِّي حَتَّى يَقُولَ أَكْثَرُ النَّاسِ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ وَ يَشْكُ آخِرُونَ فِي وِلَادَتِهِ؛ سوگند به آن که مرا به حق به عنوان بشارت دهنده برگزید، [امام] قائم از فرزندان من، بر اساس پیمانی که از جانب من برعهده اوست، از دیده‌ها پنهان می‌شود تا آنجا که بیشتر مردم می‌گویند: خدا نیازی به خاندان محمد ندارد. گروهی دیگر در ولادت او شك می‌کنند.^۱

و آنگاه که شاعر ولایی «دَعِبِلْ بِنِ خَزَاعِي»، در ضمن اشعار خود به امام زمان عجل الله فرجه اشاره نمود، حضرت رضا عليه السلام به بحث غیبت پرداختند و فرمودند: «... الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْإِطْعَامُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا؛

آخرین امام... حجت قائم منتظر خواهد بود که در دوران غیبتش انتظارش را می‌کشند و در زمان ظهورش، اطاعتش می‌نمایند. اگر از عمر دنیا، تنها یک روز باقی مانده باشد همان یک روز را خداوند آن قدر طولانی گرداند تا اینکه او قیام کند و زمین را مالا مال از عدل نماید، چنانکه از ظلم پر شده باشد».^۲

و این حضرت رضا عليه السلام است که از طول غیبت و فراق سوزناک حضرتش یاد کرده، می‌فرماید: «يَبْكِي عَلَيْهِ السَّمَاءُ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ كُلُّ

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۵۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۷۲.

حَرَى وَ حَرَّانَ وَ كُلُّ حَزِينٍ هُتَّانَ؛ همه اهل آسمان و زمین، همه عاشقان و دلباختگان و همه دردمندان و دل سوختگان، برای او گریه می کنند»^۱.

صاحب الغیبة

یکی از عناوینی که امام رضا علیه السلام برای معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اثبات غیبت ایشان استفاده کرده اند، «صاحب الغیبة» است. هنگامی که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: قائم شما اهل بیت کیست؟ حضرت فرمودند: «او چهارمین فرزند از نسل من است...»، تا آنجا که تصریح کردند: «وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ؛ و اوست صاحب غیبت قبل از ظهورش»^۲.

جالب اینکه چنین تعبیری از امام حسین علیه السلام نیز نقل شده است: «قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ؛ قائم این امت، نهمین از فرزندان من است و او صاحب غیبت است»^۳.

و پیش از این اشاره شده که امام رضا علیه السلام آنگاه که از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر غیبی ظلم و فتنه انگیزی بنی عباس را نسبت به فرزندانش که منتهی به غیبت و پنهان شدن حضرت مهدی، امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف می گردد را بیان می کند، چنین می فرماید: «وَهُوَ الظَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمُتَوَرِّبُ بِأَبِيهِ وَ جَدِّهِ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ؛ و اوست دربه در و دورافتاده، پدر و جدش کشته شده و صاحب غیبت»^۱.

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۳.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۲؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۶، ح ۵۹۰.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷.

حکمت غیبت

در لابه لای روایات امام رضا علیه السلام به دو حکمت و فلسفه غیبت نیز اشاره شد که عبارت‌اند از:

یک: زیر بیعت کسی نبودن؛ آنجا که امام هشتم علیه السلام فرمودند: «لِيَأْتِيَ يَكُونُ فِي عُنُقِهِ لِأَحَدٍ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ؛ زیرا در هنگام قیام، بیعت کسی در گردن او نباشد (و با اجبار با ظالم زمان خود بیعت نکرده باشد)». این مفهوم در کلامی نورانی از خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز آمده است، آنجا که در توقیع شریف خودشان فرمودند:

«وَأَمَّا عِلَّةُ الْغَيْبَةِ... إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيَّةٍ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي؛ در خصوص علت غیبت [سؤال کرده بودید]... بدانید که هر کدام از پدران من بیعت یکی از طاغوت‌های زمان خویش را برگردن داشتند، ولی من وقتی قیام می‌کنم بیعت هیچ‌یک از [گردنکشان و] طاغوت‌های زمان را برگردن ندارم».^۲

دو: آزمایش و امتحان منتظران؛ بر مبنای روایات متعدد، دوران غیبت، دوران محک زدن و غربال شدن افراد است. روزگار جدایی صف دروغ‌گویان مدعی از راست‌گویان مخلص و اهل عمل. روزگار کسانی که با وجود آنکه می‌توانستند یار حضرت باشند، با غفلت و کوتاهی، خود را از حضرت دور کردند و به نامی از شیعه بودن بسنده کردند. همان

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۲؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۱.

۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ج ۱، ص ۲۹۰؛ کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۳.

کسانی که در دوراهی های زندگی، بیراهه خوشی های گناه آلود را برگزیدند و به سمتی رفتند که مورد رضایت پروردگار و امام زمان عجل الله فرجه نبود. برایین باور، کسی که می خواهد یار و منتظر حقیقی حضرت باشد، باید روزهای زندگی را صحنه امتحان و آزمایش بداند و خدامحوری و پرهیز از گناه را سرلوحه زندگی خود نماید.

«صفوان بن یحیی» می گوید: امام رضا ع فرمود: «وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَغْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَحَّصُوا وَتُمَيِّزُوا وَحَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ فَأَلْأَنْدَرُ؛ آنچه شما چشمان خود را به سویش می دارید (منتظرو چشم به راه آن هستید) واقع نخواهد شد، تا اینکه پاک سازی و جداسازی شوید و تا اینکه نماند از شما مگر هر چه کمتر و کمتر».^۱

همدم حضرت در دوران غیبت

آخرین نکته در بحث غیبت، پاسخ امام رضا ع به عمر طولانی امام زمان عجل الله فرجه است که ثامن الحجج ع با مثال آوردن از حضرت خضر ع، هم به پرسش عمر طولانی ایشان پاسخ می دهند و هم ایشان را مونس و همدم حضرت حجت عجل الله فرجه در دوران غیبت معرفی می کنند.

حسن بن علی بن فضال می گوید: از امام رضا ع شنیدم که می فرمود: «إِنَّ الْخَضِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ حَتَّى يُنْفَخَ فِي الصُّورِ وَ إِنَّهُ لَيَأْتِينَا فَيُسَلِّمُ فَنَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ لَا نَرَى شَخْصَهُ وَ إِنَّهُ لَيَحْضُرُ حَيْثُ مَا ذُكِرْتُمْ مِنْكُمْ فَلْيُسَلِّمُوا عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَيَحْضُرُ الْمُؤَسِّمَ كُلَّ سَنَةٍ فَيَقْضِي جَمِيعَ الْمَنَاسِكِ وَ يَقِفُ بِعَرَفَةَ فَيُؤَمِّنُ عَلَى دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيُؤَنِّسُ اللَّهُ بِهِ وَخَشَةَ قَائِمِنَا فِي غَيْبَتِهِ وَ يَصِلُ بِهِ وَخَدَّتَهُ؛

۱. الغيبة، نعمانی، ج ۱، ص ۲۰۸. نیز نک: شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۶؛ کشف الغمّة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۴۶۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۴.

خضر علیه السلام از آب حیات نوشید و او زنده است و تا نفخ صور نخواهد مرد و او نزد ما می آید و سلام می کند و آوازش را می شنویم، اما شخصش را نمی بینیم و او هر جا که یاد شود، حاضر می شود و هر که او را یاد کند، بایستی بر او سلام کند و او همه ساله در موسم حج حاضر می شود و همه مناسک را به جا می آورد و در بیابان عرفه وقوف می کند و بردعای مؤمنین آمین می گوید و خداوند به واسطه او تنهائی قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل کند و غربت و تنهائی اش را با وصلت او مرتفع سازد»^۱.

روز و شب منتظرم تا که ز دلبر خبر آید

دلبرم از پس این پرده غیبت به سر آید

خلق گویند که آید، تو نخور غصه ولیکن

ترسم آخر که به وصلش نرسم عمر سر آید

بار الها به دلم نیست دگر تاب فراقش

چه شود کز کرمت این شب هجران به سر آید

همچو یعقوب نشستم سر راهش من محزون

تا که از یوسف گم گشته ی زهرا خبر آید

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۹۰؛ قطب السدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۳،

ص ۱۱۷۴؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۹۹.

رواق پنجم: رواق انتظار

انتظار فرج و گشایش پس از سختی‌ها و شداید و نمایان شدن بارقه‌های سعادت و آسایش، وعده‌ای قرآنی است که انسان را از بن بست ناامیدی و یأس خارج و به سوی آینده‌ای روشن و پرامید رهسپار خواهد نمود؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: **إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛ [آری!] مسلماً با هر سختی، آسانی است.**^۱

اصولاً شادابی و پویایی بشر در طول دوران زندگی فردی و اجتماعی، مرهون نعمت «امید» و «انتظار» است. اگر انسان، به آینده امید نداشته باشد، زندگی برایش مفهوم چندانی نخواهد داشت. آنچه انسان را به زندگی امیدوار می‌کند و آن را جاذبه‌دار می‌سازد و نگرانی‌ها و ناراحتی‌ها را برای او آسان می‌نماید، انتظار و امید به آینده‌ای روشن و رشدآفرین است که در آن، به تمام نیازهای روحی و جسمی او به‌طور کامل پاسخ داده شود. آدمی در پرتو همین انتظار و امید، رنج‌ها و گرفتاری‌ها را تحمل می‌کند و با کشتی امید و آرزو، در دریای متلاطم و طوفان‌زای زندگی، به سیر خود ادامه می‌دهد.^۲

۱. سوره انشراح، آیه ۶.

۲. نک: گونه‌شناسی مباحث مهدویت در فرمایشات امام رضا علیه السلام. خدامراد سلیمیان.

در ادبیات شیعه، مفهوم انتظار، تَلَاوُ و درخشش زیباتری داشته و با یادآوری آیات امیدبخشی همانند: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱، تشکیل حکومت جهانی موعود و مدینه‌ی فاضله‌ی مهدوی را نوید می‌دهد که روزی خواهد آمد که همه‌ی جهانیان و به‌ویژه شیعیان و مظلومان عالم، زیر پرچم عدالت و کرامت مهدوی خواهند زیست و طعم خوش زندگی بی‌دغدغه و همراه با معنویت را خواهند چشید.

بر این باور، انتظار و امید به آینده روشن، از اصول فکری و بنیادین عاشقان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام و منتظران منجی موعود است و چشم‌به‌راه بودن فردایی که به گفته پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، نزدیک است. همان‌گونه که حضرت علی علیه‌السلام فرارسیدن روزگار روشن‌رهایی و طلوع خورشید تابان وعده‌های الهی را نوید دادند و فرمودند: «وَمَا أَقْرَبَ الْيَوْمَ مِنْ تَبَاشِيرِ غَدٍ! يَا قَوْمِ هَذَا إِبَانٌ وَرُودٌ كُلِّ مَوْعُودٍ وَ دُنُومٍ مِنْ طَلْعَةِ مَا لَا تَعْرِفُونَ؛ و چه نزدیک است امروز ما به فردایی که سپیده آن آشکار شد! ای مردم! اینک ما در آستانه تحقق وعده‌های داده‌شده و نزدیکی طلوع آن چیزهایی که شما نمی‌شناسید قرار داریم».^۲

۱. «و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین نعمت دهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم». سوره قصص، آیه ۵. و نیز آیه: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد». سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ و سوره نور، آیه ۵۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰.

انتظار فرج در سخن امام رضا علیه السلام

موضوع «انتظار فرج» و چشم به راه گشایش بودن، از دیگر موضوعاتی است که در کلام امام رضا علیه السلام بدان اشاره شده است. آن حضرت در روایات متعددی، به موضوع فضیلت انتظار فرج فرزندش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده‌اند.

امام رضا علیه السلام در جواب سؤالی که «حسن بن جهم» درباره فرج پرسیده بود، فرمود: «أَوْلَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ انْتِظَارَ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ؛ آیا می‌دانی که انتظار فرج [جزئی] از فرج است؟»

می‌گوید: جواب دادم: لَا أُدْرِي إِلَّا أَنْ تُعَلِّمَنِي؛ نمی‌دانم مگر اینکه شما به من بیاموزید.

حضرت فرمود: «نَعَمْ انْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ؛ آری، انتظار فرج، جزئی از فرج و گشایش است».^۱

ایشان در روایت زیبای دیگر، در تبیین فضیلت انتظار و ضرورت آمادگی برای دوران ظهور و یاری حضرت حجت علیه السلام فرمودند: «أَمَّا يَرْضَى أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ فِي بَيْتِهِ يُنْفِقُ عَلَى عِيَالِهِ يَنْتَظِرُ أَمْرَنَا فَإِنْ أَدْرَكَهُ كَانَ كَمَنْ شَهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَدْرًا وَإِنْ لَمْ يُدْرِكْهُ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ قَائِمِنَا فِي فُسْطَاطِهِ؛

آیا هیچ‌یک از شما خوش ندارد که در خانه خود بماند، نفقه خانواده‌اش را پردازد و چشم به راه امر ما باشد؟ پس اگر در چنین حالی از دنیا برود، مانند کسی است که به همراه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در [نبرد] بدر

۱. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ج ۱، ص ۴۵۹؛ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۳۰.

به شهادت رسیده است. اگر هم مرگ به سراغ او نیاید، مانند کسی است که به همراه قائم ما و در خیمه او باشد».^۱

صبر و انتظار

نکته قابل تأملی که امام رضا علیه السلام در باب فضیلت انتظار فرج بدان اشاره کرده‌اند، همراهی انتظار فرج با صبر و شکیبایی است. «احمد بن محمد» می‌گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ اِنتِظَارَ الْفَرَجِ؛ چقدر صبر پیشه گرفتن و انتظار فرج کشیدن نیکو است!». بعد در ادامه فرمودند: «أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ: ﴿وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾^۲ وَ فَاَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ^۳، فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ وَقَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ؛ آیا سخن بنده صالح خدا [شعیب] را نشنیدی که فرمود: «و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم» و «پس منتظر باشید که من [هم] با شما از منتظرانم». بر شما باد به بردباری؛ چون گشایش پس از ناامیدی فرا می‌رسد و به تحقیق، کسانی که پیش از شما بودند، از شما بردبارتر بودند».^۴

۱. کافی، ج ۴، ص ۲۶۰.

۲. سوره هود، آیه ۹۳.

۳. سوره اعراف، آیه ۷۱.

۴. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۶۴۵؛ عبدالله بن جعفر الحمیری، قرب‌الاسناد، ج ۱، ص ۳۸۰.

یعنی انتظار بدون عنصر شکیبایی و صبر در برابر مشکلات، پوسته‌ای بدون مغز و قالبی بی‌محتواست. کسی که منتظر تحقق یافتن هدف آرمانی خویش است، باید تا شکل گرفتن آرمان، پایداری و شکیبایی کند و تاب و توان از دست ندهد و هر ناملایمی را در آن راه با بردباری بپذیرد. به همین جهت است که آن امام همام در جای دیگر، به نقل از جدّ بزرگوار خود رسول اکرم ﷺ چنین می‌فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ؛ بهترین اعمال امت من انتظار فرج از سوی خدای عزیز و جلیل است»^۱.

ای دل مخوراندوه و غم، سرها به سامان می‌رسد
 بایک جهان شور و شغف، آن جان جانان می‌رسد
 ویرانگر کاخ ستم، با جیش ایمان می‌رسد
 احیاگردین خدا، حامی قرآن می‌رسد
 چشم انتظاران را بگو، یوسف ز کنعان می‌رسد
 ای دل شب هجران ما، آخر به پایان می‌رسد

۱. عیون اخبار الرضا ﷺ، ج ۲، ص ۳۶، ح ۸۷؛ کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۴.

رواق ششم: رواق ظهور

دوران ظهور از زیباترین و پرجاذبه‌ترین بشارت‌هایی است که آرزوهای منتظران را جامه‌ی عمل می‌پوشاند و چشم به راه ماندگان تاریخ را به وصال یار می‌رساند. همان دورانی که از خاتم انبیا صلی الله علیه و آله تا تک تک ائمه علیهم السلام، مژده آن روز را داده و چشم به راه آن بوده‌اند.^۱ روزگاری که بشر بالاخره طعم شیرین عدالت و مهرورزی را خواهد چشید. چهره نازیبای فقر و نداری، ظلم و ستم، نابرابری‌ها و چپاول‌ها کنار زده خواهد شد،^۲ دل‌ها به هم مهربان و رؤوف و تاریکی‌ها و ظلمت‌ها رخت خواهد

۱. امام صادق علیه السلام از جد بزرگوارشان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت فرمود که آن حضرت روبه سوی علی علیه السلام نموده، چنین فرمودند: «أَلَا أُبَشِّرُكَ أَلَا أُخْبِرُكَ يَا عَلِيُّ فَقَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ كَانَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدِي أَيْفَاءً وَأُخْبِرَنِي أَنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ؛ أَيَا تَوْرَا خَبِرْتَهُمْ؟ عَرَضَ كَرْدٌ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. پَسِ أَنْ حَضَرْتُ فَرَمُودٌ: هَمِ أَيْنَكَ جَبْرِئِيلُ نَزَدَ مِنْ بَرٍّ وَرَا خَبِرْتَهُ أَنْ قَائِمِي كَهْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ ظَهَرَ مِي كُنْدَ وَزَمِينِ رَا پَرَازَ عَدْلٍ وَدَادَ مِي نَمَائِدُ، هَمَانِ كُونَهُ كَهْ مِنْ ظَلَمٍ وَجَوْرِ أَكُنْدَهُ شَدَهْ بَاشَدُ، هَرَايِنَهْ مِنْ ذَرِيَهْ تَوْرَا مِنْ فَرَزَنْدَانِ حُسَيْنِ علیه السلام اسْت». الغيبة، نعمانی، ج ۱، ص ۲۴۷.

۲. امام باقر علیه السلام فرمود: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ... وَيُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ؛ چُونِ قَائِمِ ظَهَرَ كُنْدَ أَنْ كُونَهُ بَيْنَ مَرْدَمِ بَهْ مَسَاوَاتِ رِفْتَارِ نَمَائِدُ كَهْ نِيَازْمَنْدَ بَهْ زَكَاتِ دِيدَهْ نَشُودُ». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

بست. عقل‌ها و فکرها رشد یافته^۱ و معنویت و خداپرستی حاکم خواهد شد.^۲

روزگاری که انسان لذت زندگی در پرتو ولایت و حاکمیت «ولی خدا» را درک خواهد کرد. روزگاری که جهان یکدست موحد و خداپرست خواهند بود و زمزمه‌ی معنویت و عرفان حقیقی، همه جا گسترده خواهد شد.

عصر ظهور، روزگار تحقق رؤیاهای شیرین و آرزوهای بردل مانده‌ی بشر است؛ روزگار یکرنگی و همدلی، همراهی و برادری. دنیایی پراز آسایش و آرامش واقعی. روزگارِ رویِ خوش دنیا به خوبان و برگزیدگان. روزگارِ وصل و پایان هجران. روزگارِ نشستن خنده بر لب‌ها و شیدایی دل‌های مشتاق. روزگارِ پایان اشک‌ها و تلخی‌های زمانه و آغاز شادی‌ها و خنده‌های مؤمنانه.

۱. به فرموده امام باقر علیه السلام: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آن‌ها را با آن جمع کرده و افکارشان با آن تکمیل می‌شود». کافی، ج ۱، ص ۲۵.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أُبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ قَالَهَا ثَلَاثًا... يَمَلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَيَسْغُهُمْ عَدْلُهُ؛ شما را مژده باد به «مهدی»، در زمانه‌ای خروج و ظهور می‌کند که مردم دچار اختلاف و تزلزل شدیدند، زمین را پراز عدل و داد می‌کند؛ آن‌گونه که از ظلم و ستم پرشده است، و دل‌های بندگان خدا را پراز «بندگی» می‌سازد و عدالتش نسبت به همه فراگیر می‌شود». بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

روزگار به ثمر نشستن شکوفه‌های انتظار و امید، با حضور آخرین حجت خدا، بقیة الله الاعظم، (تنها ذخیره باقیمانده الهی)، منجی موعود، امام زمان مَجَاءُ اللَّهِ بِحُجَّتِهِ .

روزگاری که پیامبر اعظم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدنش را قطعی دانستند و فرمودند: «وَلَا تَنْقُضِي الْأَيَّامَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ إِسْمَهُ إِسْمِي؛ روزهای دنیا منقضی نگردد تا اینکه مردی از اهل بیت من [برزمین] حکومت کند که همنام من باشد».^۱

و فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنِّي؛ اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا مردی از خاندان من را برانگیزد».^۲

عبدالله بن مسعود از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَّ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمُهْدِيُّ؛ دنیا به پایان نرسد مگر اینکه امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می‌شود».^۳

۱. الطبرسی الأملی، بشارة المصطفی لشبیعة المرتضی، ج ۱، ص ۲۵۸: كشف الغمة، ج ۲، ص ۴۴۶.

۲. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳. همان، ص ۱۸۲.

امیر مؤمنان علیه السلام نیز در یادکرد ایام ظهور می‌فرماید: «لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شَمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ «وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛^۱

دنیا پس از سرکشی به ما [در زمان ظهور مهدی علیه السلام] روی می‌کند؛ چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد. پس این آیه را تلاوت کرد: «و اراده کردیم که بر مستضعفین زمین منت گذارده، آنان را امامان و وارثان [حکومت‌ها] گردانیم».^۲

غم مخور ایام هجران رو به پایان می‌رود
این خماری از سرما می‌گساران می‌رود
پرده را از روی ماه خویش بالا می‌زند
غمزه را سرمی‌دهد، غم از دل و جان می‌رود
بلبیل اندر شاخسار گل هویدا می‌شود
زاغ با صد شرمساری از گلستان می‌رود
محفل از نوررخ او نورافشان می‌شود
هرچه غیر از ذکر یار، از یاد رندان می‌رود^۳

۱. سوره قصص، آیه ۵.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۳. دیوان امام، امام خمینی (رحمة الله)، ص ۱۱۱.

سخنان امام رضا علیه السلام درباره ظهور

امام رضا علیه السلام نیز پیرامون ظهور و حوادث دوره آخرالزمان سخنان و نکاتی فرموده و بر حتمی بودن ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم تأکید ورزیدند و از سوی دیگر، منتظران را از حوادث و اتفاقات آن دوران آگاه کردند. با مطالعه روایات امام رضا علیه السلام درباره ظهور، چند مطلب اساسی قابل توجه است:

یک: سن حضرت هنگام ظهور

با توجه به عمر طولانی امام زمان علیه السلام که با خواست و اراده الهی صورت می‌پذیرد، به‌طور طبیعی پس از ظهور، تماشاگران جمال یوسف زهرا علیها السلام با ذهنیت کهولت سن با آن حضرت مواجه می‌شوند،^۱ غافل از اینکه گذشت زمان، تأثیری در صورت زیبا و نورانی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ندارد و ایشان در هیبت مردی میانسال ظهور خواهند کرد. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، «اباصلت هروی» یکی از یاران نزدیک امام رضا علیه السلام می‌گوید: از امام درباره علامت حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور پرسیدم، آن حضرت فرمود:

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلِيَّةِ أَنْ يُخْرَجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبُهُمْ شَابًا وَ هُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا؛ از امتحانات بزرگ [خداوندی] است که صاحبشان به صورت جوانی ظاهر می‌شود، درحالی که آن‌ها او را پیری کهن سال تصور می‌کنند». الغيبة، نعمانی، ج ۱، ص ۱۸۸ منتخب الاثر، ص ۲۵۸.

«نشانه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که به لحاظ سن پیر، ولی برابر دیدگان مردم جوان است، به گونه‌ای که بینندگان تصور می‌کنند او چهل ساله یا کمتر است و نشانه او این است که پس از ظهور هم با گذشت شب و روز پیر نمی‌شود، تا زمان رحلتش فرا رسد»^۱.

دو: وقت ظهور

امام رضا علیه السلام امر ظهور را غیرمنتظره و ناگهانی^۲ و آگاهی از زمان ظهور را ویژه خداوند متعال می‌داند^۳ و می‌فرماید: «وَأَمَّا مَتَى فَاخْبَارُ عَنِ الْوَقْتِ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ فَقَالَ مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يُجْلِيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثُقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»

و اما کی و در چه وقت این واقعه روی خواهد داد؟ این مانند خبر دادن از وقت قیامت است، و پدرم برای من از پدرش از اجداد بزرگوارش حدیث کرد که به رسول خدا گفتند: یا رسول الله چه وقت قائمی که از

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۲: الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۷.

۲. مشابه این حقیقت در توقیع مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به جناب شیخ مفید نیز ذکر شده است: «فَإِنَّ أَمْرَنَا يَبْغَتْهُ فَجْأَةً» (خداوند) کار ما را به طور ناگهانی برمی‌انگیزد. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۴.

۳. ناگفته نماند که درباره علم به وقت ظهور، دیدگاه‌های دیگری هم وجود دارد و برخی معتقدند علم آن مخصوص خداوند متعال است و حتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم از آن آگاه نیستند، برخی دیگر معتقدند که اگرچه علم آن مخصوص خداوند است، ولی خداوند علم آن را به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف عطا کرده است.

ذریه شماست خروج می‌کند؟ فرمود: مثل آن مثل ساعت قیامت است که آشکار نکند آن را مگر خداوند، بسیار گران است آن براهل آسمان‌ها و اهل زمین، نمی‌آید آن مگر ناگهان». یعنی همان طور که قیامت وقتش برای احدی معلوم نیست، زمان ظهور نیز برای کسی معلوم نخواهد بود. جالب آنکه امام زمان عجل الله تعالی فرجه نیز علم به زمان ظهور را نزد خداوند متعال دانستند و در ضمن توقیعی این‌گونه پاسخ دادند: «وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَكَذَبَ الْوَقَّاتُونَ؛ و اما ظهور فرج همانا در اختیار خداوند متعال است و تعیین کنندگان وقت، دروغ گفتند».^۲

بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه در آخرین توقیع به آخرین سفیر خود نیز، ظهور را تنها در اراده و اختیار خداوند دانسته، چنین فرمودند: «فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ؛ و ظهوری نخواهد بود مگر به اذن و اجازه حق تعالی».^۳

سه: نشانه‌های ظهور

از دیگر مباحث مطرح شده در روایات امام رضا عجل الله تعالی فرجه، اشاره به رخدادها، حوادث و نشانه‌های ظهور منجی موعود است.

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۲۷۶؛ عیون اخبار الرضا عجل الله تعالی فرجه، ج ۲، ص ۲۶۶؛ اعلام الوری، ص ۳۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴.
 ۲. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۳.
 ۳. الخرائج والجرائح. قطب‌الدین راوندی، ج ۳، ص ۱۱۲۸ و کتاب الغیبة، ج ۱، ص ۳۹۵.

«أبی نصر» از امام رضا علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ السُّفْيَانِيُّ وَالْيَمَانِيُّ وَالْمُرْوَانِيُّ وَشُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ فَكَيْفَ يَقُولُ هَذَا هَذَا؛ پیش از این امر، سفیانی و یمانی و مروانی و شعیب بن صالح باید ظاهر شوند، پس چگونه این شخص (یعنی محمد بن ابراهیم معروف به ابن طباطبا) چنین ادعا می‌کند؟»^۱

از جمله موضوعاتی که در سخن امام هشتم از آن یاد شده، سختی‌های آن دوران و فتنه و آشوب فراگیر دوران قبل از ظهور است. «حسن بن محبوب» از آن حضرت چنین نقل می‌کند:

«لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْلِمٍ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَجَةٍ وَذَلِكَ عِنْدَ فِقْدَانِ الشَّيْعَةِ الثَّلَاثِ مِنْ وُلْدِي يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ كُمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَزَانُ حَزِينٍ عِنْدَ فَقْدِ الْمَاءِ الْمَعِينِ كَأَنِّي بِهِمْ أَسْرَمًا يَكُونُونَ وَ قَدْ نُودُوا نِدَاءً يَسْمَعُهُ مَنْ بَعْدَ كَمَا يَسْمَعُهُ مَنْ قَرَّبَ يَكُونُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَابًا عَلَي الْكَافِرِينَ؛

آشوبی روی می‌دهد که زیرکان و شخص با احتیاطی که از خواص ما می‌باشند نیز دامنش به آن ورطه کشیده می‌شود و این هنگامی است که شیعیان سومین (امام) از اولاد مرا از دست بدهند. اهل آسمان و زمین بروی گریه می‌کنند. چه بسیارند مؤمنانی که هنگام از دست رفتن «ماء معین» [آب صاف و زلال (قائم)] متأسف و تشنه و محزون می‌باشند. گویا آن‌ها را می‌بینم که بسیار مسرورند! آن‌ها را صدا می‌زنند

۱. نعمانی، الغيبة، ج ۱، ص ۲۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳.

و آن صدا از دور شنیده می‌شود. چنان‌که از نزدیک شنیده می‌شود، و آن صدا برای اهل ایمان رحمت و برای کفار عذاب است».^۱

کشتار فراگیر

از دیگر حوادث قبل از ظهور که مورد عنایت امام رضا علیه السلام قرار گرفته، کشتار فراگیر و پیوسته است. آن حضرت فرمود: «قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ قَتْلُ بَيْوُحٍ. قُلْتُ: وَمَا الْبَيْوُحُ. قَالَ: دَائِمٌ لَا يَفْتُرُ؛ قَبْلَ از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قتل بیوح صورت می‌پذیرد.

عرض شد که منظور از بیوح چیست؟

فرمود: جنگ و کشتار مستمر و بدون وقفه».^۲

کشته شدن پانزده نفر میان مکه و مدینه

از دیگر حوادث پیش از ظهور که در سخن امام رضا علیه السلام بازتاب دارد، کشته شدن پانزده نفر است. شیخ طوسی در کتاب الغیبه به نقل از ابی نصر این روایت را از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند:

«إِنَّ مِنْ عَلامَاتِ الْفَرَجِ حَدَثًا يَكُونُ بَيْنَ الْحَرَمَيْنِ قُتِلَتْ وَ أَيْ شَيْءٍ [يَكُونُ] الْحَدَثُ فَقَالَ عَصَبِيَّةٌ تَكُونُ بَيْنَ الْحَرَمَيْنِ وَ يَقْتُلُ فُلَانٌ مِنْ وُلْدِ فُلَانٍ خَمْسَةَ عَشَرَ

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶، ح ۱۴؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۰؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ج ۱، ص ۴۳۹؛ الغیبه، نعمانی، ج ۱، ص ۱۸۰؛ قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۸؛ محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، ص ۲۴۵.
۲. قرب الإسناد، ج ۱، ص ۳۸۴؛ الغیبه، نعمانی، ج ۱، ص ۲۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۱.

گَبْشاً؛ یکی از علائم فرج حادثه‌ای است که در بین حرمین (مکه و مدینه) روی می‌دهد.

عرض کردم: آن حادثه چیست؟

فرمود: تعصب و کشمکشی در بین الحرمین که منجر به قتل ۱۵ نفر از خاندان بنی فلان خواهد شد.^۱

چهار: برخی از جزئیات ظهور امام مهدی عج

موضوع دیگری که در روایات به چشم می‌خورد، پرداختن به برخی جزئیات حوادث و اتفاقات هنگام ظهور، همانند ندای آسمانی،^۲ معرفی حضرت با نام،^۳ شنیدن و مطلع شدن تمام مردم دنیا از ظهور منجی،^۴ ظهور از کنار کعبه و نیز اشاره به آثار و دستاوردهای ظهور همانند عدالت‌ورزی و نیز امدادهای غیبی و ... در دوران پس از ظهور است که امام رضا عج درباره این حوادث و اتفاقات می‌فرماید:

۱. الغیبة، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۴۴۸: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.
۲. امام صادق عج می‌فرماید: «وَلَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يُنَادِيَ بِاسْمِهِ مِنْ جَوْفِ السَّمَاءِ؛ وقائم خروج نمی‌کند تا اینکه در وسط آسمان به نام او ندا دهد». الغیبة، نعمانی، ج ۱، ص ۲۸۹.
۳. امام صادق عج فرمودند: «مُنَادٍ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ندادهنده‌ای از آسمان به نام قائم و نام پدرش ندا می‌دهد». الغیبة، نعمانی، ج ۱، ص ۲۵۷.
۴. همان‌گونه که امام باقر عج نیز فرمودند: «إِنَّهُ لَا يَكُونُ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُ أَهْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ حَتَّى تَسْمَعَهُ الْقَتَاةُ فِي خُدْرِهَا؛ این کار - ظهور امام مهدی عج - رخ نخواهد داد تا ندادهنده‌ای در آسمان ندایی دهد که اهل مشرق و مغرب و حتی دوشیزگان پس پرده آن را بشنوند». الغیبة، نعمانی، ج ۱، ص ۲۵۷.

«فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ [بِنُورِ رَبِّهَا] وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا، وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَلا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ وَهُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ يَقُولُ: «أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوا فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ» وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «إِنْ نَشَأْ نُنزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»^۱

آنگاه که خروج کند، زمین به نورش (نور پروردگارش) روشن گردد و در میان مردم میزان عدالت را برقرار کند و هیچ کس به دیگری ستم نکند. او کسی است که زمین برای او درهم پیچیده می‌شود و سایه‌ای برای او نباشد. او کسی است که نداکننده‌ای از آسمان او را به نام ندا کند و به سوی او فراخواند، به گونه‌ای که همه اهل زمین آن ندا را بشنوند. می‌گوید: آگاه باشید که حجت خدا در کنار خانه خدا ظهور کرده است. پس او را پیروی کنید که حق با او و در اوست «و این همان سخن خدای تعالی است که فرمود: «اگر بخواهیم، از آسمان برایشان آیتی نازل می‌کنیم که در برابر آن به خضوع، سرفرود آورند»^۲.

۱. سوره شعرا، آیه ۴.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۷۲.

رواق هفتم: رواق قیام

از دیگر موضوعاتی که در سخنان امام رضا علیه السلام جلوه‌ی ویژه‌ای یافته، دوران قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است و ایشان در فرصت‌های ایجاد شده، به آگاهی بخشی پیرامون آن می‌پرداختند. از جمله وقتی «دعبل بن خزاعی» - شاعر پراوازه شیعی - قصیده معروف خود برای حضرت خواند، حضرت گریه شدیدی کردند و اشتیاق خود به آن دوران مبارک را ابراز کردند.

«عبدالسلام هروی» می‌گوید: از «دعبل بن خزاعی» شنیدم که می‌گفت: بر مولای خود امام رضا علیه السلام قصیده‌ی خود را خواندم که چنین آغاز می‌شود:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَ مَنَزِلٌ وَحْيٍ مُقْفِرُ الْعَرَصَاتِ^۱

و چون به این ابیات رسیدم:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالََةَ خَارِجٍ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يُجْزِي عَلَى النَّعْمَاءِ وَ النَّقِمَاتِ^۲

۱. یعنی: محلّ دروس قرآنی از خواندن قرآن خالی شده بود و محلّ نزول وحی منزلگاهی بی‌کس، چونان بیابان‌های بی‌آب و علف خالی و بدون ساکن بود.

۲. یعنی: قیام شکوهمند امام راستین از خاندان رسالت که بی‌تردید ظهور خواهد نمود و براساس نویدهایی که داده شده است، در پرتو نام بلند خدا و برکات او برای اصلاح زمین و زمان پیا خواهد

امام رضا علیه السلام به سختی گریست. سپس سر خود را بلند کرده و به من فرمود: «یا خُزَاعِی نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَی لِسَانِكَ بِهَذَيْنِ الْبَيْتَيْنِ فَهَلْ تَذَرِي مَنْ هَذَا الْإِمَامُ وَمَتِي يَقُومُ؛ ای خزاعی! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرده است آیا می دانی این امام کیست و کی قیام خواهد کرد؟»
گفتم: خیر ای سرورم، جز اینکه شنیده‌ام امامی از شما خاندان خروج می‌کند و روی زمین را از فساد پاک و جهان را پراز عدل و داد می‌نماید، بعد آن حضرت فرمود:

«الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ وَبَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ ای دعبل، امام پس از من فرزندم محمد است و پس از محمد، پسرش علی و پس از وی فرزندش حسن و پس از او پسرش حجت قائم که در زمان غیبتش انتظار او را کشند و در زمان حضور و ظهورش، بر همه جهانیان مطاع و فرمانده باشد و اگر از روزگار باقی نماند مگر یک روز، خداوند آن یک روز را طولانی می‌کند تا او خارج شود و روی زمین را پراز عدل و داد کند، همچنان که پراز ظلم و جور شده است»^۱.

خاست. او در میان جامعه، هر حق و باطل و داد و بی‌دادی را از هم جدا می‌سازد و بر نعمت‌ها و شایسته‌کرداری‌ها و سپاسگزاری‌ها و نیز بی‌دادها و ناهنجاری‌ها پاداش و کیفر درخور، خواهد داد.
۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۲۷۶؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴.

نکته‌های قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام امام رضا ع

در هر صورت، پس از قیام حضرت اتفاقات مهم و زیادی می‌افتد که به چند مورد آن که در کلام امام رضا ع تبلور یافته است، اشاره می‌کنیم.

از ظهور تا قیام

از مسائل نیازمند دقت، تفاوت بین ظهور و قیام حضرت حجت ارواحنا فداه است. بدین معنا که بر اساس روایات، یک فاصله‌ی زمانی کوتاه مدت بین ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام حضرت وجود دارد و نباید این دو مسئله را با یکدیگر یکسان دانست. به گفته برخی از پژوهشگران حوزه‌ی مهدویت، «ظهور» در لغت به معنای آشکار شدن است، اما در اصطلاح، به معنای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اعلان روز موعود جهانی است.

به تعبیر دیگر، وقتی خداوند فرارسیدن روز موعود را اراده کند و به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اجازه ظهور دهد، حضرت نیز با اعلام جهانی، آمدن خویش را به گوش جهانیان می‌رساند. در این هنگام، ظهور صورت گرفته است. «قیام» اما به مرحله بعد از ظهور اطلاق می‌شود که رهبر جهانی در مدت زمان معین، با فراهم کردن مقدمات، با لشکریان بسیار از مکه خارج می‌شود و با شروع نهضت جهانی، زمینه تثبیت و استقرار نظام جهانی را پی‌ریزی می‌کند.^۲

۱. العین، خلیل بن احمد، ج ۴، ص ۳۷.

۲. برای اطلاع بیشتر نک: حج و مهدویت، ص ۱۳۸-۱۴۲.

با توجه به مطالب پیشین و با توجه به روایات متعدد در این زمینه، امام عصر علیه السلام، بعد از ندای آسمانی، در ۲۳ ماه مبارک رمضان ظهور و در عاشورای ماه محرم، خروج و قیام علی می‌کنند.

امام رضا علیه السلام نیز با اشاره به فاصله میان ظهور و قیام حضرت حجت علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْقَائِمَ يُنَادِي بِاسْمِهِ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَيَقُومُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ؛ به درستی که قائم در شب ۲۳ ماه رمضان به نامش، ندا داده می‌شود و در روز عاشورا قیام می‌کنند»^۱.

انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام

یکی از ابعاد قیام حضرت مهدی علیه السلام، خونخواهی و انتقام از قاتلین سیدالشهدا علیه السلام و کشته شدن نسل قاتلین امام حسین علیه السلام به دست امام مهدی علیه السلام است.

امام رضا علیه السلام نیز به این موضوع اشاره کردند و در فرمایش خودشان، به سؤالی که چه بسا در ذهن برخی افراد خطور کند نیز پاسخ گفته‌اند. آن سؤال این است که چرا فرزندان قاتلان سیدالشهدا علیه السلام مجازات می‌شوند، در حالی که آنان گناهی ندارند و در آن زمان حضور نداشته‌اند! «عبدالسلام بن صالح هروی» می‌گوید: محضر مبارك حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، چه می‌فرمایید درباره روایتی که از امام صادق علیه السلام روایت شده که وقتی

۱. راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰.

قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ خروج می‌کند، نسل قاتلان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را نابود می‌کند، به جنایتی که پدرانشان مرتکب شده‌اند.^۱
حضرت فرمودند: «هُوَ كَذَلِكَ؛ همین طور است».

عرض کردم: پس معنای فرموده حق تعالی در قرآن: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى؛ هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد»،^۲ چه می‌شود؟

حضرت فرمودند: «صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ لَكِنَّ ذَرَارِيَّ قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ يَرْضَوْنَ أَفْعَالَ آبَائِهِمْ وَيَفْتَخِرُونَ بِهَا وَمَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِي الْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِي الْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِي عِنْدَ اللَّهِ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَإِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِ آبَائِهِمْ؛

همه‌ی سخنان خداوند متعال راست است، ولیکن ذریه قاتلان حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ به عمل زشت پدران خود راضی و دل خوش هستند و بدان می‌بالند و افتخار می‌کنند و کسی که به کاری رضایت دهد، مانند کننده‌ی آن کار است. از این رو اگر مردی در مشرق به ناحق کشته شود و دیگری در مغرب به آن قتل راضی باشد، در پیشگاه خداوند شریک قتل است و قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هنگامی که قیام می‌کند، آنان را به خاطر رضایتشان به جنایات پدرانشان کیفر می‌کند و به قتل می‌رساند».^۳

۱. «قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي حَدِيثِ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ قَتَلَ ذَرَارِيَّ قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِفِعَالِ آبَائِهَا».

۲. سوره فاطر، آیه ۱۸.

۳. عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۱، ص ۲۷۳؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۲۹؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶،

ص ۱۳۸.

اعتلای دین و گسترش نام الله ﷻ

فراگیر شدن حاکمیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک و جهانی شدن دین اسلام با تشکیل نخستین حکومت جهانی توحیدی بر پایه اسلام شیعی، از دستاوردهای بزرگ قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک است. حکومت و دولتی نامحدود که سرتاسر کره‌ی زمین را در برمی‌گیرد.

امام رضا علیه السلام در حدیث معراج به نقل از جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«ندا آمد که ای محمد! اینان (دوازده امام معصوم که اولین آن‌ها علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آن‌ها مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریک است) اوصیاء، دوستان، برگزیدگان و حجت‌های من بعد از تو در بین مخلوقاتم هستند و آن‌ها اوصیاء و جانشینان تو و بهترین خلق من بعد از تو هستند. قسم به عزّت و جلالم که دینم را توسط آنان پیروزمی‌کنم و کلمه خویش را به وسیله آنان بالا خواهم برد و زمین را با آخرین آنان، از لوث وجود دشمنانم پاک خواهم کرد و شرق و غرب عالم را به ملک و در اختیار او درخواهم آورد، بادهای فرمان بردار او خواهم کرد، ابرهای سخت و سهمگین را در مقابل او و برای او خوار و ذلیل خواهم نمود و او را به آسمان‌ها خواهم برد و با لشکریانم یاری اش خواهم نمود و با ملائکه‌ام مدد خواهم رساند، تا دعوت مرا آشکار گرداند و خلق را بر توحید و یکتاپرستی گرد آورد، سپس پادشاهی او را ادامه و استمرار می‌دهم و

روزگار را تا قیام قیامت در اختیار اولیای خود- یکی از پس دیگری- قرار خواهیم داد»^۱.

عاقبت عالم ما صلح و صفا خواهد شد قلب معشوق پراز مهر و وفا خواهد شد
 شام هجران و غم دل سپری خواهد گشت یار بی‌پرده نمایان ز خفا خواهد شد
 قدم از پرده غیبت به برون خواهد زد خضر ما ساقی صهبای بقا خواهد شد
 عالم پیر جوان گردد و سرمست سرور مشک ریزان نفس باد صبا خواهد شد
 شب ظلمانی غم مهر رخس بشکافد روشنی بخش به خورشید و سما خواهد شد
 همه آفاق پراز زمزمه عشق شود خود بیندیش در آن روز چه‌ها خواهد شد^۲

۱. «فَتُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ هَؤُلَاءِ أَوْصِيَانِي وَأَحِبَّائِي وَأَصْفِيَانِي وَحُجَجِي بَعْدَكَ عَلَى بَرِيَّتِي وَهُمْ أَوْصِيَاؤُكَ وَخُلَفَاؤُكَ وَخَيْرُ خَلْقِي بَعْدَكَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأُظْهِرَنَّهُمْ دِينِي وَلَأُعْلِيَنَّ بِهِمْ كَلِمَتِي وَ لِأُظْهِرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَلَأَمْلِكُنَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا وَلَأَسْجِرَنَّ لَهُ الرِّيحَ وَلَأَدْلِلَنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ وَلَأَرْقِيَنَّهُ فِي الْأَسْبَابِ وَلَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَلَأَمِدَّنُهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي وَيَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَيَّ تَوْجِيدِي ثُمَّ لَأَدِيمَنَّ مُلْكُهُ وَلَأَدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۶۲؛ کافی، ج ۱، ص ۴۳۲.

۲. نوبهار عالم جان، احمد احمدی بیرجندی، شعر از آیت الله ناصر مکارم شیرازی به نقل از مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۱۱، سال بیست و نهم، اسفند ۱۳۶۸ ه. ش.

رواق هشتم: رواق یاران مهدوی

بی‌گمان هر انقلاب و تغییری نیازمند امکانات و تجهیزات و یاران و یاوران همراه و باورمند است. بزرگی و عظمت قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز می‌طلبد که یاران آن حضرت از حیث تعداد و نیرو به فراخور آن نهضت باشند.

به دیگر سخن، برای اصلاح جهان از ظلم و ستم فراگیر و تحقق اهداف پروردگار متعال، از یک سو نیاز به نیرو و یاران و از سوی دیگر، نیازمند امدادهای ویژه الهی است. بدین منظور، گردآمدن یاران خاص و عام در راستای قیام حضرت، به همراه امدادهای غیبی خداوند و نیز نزول عیسی مسیح علیه السلام، از عناوینی است که در سخنان امام هشتم علیه السلام، برای یاری‌رساندن به قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بدان‌ها اشاره شده است.

فراخوانی شیعیان

همان‌گونه که پیش‌ازین اشاره شد، لازمه قیام حضرت، افزون بر ۳۱۳ نفر از اصحاب خاص، آماده شدن یاران عام حضرت است که در روایات از آنان به ده هزار نفر تعبیر شده است. بر همین باور، امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» فرمودند:

«وَاللَّهِ أَنْ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَنَا مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ؛ به خدا سوگند اگر مهدی ما قیام کند، خداوند تمام شیعیان را از سرتاسر جهان در اطراف او جمع می‌کند».^۱

یاری فرشتگان

اگرچه اساس این قیام بزرگ، بر امور طبیعی و سنت‌های جاری خداوند است، اما به اقتضای عظمت و گستردگی آن در همه کره‌ی زمین و نیز مجهز بودن دشمنان به امکانات فراوان و پیشرفته، خداوند برخی از نیروهای پنهان و فوق طبیعی را در اختیار ایشان قرار خواهد داد تا موجبات پیروزی ایشان، هرچه بهتر فراهم شود.

مهم‌ترین مصداق کمک‌های پنهان خداوند، آمدن فرشتگان به یاری پیامبران و اولیای خود است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در روایتی پس از آنکه نصر الهی را از جمله امدادهای غیبی مربوط به قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه ذکر فرمود، چنین ادامه می‌دهند: «وَيُنْصِرُ بِمَلَائِكَةِ اللَّهِ؛ با ملائکه الهی یاری می‌شود».^۲

امام صادق علیه السلام نیز در بیانی نورانی ذیل آیه شریفه: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»^۳ چنین فرمودند: «هُوَ أَمْرُنَا، أَمْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلَّا تَسْتَعْجِلَ بِهِ

۱. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، ج ۱، ص ۴۲۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۷؛ کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ج ۱، ص ۱۰.

۳. سوره نحل، آیه ۱.

حَتَّى يُؤَيِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالرُّعْبِ؛ آن امر اشاره به امر ما است. امر خداوند این است که در مورد آن شتاب نورزید تا خداوند آن را به وسیله‌ی سه لشکر فرشتگان، مؤمنان و ترس، او را [در برابر موانع و دشمنان] یاری دهد.^۱

بر این اساس، در برخی روایات از فرشتگان به عنوان امدادهای الهی در قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه یاد شده است. به گفته روایات، فرشتگانی که در قیام عاشورا به زمین نازل شدند، به تقدیر الهی آنگاه رسیدند که کارزار به پایان رسیده بود و از این روی، خداوند آن‌ها را مأمور ساخت تا هنگام قیام منتقم خون امام حسین علیه السلام در زمین بمانند و چون آن منتقم ظهور کرد، او را یاری کرده، انتقام خون شهید کربلا را از ستمگران بازستانند.

شیخ صدوق در روایتی مفصل درباره‌ی شهادت امام حسین علیه السلام به نقل از «ریان بن شبیب» می‌گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «... وَ لَقَدْ نَزَلَ إِلَيَّ الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهَمُّ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتُ غُبْرًا إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ؛ و چهار هزار فرشته برای یاری اش به زمین آمدند و دیدند کشته شده و بر سر قبرش ژولیده و خاک آلود باشند، تا قائم عجل الله فرجه ظهور کند و یاری اش کند و شعار آن‌ها «یا لثارات الحسین» است.^۲

۱. الغيبة، نعمانی، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۹۹؛ الامالی، شیخ صدوق، ص ۱۲۹.

نزول حضرت عیسیٰ علیه السلام

فرود آمدن پیامبر بزرگ خدا، عیسی بن مریم علیه السلام هنگام قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از دیدگاه همه‌ی مسلمانان، يك واقعیت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه ندارد و در سخنان پیشوایان دین نیز بارها به آن اشاره شده است.^۱

این حادثه‌ی بزرگ از شگفت‌انگیزترین حوادث تاریخ، مهم‌ترین رخدادها، بزرگ‌ترین نشانه‌ها و پرشکوه‌ترین دلیل‌ها بر حقانیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. شاید حکمت در نزول آن پیامبر بزرگ به هنگام قیام حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف، تقویت حرکت جهانی آن حضرت و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گران‌مایه و امامت ایشان است،

۱. به عنوان نمونه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «يُنزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام فَيَقُولُ أَمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ تَعَالَى صَلَّى بِنَا فَيَقُولُ أَلَا إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ تَكْرِمَةً مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِهَذِهِ الْأُمَّةِ؛ پس عیسی بن مریم فرود آید و گوید امیر خلائق که مهدی است بیا و بر ما نماز بگذار، به درستی که برخی از شما بر برخی دیگر امیر هستید و این لطف خداوند در حق این امت است». کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۴۸۴. و فرمود: «حضرت مهدی علیه السلام متوجه نزول حضرت عیسی علیه السلام می‌شود. پس مهدی علیه السلام می‌گوید: جلو بایست و با مردم نماز بخوان، سپس عیسی علیه السلام می‌گوید: نماز برای تو اقامه شده است، «فَيُصَلِّي عِيسَى خَلْفَهُ وَ يَبَايِعُهُ وَ يَقُولُ: إِنَّمَا بُعِثْتُ وَ زِيْرًا وَ لَمْ أُبْعَثْ أَمِيرًا؛ پس عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می‌خواند و با او بیعت می‌کند و می‌گوید: من به عنوان وزیر برانگیخته شده‌ام نه به عنوان امیر [و امام]». الصواعق المحرقة، ص ۹۸؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۹۰ و ص ۱۳۵؛ منتخب الاثر، ص ۳۱۶. و فرمود: «همانا جبرئیل نزد من آمد و سلام پروردگرم را به من رساند و فرمود: ای محمد! ... قائم از شماست که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می‌گذارد». روضة الكافی، کلینی، ج ۸، ص ۴۲.

به ویژه آنکه حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ در نماز به امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى اقتدا می کند و امامت جهانی و آسمانی او را تصدیق و تأیید می کند.^۱

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ با اشاره به این حقیقت می فرماید: «إِذَا خَرَجَ الْمُهَدِيُّ مِنْ وُلْدِي نَزَلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَلَّى خَلْفَهُ؛ وقتی مهدی از فرزندانم قیام کند، عیسی بن مریم عَلَيْهِ السَّلَامُ نازل شود، و پشت سراو با او نماز گزارد».^۲

خورشید جمالت چو از پرده درآید شرمنده ز انوار تو شمس و قمر آید
دنیا شود از پرتو نور تو درخشان آن موکب شاهانه چو با کزو فرآید
عیسی به زمین آید و بیعت بنماید یاران تو با نیروی فتح و ظفر آید
جبریل چو نازل شود آن دم به حضورت فوج ملکوتی زپی یکدگر آید
یارب تو بده خاتمه این غیبت کبرا سلطان جهان حجت اثناعشر آید^۳

۱. نک: امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ از ولادت تا ظهور، ص ۶۷۸.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۲، ص ۲۰۲.

۳. مرحوم حجت الاسلام شرفی (رحمة الله).

رواق نهم: رواق رجعت

یکی از موضوعات پراهمیت در روایات رضوی، اشاره‌ی حضرت به یکی از باورهای مهم مکتب تشیع، یعنی رجعت و بازگشت دو گروه از مردگان - مؤمنان محض و کافران محض^۱ به دنیا، قبل از شروع قیامت است. «رجعت» در لغت، به معنای «بازگشت» است،^۲ اما در اصطلاح مهدویت، «رجعت» بدین مفهوم است که امامان خاندان وحی و رسالت علیهم‌السلام و انبوهی از کسانی که جهان را بدرود گفته‌اند، بار دیگر پس از ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و‌ترجمته‌السرور و پیش از پایان عمر حضرت، به خواست خدا و اراده‌ی حکیمانه او، بدین جهان بازمی‌گردند. نخستین رجعت‌کننده امام حسین علیه‌السلام است و پس از آن وجود گران‌مایه، همه امامان اهل بیت علیهم‌السلام یکی پس از دیگری بازگشت خواهند کرد.^۳

۱. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَهِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَخَّضَ الْإِيمَانَ مَخْضًا أَوْ مَخَّضَ الشِّرْكَ مَخْضًا؛ رجعت امری همگانی نیست، بلکه اختصاصی است و تنها کسانی رجعت می‌کنند که ایمان خالص و یا شرک خالص داشته باشند». البرهان، سید هاشم بحرانی، ج ۲، ص ۴۰۸؛ شیخ خزاعلی، الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، ص ۳۶۰.

۲. رک: راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۳۴۲؛ لسان العرب، ابن منظور، ج ۸، ص ۱۱۴.

۳. ن ک: امام مهدی علیه‌السلام از ولادت تا ظهور، ص ۸۰۲.

مرحوم «سید مرتضی» - از علمای بزرگ شیعه - چنین می‌فرماید: «رجعت، عبارت است از این که خداوند در هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، گروهی از شیعیان را که قبلاً از دنیا رفته‌اند، دوباره زنده می‌کند تا به ثواب یاری آن حضرت نائل شوند و دولت (کریمه) او را مشاهده کنند و نیز جمعی از دشمنان آن حضرت را دوباره زنده می‌کند تا از آنان انتقام بگیرد».^۱

رجعت از دیدگاه امام رضا علیه السلام

«حسن بن جهم» می‌گوید: روزی به مجلس مأمون وارد شدم و حضرت رضا علیه السلام در آنجا بودند و علمای علم کلام و فقها از هر فرقه و طایفه‌ای در آن مجلس بودند، مأمون پرسید: شما درباره‌ی رجعت چه می‌فرمایید؟ امام علیه السلام فرمود: «إِنَّهَا لِحَقٌّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ وَ نَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلِّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ حَذُّو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُدَّةُ بِالْقُدَّةِ؛ آن بجا و حق است و در امت‌های پیشین هم بوده است و قرآن مجید هم بدان ناطق است، و رسول خدا صلی الله علیه و آله هم فرموده: هر چه در امت‌های سابق اتفاق افتاده، در این امت نیز اتفاق خواهد افتاد، بی‌کم و کاست؛ طابق النعل بالنعل و بدون تفاوت».^۲

همچنین امام رضا علیه السلام در قسمتی از حدیث معراج که از جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کردند، با اشاره به مسئله‌ی رجعت، چنین

۱. سید مرتضی علم الهدی، رسائل شریف مرتضی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۰۰؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۳۴.

فرمودند: «وَلَأَمْلِكَنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا... حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي وَيَجْمَعَ الْخُلُقَ عَلَى تَوْحِيدِي ثُمَّ لَأُدِيمَنَّ مُلْكَهُ وَلَأُدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ و شرق و غرب زمین را در سیطره‌ی سلطنت او در می‌آورم و بادها را در تسخیر او قرار داده، ابرهای سخت و سرکش را رام او گردانم و او را بر اسباب مسلط نموده، با سربازانم او را یاری و با ملائکه خود او را امداد می‌کنم، تا دعوت مرا برتری بخشد و همه مردم را بر حکم توحید من گرد آورد و سلطنت او را ادامه می‌دهم و روزگار را بین دوستان خود دست به دست می‌کنم (اشاره به مسئله‌ی رجعت) تا روز قیامت».^۱

پایان بخش بحث رجعت را این درخواست قرار می‌دهیم که در زیارت حضرت بقیة الله عَلَيْهِ السَّلَامُ و خطاب به آن حضرت خوانده می‌شود: «فَإِنَّ أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ وَ أَعْلَامَكَ الظَّاهِرَةَ وَ دَوْلَتَكَ الْقَاهِرَةَ فَعَبْدٌ مِنْ عِبِيدِكَ مُعْتَرِفٌ بِحَقِّكَ... وَ إِنْ أَدْرَكَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ فَأَتَوَسَّلُ بِكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يُجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ وَ رَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي وَ أَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ فُوَادِي؛

اگر دوران درخشان و پرچم‌های برافراشته و حکومت قدرتمند تو را درک کردم، بنده‌ای از بندگان تو خواهم بود... و اگر پیش از ظهورت مرگم فرا رسید، با توسل به تو و پدران پاکت از خدای سبحان می‌خواهم که بر محمد و آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ درود فرستد و برای من، بازگشتی در دوران

۱. عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۱، ص ۲۶۲؛ کافی، ج ۱، ص ۴۳۲.

ظهورت و رجعتی در زمان حکومت تو قرار دهد، تا با فرمان برداری تو،
مراد خویش را دریابیم و دلم را با انتقام از دشمنانت شفا بخشم». ^۱ آمین

۱. المزار الكبير، لابن المشهدی، ص ۵۸۸؛ المصباح للكفعمی، ص ۴۹۶؛ بحار الانوار، ج ۲۲،

رواق دهم: رواق دعا

ادعیه امام رضا علیه السلام برای ظهور امام زمان علیه السلام

چشم دوختن به افق ظهور، زمزمه‌ی نام او بر لب و یاد او در دل داشتن، وظیفه‌ای است از جنس تداوم که پیوند امام و محب را پایا و مانا می‌کند. نور یاد او باید همواره در دل، روشن و فروزان بماند و پیوندها روزبه‌روز مستحکم‌تر و عمیق‌تر گردد. دعا، نوری است گرمابخش که شمع عاطفه و رابطه را در خانه دل می‌افروزد و محبت حضرتش را در قلب محبان و مشتاقان شعله‌ور می‌سازد. این است که به دعای مداوم و همیشگی برای حضرت قائم علیه السلام تأکید شده است؛ از یک «وَعَجَل فَرَجَهُمْ» متصل به صلوات تا دعای فرج و سلامت و ندبه و عهد و غیره.

دعا برای فرج

ادعیه‌ی امام رضا علیه السلام برای فرج و گشایش موانع ظهور آخرین حجت الهی، در واقع آموزش دعا به شیعیان است که دستاوردهای بسیاری برای آنان به همراه خواهد داشت. از جمله آنکه همین دعا کردن، به معنای انتظار مداوم و داشتن دغدغه ظهور دولت کریمه موعود است که باعث تقویت انگیزه و تلاش برای خودسازی و دگرسازی، اصلاح جامعه و کسب دیگر آمادگی‌ها می‌شود.

امام رضا علیه السلام نیز همین روش را به شیفتگان و مشتاقان دولت کریمه مهدوی آموزش دادند؛ از یک سو با عمل خودشان و دست گذاشتن روی سرواز سوی دیگر، با زبان مبارکشان در قنوت نماز جمعه و دعاهای دیگر، آن را آموزش دادند تا همه بدانند که یاد و نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نباید فراموش شود و همواره باید بر ذهن و زبان محبان و شیعیان، زنده و جاری باشد.

آن امام همام به نقل از جدّ بزرگوار خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ؛ برترین اعمال امت من انتظار فرج از خدای عزوجل است»^۱.

و آنگاه که «دِعْبِل» قصیده‌ی معروف خود به نام «مدارس آیات» را برای امام رضا علیه السلام خواند، آن حضرت دست مبارک خود را بر سر گذاشتند و تواضع نموده، قیام کردند و برای فرج آخرین ذخیره‌ی امامت دعا کردند: «فَوَضَعَ الرَّضَا علیه السلام يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ وَتَوَضَّعَ قَائِماً وَدَعَى لَهُ بِالْفَرَجِ»^۲.

ناگفته نماند که دعا برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در سیره‌ی امامان دیگر نیز سابقه داشته است. به عنوان مثال، «محمد مدائنی» می‌گوید: امام صادق علیه السلام پس از نماز ظهر، دست‌ها را بلند نموده و دعا کردند. گفتم: جانم به فدایتان، برای خودتان دعا کردید؟

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۴.

۲. منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۶۴۰؛ دانشنامه امام مهدی علیه السلام برپایه قرآن، حدیث و

تاریخ، ج ۲، ص ۳۳۴؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۱۸؛ قاموس الرجال، ج ۴، ص ۲۹۰.

حضرت فرمود: «دَعَا نُوْرَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَأَيْتَهُمْ وَ الْمُسْتَقِيمِ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ؛ برای نور آل محمد علیهم‌السلام و غایب آنان و کسی که به امر خدا از دشمنان آنان انتقام می‌گیرد، دعا نمودم».^۱

«یحیی بن فضل نوفعی» نیز می‌گوید: روزی در شهر بغداد خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام رسیدم. بعد از نماز عصر، حضرت دست‌های مبارکشان را به طرف آسمان بلند و این چنین دعا کردند: «خدایا! تو را می‌خوانم که بر محمد و آل او درود فرستی و فرج انتقام گیرنده از دشمنانت را نزدیک گردانی و به وعده‌ای که به او داده‌ای، وفا کنی! ای خدای با جلال و بزرگواری!».

خدمت حضرت عرض کردم: برای چه کسی دعا فرمودید؟

فرمودند: «ذَلِكَ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ... بِأَبِي مَنْ لَيْلَهُ يَرْعَى النُّجُومَ سَاجِدًا وَ رَاكِعًا بِأَبِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَيِّمٍ مِصْبَاحُ الدُّجَى بِأَبِي الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ؛ [آن کس که برایش دعا کردم] او مهدی از آل محمد علیه‌السلام است... پدرم فدای آنکه در شب مراقب ستارگان است [و شب را به بیداری به سرمی‌برد]، درحالی که سجده می‌کند و رکوع انجام می‌دهد. پدرم فدای آنکه در مسیر خدا سرزنش ملامت‌گران در او تأثیر ندارد و چراغ روشن تاریکی است. پدرم فدای آنکه به امر خدا قیام می‌کند».^۲

۱. فلاح السائل، ج ۱، ص ۱۷۰؛ معجم احادیث الامام المهدي علیه‌السلام، ج ۵، ص ۳۸۲.

۲. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۸۰، ح ۸؛ نجم الثاقب، ص ۷۶۲؛ فلاح السائل، سید بن طاووس، ج ۱، ص ۱۹۹.

دعاهای امام رضا علیه السلام برای ظهور امام زمان علیه السلام

با توجه به آنچه بیان شد، اینک متن و ترجمه دعاهای امام رضا علیه السلام که درباره امام زمان علیه السلام بیان شده است را نقل می‌کنیم.

دعای اول: دعای قنوت نماز جمعه

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، در یکی از بهترین لحظات نیایش خود، یعنی قنوت نماز جمعه، سرود بی‌قراری و انتظار سر می‌دهند و برای فرج و ظهور آن بزرگوار این گونه دعا می‌کنند:

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ، بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ، وَ حُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَ أَيَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ، وَ اسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا، يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَ أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَ لِيَّكَ سُلْطَانًا، وَ ائِذَنْ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛

بارالها! کار ظهور بنده‌ی شایسته و خلیفه‌ی راستینت [امام مهدی علیه السلام] را اصلاح فرما؛ همان‌گونه که کار پیامبر و فرستادگانت را اصلاح نمودی و از فرشتگانت، نگاهبانانی بر او بگمار و از سوی خویش، با روح القدس او را یاری و پشتیبانی فرما. دیده‌بانانی از پیش‌رو و پشت سر همراه وی گردان تا از هر بدی، نگاهش دارند. ترس و هراس او را به امن و امان دگرگون ساز که او تو را می‌پرستد و هیچ چیز را همتا و همانند تو نمی‌داند، پس برای هیچ‌یک از آفریدگانت، برتری و چیرگی نسبت به

ولی خودت قرار مده و اجازه جهاد با دشمنان تو و دشمنان خودش را به او عطا کن و مرا از یاران او قرار ده؛ زیرا تو بر همه چیز توانایی^۱.
 با توجه به مضامین زیبای فوق، روشن می‌گردد که چگونه امام هشتم علیه السلام عالی‌ترین و بلندترین زمزمه‌های محبت را با سوز و از سر شوق در این مناجات کوتاه بر زبان جاری می‌سازند که هم محبوب خود را معرفی می‌نمایند و هم آرزوی سلامتی و ظهور او را دارند و از خدا می‌خواهند تا بیعت هیچ ستمگری برگردن آن حضرت نباشد. آنگاه برای جهاد در رکاب او اعلام آمادگی می‌کنند تا بدین وسیله، ارتباط معنوی و عاطفی خود را به آن بزرگوار ابراز نمایند.^۲

دعای دوم: دعا برای امام مهدی علیه السلام در هر روز

دعای دوم، دعایی سرشار از معارف مهدوی است. در این دعای زیبا و دل‌نشین، ضمن اشاره به مقامات آخرین «ولی خدا»، برآورده شدن آمال و آرزوهای منتظران و محبان را درخواست می‌کند و اشاره‌هایی نیز به وظایف منتظران ظهور و مطالب عمیق و وثیق بسیاری دارد که باید در نوشتاری جداگانه به آن پرداخته شود. در این مجال، به نقل متن و ترجمه این دعا بسنده می‌کنیم.

۱. مصباح‌المتهدجد، ص ۳۶۷؛ جمال‌الاسبوع، ص ۴۱۳؛ معجم‌احادیث‌الإمام‌المهدی، ح ۴، ص ۱۷۱.

۲. آفتاب در نگاه خورشید، ص ۲۱.

شیخ طوسی در کتاب «مصباح المتهجد» این دعا را در اعمال روز جمعه از حضرت رضا علیه السلام نقل کرده است، «یونس بن عبدالرحمن» روایت کرده که حضرت رضا علیه السلام امر می فرمودند به دعا نمودن برای حضرت صاحب الامر علیه السلام به این دعا:

«اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَلِسَانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنكَ النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِأَذْنِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، الْجُجْحَاحِ الْمُجَاهِدِ الْعَائِذِ بِكَ الْعَابِدِ عِنْدَكَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَأَبَاءَهُ أُمَّتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ وَفِي جَوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ، وَأَمِنَهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَّلُ مَنْ أَمِنْتَهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ، وَأَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَالْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَحُفَّهُ بِالمَلَائِكَةِ حَفًّا؛

خدایا! دفاع کن از ولیات و خلیفه‌ات و حجت بر آفریدگانت و زبان سخنگوی از جانبت و گویای به حکمتت و دیده‌ی نگرنده به اجازه‌ات و گواه بر بندگانت. آن سرور بزرگوار مجاهد، پناهنده به تو، عبادت کننده نزد تو و پناهنده از شر تمام آنچه آفریدی و پدید کردی و پروردی و صورت دادی و او را نگهدار از پیش رویش و پشت سرش، و از جانب

راست و چپش و بالای سر و زیر پایش، به نگهداری ات که تباه نشود هرکه را به آن نگهداری، و حفظ کن در وجود او پیامبرت و پدرانش، آن امامان از جانب تو و پایه های دینت، و او را قرار ده در سپرده خود که تباه نمی شود و در جوارت که امنیتش از بین نمی رود و در بازدارندگی و نیرومندی ات که مقهور نگردد، و او را ایمن دار و به امان محکمت که هرکه را به آن ایمن نمودی، هرگز خوار نمی شود، و قرارش ده در حمایت که هرکه در آن باشد، مورد دستبرد واقع نگردد، و یاری اش ده به یاری نیرومندی و کمکش کن، بالشرک چیره ات و نیرومندی ساز به نیرویت، و پشت سر او قرار بده فرشتگان را، و دوست بدار کسی را که دوستش دارد، و دشمن بدار کسی را که دشمنش دارد، و زره محکمت را به او بپوشان و او را به احاطه فرشتگان درآور، احاطه ای سامان یافته.

اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ، وَامِثْ بِهِ الْجُورَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَآيِدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ، وَقَوِّنَا صِرِيهٖ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهٖ، وَدَمِّدْ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمِّرْ مَنْ غَشَّهٖ، وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعَمَدَهُ وَدَعَائِمَهُ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ وَمُيْتَةَ الشُّنَّةِ وَمُقَوِّيَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبْرِ بِهٖ الْكَافِرِينَ وَجَمِيعَ الْمُتَلَحِّدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّارًا وَلَا تَبْقَى لَهُمْ آثَارًا؛

خدایا! شکاف در هر امور را به او اصلاح کن و گسیختگی را به او پیوند ده، و ستم را به دستش نابود گردان و عدالت را به او بنمایان و زمین را با

طول ماندنش بیارای، و او را به پیروزی کمک کن و به وسیله در انداختن ترس در دل دشمنان، یاری اش ده و یاورانش را نیرومند ساز و واگذارنده اش را خوار کن و کسی را که نسبت به او دشمنی ورزد، هلاک ساز و هر که به او خیانت کند، نابود گردان و به دست او گردن کشان کفر و تکیه گاه ها و ستون های آن را به قتل برسان و به وسیله او سران گمراهی و پدید آورندگان بدعت و میرانندگان سنت و تقویت کنندگان باطل را درهم شکن، و به دست او گردن کشان را خوار کن و کافران و تمام بی دینان را نابود ساز، در مشرق های زمین و مغرب هایش و خشکی ها و دریا هایش و هموارها و کوه هایش، تا دیاری از آنان و آثاری از ایشان را باقی نگذاری.

اللَّهُمَّ ظَهَرِ مِنْهُمْ بِأَدَاكَ وَأَشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَخِي بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَبُدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً مُحَضّاً صَاحِحاً لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتَّى تُنِيرَ بَعْدْلِهِ ظُلَمَ الْجُورِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ الْعَدْلِ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَأْتَهُ مِنَ الْغُيُوبِ، وَظَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ؛

خدایا! کشورهايت را از وجود آلوده آنان پاک کن و با محو ایشان شفا ده بندگان را و مؤمنان را به وجود آن حضرت عزیز گردان و روش های رسولان و احکام کهنه پیامبران را به او زنده کن، و به وسیله او آنچه را از

دینت محو شده و از قانونت تغییر یافته، تجدید فرما، تا دینت را به وجود او بازگردانی و بر دو دست او، جدید و تازه و خالص و صحیح نمایی که کجی در آن دیده نشود و بدعت و پیرایه‌ای همراهش نباشد، تا اینکه با عدالتش تاریکی‌های نابرابری را روشن کنی، و به وسیله او آتش‌های کفر را خاموش نمایی و گره بندهای حق و ناشناخته عدالت را به او روشن سازی، زیرا او بنده توست، بنده‌ای که او را برای خود برگزیدی و او را برای غیب خود انتخاب نمودی و از گناهان بازش داشتی و از عیب‌ها پاکیزه‌اش کردی و از آلودگی پاکش فرمودی و از چرکینی سالمش نمودی.

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ الظَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا وَلَا أَتَى حُوبًا، وَلَمْ يَزْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً، وَأَنْتَ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الظَّاهِرُ النَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ؛

خدایا! ما در روز قیامت و روز فرارسیدن حادثه‌ی بزرگ، برای او گواهی می‌دهیم که گناهی انجام نداد و بزمی نیاورد و مرتکب معصیتی نشد و طاعتی را در پیشگاه تو تباه نکرد و حرمتی را از تو هتک نکرد و فریضه‌ای را دگرگون نساخت و آیینی را تغییر نداد و به درستی که اوست راهنما، راه‌یافته، پاک، پرهیزکار، بی‌عیب، دوستدار، پاکیزه.

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَاهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرِّبُهُ
عَيْنُهُ، وَتَسْرِبُهُ نَفْسُهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبًا وَبَعِيدًا وَ
عَزِيزًا وَذَلِيلًا، حَتَّى تُجْرِيَ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَتَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ؛

خدایا! به او عطا کن، در وجودش و اهلش و فرزندان و نژادش و امت و
همه رعیتش، چیزی که چشمش را به آن روشن کنی و وجودش را به آن
خوشحال نمایی و برای او گردآوری، فرمانروایی همه مملکت‌ها را،
نزدیک و دورش را و نیرومند و خوارش را، تا فرمانش را بر فراز هر فرمانی
جاری سازی و حق او را بر هر باطلی چیره گردانی.

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ
الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَثَبَّتْنَا
عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَآمَنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ
الصَّابِرِينَ مَعَهُ الظَّالِمِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي
أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبَةِ سُلْطَانِهِ؛

خدایا! ما را به دو دست آن بزرگوار به راه هدایت و جاده بزرگ‌ترو
طریقه معتدل‌بدار، که گمراه‌تندرو به آن بازگردد و عقب‌مانده، خود را به
آن ملحق نماید، و بر طاعتش نیروی مان‌بخش و بر پیروی‌اش
پابرجایمان کن و به متابعتش بر ما منت بنه و ما را در گروه او قرار بده،
آن گروهی که به شدت قیام‌کننده به دستورش هستند و همراه او شکیبا
می‌باشند و با خیرخواهی‌اش جویندگان خشنودی تواند، تا ما را در روز

قیامت، در شمار یاران و مددکاران و تقویت‌کنندگان حکومتش محشور
نمایی.

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا
نَعْتَمِدَ بِهٍ غَيْرِكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، وَحَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ
مَعَهُ، وَاعِدْنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَثْرَةِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَتُعَزُّ
بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبَدِّلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ
هُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ؛

خدایا! و این واقعیت را برای ما، خالص از هر شک و شبهه و خودنمایی
و شهرت‌طلبی قرار بده، تا در این کار به غیر تو اعتماد نکنیم و به آن جز
خشنودی تو را نخواهیم و تا جایی ما را به جایگاه او وارد کنی و در
بهشت با او قرار دهی، و از خستگی و کسالت و سستی پناهمان ده و ما را
از کسانی قرار ده که به دست آن‌ها برای دینت پیروزی آوری و یاری
ولیات را به آن‌ها نیرومند سازی و ما در این زمینه با دیگران عوض مکن،
زیرا عوض کردن ما با دیگران بر تو آسان، ولی بر ما کار بسیار دشوار است.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلاةِ عَهْدِهِ، وَالْأئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمَانَهُمْ، وَزِدْ فِي
أَجَاهِهِمْ، وَأَعِزَّنْصُرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبِّتْ
دَعَائِمَهُمْ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَاناً وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَاراً، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَ
خُزَانُ عِلْمِكَ، وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوُلاةُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَتُكَ مِنْ
عِبَادِكَ، وَصَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَلَاتِلُ أَوْلِيائِكَ، وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ
نَبِيِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛

خدایا! بر متولیان عهدش و پیشوایان پس از او درود فرست و آنان را به آرزوهایشان برسان، و در عمرش بیفزا و پیروزی شان را نیرومند ساز و برای آنان کامل کن، آنچه از دستوراتت به آنان مستند کردی، و پایه‌های حکومتشان را ثابت بدار و ما را از مددکاران آنان و نسبت به دینت، از یاوران قرار ده، به درستی که آنان اند معادن کلماتت و خزانه‌داران دانشت و پایه‌های توحیدت و استوانه‌های دینت و زبده‌های از بندگانت و برگزیدگان از آفریدگانت و اولیاییت و گزیده‌های دوستانت و انتخاب شده فرزندان پیامبرت؛ و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر آنان باد»^۱.

حُسن خِتام این نوشتار را فرازی از زیارت خاصه‌ی امام رضا علیه السلام که در آن درخواست ظهور و فرَج حضرت حجت علیه السلام مطرح شده است، قرار می‌دهیم.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ بِهَا وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛

خدایا! درود فرست بر حجت و ولی‌ات، قیام‌کننده در میان بندگانت، درودی کامل، روینده، پایدار که به آن درود در گشایش امرش شتاب کنی و به آن یاری‌اش نمایی و ما را در دنیا و آخرت با او قرار دهی».

به امید آنکه حال و روز همه مشتاقان و منتظران ظهور حضرتش همواره مهدوی باشد و مصداق این شعر «عبید زاکانی» که می‌گوید:

از پیش یارا اگر نفسی دور می‌شوم هر دم که می‌زنم، ز حساب حیات نیست

۱. مصباح‌المتجهج، ص ۴۰۹؛ جمال‌الاسبوع، ص ۵۰۶؛ بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۱۰۱.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِيَوْمِ الْفَرَجِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَوْلَىٰ وَأَخْرَأَ

کتاب‌نامه

۱. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، شریف‌الرضی، محمدبن‌حسین.
۲. صحیفه سجادیه، امام سجاد علیه السلام.
۳. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان.
۴. شیخ طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق سید محمدباقر الخراسان، دارالنعمان، بیروت.
۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۶. مؤسسه معارف اسلامی، معجم احادیث الامام المهدي، نشر جمکران، قم، ایران.
۷. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۸۸ش.
۸. شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه قمی، کمال‌الدین و تمام النعمه، انتشارات جمکران، قم.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، (شرح تازه بر نهج البلاغه)، بی تا، اول، ۱۳۷۵.
۱۰. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، بیروت، نشر اعلمی، چ ۱، ۱۴۰۴.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۵ق.
۱۲. صدوق محمدبن علی، التوحید، قم، ایران، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، تهران، دارالکتب الاسلامیه / بی تا.

۱۴. شیخ حرّ عاملی، *تفصیل وسائل الشیعة*، قم، نشر آل البيت علیهم السلام، ج ۲، ۱۴۱۴.
۱۵. ابن بابویه قمی، *الامامة والتبصرة*، تحقیق و نشر مدرسه الامام المهدي علیه السلام، قم، بی تا.
۱۶. کامل سلیمان، *روزگار رهایی*، ترجمه علی اکبر مهدی پور، نشر آفاق، سوم، ۱۳۷۶.
۱۷. شیخ لطف الله، صافی، *منتخب الاثر*، قم.
۱۸. سید بن طاووس، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، نشر دارالذخیر، قم، ۱۴۱۱.
۱۹. رضی الدین سید بن طاووس، *مهج الدعوات*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۲۰. مرتضی مجتهدی، *الصحیفة المبارکة المهدیة*، قم، حاذق، اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۲۱. محدث نوری، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۲۲. طبرسی نوری، میرزا حسین، *النجم الثاقب*، تهران، انتشارات علمیة اسلامیة.
۲۳. حویزی، عبد علی، *تفسیر نور الثقلین*، انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. قمی مشهدی، محمد، *تفسیر کنز الدقائق*، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
۲۵. موسوی اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم*، مؤسسه ای الامام المهدي، ۱۴۰۴ ق.

۲۶. پیشوائی، مهدی، **سیره پیشوایان**، قم، امام صادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۷۴ هـ ش.
۲۷. شیخ صدوق، **علل الشرايع**، بیروت، دارالبلاغه، بی تا.
۲۸. اعلام الهدایه، **المجمع العالمی**، اهل البيت علیهم السلام، ج اول، ۱۴۲۲ ق.
۲۹. شیخ حر عاملی، **وسائل الشیعه**، آل البيت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۳۰. خزاز قمی، علی بن محمد، **کفایة الاثر**، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۳۱. حرّانی، ابن شعبه، **تحف العقول**، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ج ۲، ۱۳۶۳.
۳۲. خامنه‌ای، سید علی، **انسان ۲۵۰ ساله**، بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی . مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام، جهادی، سیزدهم، تهران، ۱۳۹۱ ش.
۳۳. طلحة شافعی، **مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول**، بیروت، ام القرى، اول، ۱۴۲۰ هـ ق.
۳۴. کنجی شافعی، **البيان فی اخبار صاحب الزمان**، بیروت، چاپ اول.
۳۵. ابن کثیر، **النهاية فی الفتن و الملاحم**، قاهره، اول، ۱۳۸۸ هـ ق.
۳۶. قرطبی، **الجامع لاحکام القرآن**، بیروت، دارالفکر.
۳۷. ابن جوزی، **تذکرة الخواص**، بیروت، مؤسسه‌ی اهل البيت علیهم السلام.
۳۸. عطاردی، عزیز الله، **مسند الامام الرضا علیه السلام**، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶.
۳۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبة**، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.
۴۰. حسینی جلالی، سید محمد جواد، **احادیث المهدی علیه السلام من مسند احمد بن حنبل**، قم، انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۴۰۹ هـ ق.
۴۱. الطبرسی الآملی، ابو جعفر، **بشارة المصطفى لشیعة المرتضى**، منشورات المطبعة الحیدریه.

۴۲. الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، **کتاب الغیبة**، المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۷.
۴۳. راوندی، قطب الدین، **الخرائج والجرائج**، مؤسسه امام مهدی علیه السلام و درجه نشره، قم، ۱۴۰۹ هـ. ق،
۴۴. سید بن طاووس، **الملاحم والفتن**، قم، نشر صلوات، ۱۳۸۳ هـ. ش و المكتبه العصریه.
۴۵. الهی نژاد، حسین، **حج و مهدویت**، نشر مشعر، تهران، ۱۳۹۱.
۴۶. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمّة فی معرفة الاثمة**، دارالکتاب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م. و نشر بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب، **روضة الکافی**، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۴۸. بحرانی، سید هاشم، **البرهان فی تفسیر القرآن**، ج ۲، تهران.
۴۹. حُرّ عاملی، **الایفاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة**، ترجمه احمد جنتی، ۱۳۴۱ ش، قم.
۵۰. علم الهدی، سید مرتضی، **رسائل الشریف المرتضی**، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، دارالقرآن.
۵۱. شیخ صدوق، **کمال الدین و تمام النعمة**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۵ هـ. ق و نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۵۲. محمدی ری شهری، محمد، **دانشنامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ**، دارالحدیث، قم، ۱۳۹۳.
۵۳. کفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی، **مصباح کفعمی**، بی تا، بی جا.
۵۴. نوری طبرسی، حسن، **نجم الثاقب**، قم، نشر کتاب جمکران.

٥٥. شيخ طوسى، **مصباح المتهدجد**، بيروت، مؤسسه فقه الشيعة، ج ١، ١٤١١.
٥٦. شيخ صدوق، **من لا يحضره الفقيه**، تحقيق على ابرغفارى، چاپ دوم، جامعه مدرسين، قم ١٤٠٤.
٥٧. محمدى رى شهرى، محمد، **ميزان الحكمة**، چاپ اول، دارالحديث، قم.
٥٨. متقى هندى، **كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال**، مؤسسه الرساله، ١٤٠٩.
٥٩. شيخ صدوق، **الامالى**، چاپ اول، بعثت، قم ١٤١٧ و كتابخانه اسلاميه، ١٣٦٢ ش.
٦٠. شيخ مفيد، **الاختصاص**، تحقيق على ابرغفارى، قم، جامعه مدرسين.
٦١. شيخ صدوق، **معانى الأخبار**، تحقيق على ابرغفارى، بيروت، مؤسسه اعلمى.
٦٢. حَمَوِينِي جُوِينِي، ابواسحاق ابراهيم، **فرائد السمطين**، مؤسسه المحمودى، بيروت، اول، ١٣٩٨ ق.
٦٣. سيد بن طاووس حسنى، **اقبال الاعمال**.
٦٤. ابن منظور مصرى، جمال الدين، **لسان العرب**، قم، ادب الحوزه، ج ١، ١٤٠٥.
٦٥. احمد بن حنبل، **مسند احمد**، بيروت، دار صادر، بى تا.
٦٦. سيد بن طاووس حسنى، **فلاح السائل**، قم، دفتر تبليغات، بى تا.
٦٧. نيشابورى، محمد بن عبدالله، **المستدرک على الصحيحين**، بيروت، دارالمعرفة.
٦٨. فتال نيشابورى، **روضة الواعظين**، نشررضى، قم.

۶۹. قزوینی، سید محمد کاظم، *امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور*، نشر الیهادی، قم، چ اول، ۱۳۷۶.
۷۰. حسینی، سید جواد، *مقام امامت و ضرورت تداوم آن از دیدگاه امام هشتم علیه السلام*، نشریه پاسدار اسلام، ۱۳۸۳، شماره ۲۶۷ و ۲۶۸.
۷۱. حقیقت خواه، امیررضا و معینی، محمدرضا، *فصلنامه امامت پژوهی*، قم، بنیاد فرهنگی امامت، ۱۳۹۲ هـ ش.
۷۲. کشی، محمد بن عمر، *رجال گشتی*، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۴۸ ش.
۷۳. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، بیروت، منشورات اعلمی، ۱۴۱۷ق.
۷۴. عکبری، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، *الارشاد*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷۵. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، قم، ناصح، ۱۴۱۶ق.
۷۶. قندوزی، شیخ سلیمان، *ینابیع المودّه*، دارالاسوه، چ ۱، ۱۴۱۶.
۷۷. سلیمان بن اشعث سجستانی، *سنن ابوداود*، دارالفکر، بیروت، چ اول، ۱۴۱۰.
۷۸. بحرانی، ابن میثم، *غایة المرام*، چاپ قدیم.
۷۹. الطبرانی، *المعجم الكبير*، مكتبة ابن تیمیة، القاهرة.
۸۰. حکیمی، محمدرضا، *خورشید مغرب*، انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۲ ش.
۸۱. قزوینی، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، نشر دارالفکر، بیروت.
۸۲. دیلمی، الحسن بن أبی الحسن، *ارشاد القلوب*، دارالاسوة، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۷.

۸۳. طبری، محمد بن جریر بن رستم، **دلائل الامامة**، قم، دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.
۸۴. رازی، احمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۸۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ هـ. ق.
۸۶. مامقانی، **تنقیح المقال**، مرتضویه، نجف، اول، بی تا.
۸۷. شوشتری، محمدتقی، **قاموس الرجال**، مرکز نشر کتاب، مؤسسه نشر اسلامی.
۸۸. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، **المزار الكبير**، مؤسسة النشر الإسلامی، قم.
۸۹. ابن طاووس حلی، سیدعلی، **جمال الأسبوع بکمال العقل المشروع**.
۹۰. طاهری، مرتضی، **آفتاب در نگاه خورشید**، نشر عهد.
۹۱. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، **قرب الاسناد**، قم، آل البيت، ج ۱، ۱۴۱۳.
۹۲. انصاری قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)**، بیروت، ج ۲، ۱۴۰۵.
۹۳. شیخ طبرسی، **تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت مؤسسه علمی، ج ۱، ۱۴۱۵.
۹۴. عدهای از علما و نویسندگان، **الاصول الستة عشر**، دارالحدیث، قم.
۹۵. صفار قمی، ابن فروخ، **بصائر الدرجات**، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴.
۹۶. ابن طاووس، **التحصین**، مؤسسة دارالکتاب (الجزائری)، قم، ۱۴۱۳.

٩٧. ابن عساكر، ابو القاسم علي بن حسن بن هبة الله شافعي دمشقي،
تاريخ مدينه دمشق، نشر دارالفكر، ١٤١٥.
٩٨. طبري، محب الدين، ذخائر العقبي، مكتبه القدسي، قاهره.
٩٩. فيض كاشاني، ملامحسن، محجة البيضاء، دفتر انتشارات اسلامي،
چاپ دوم، ج ٤، ص ١٢٩.
١٠٠. حر عاملي، محمد بن حسن، الفصول المهمه في اصول الائمة، قم،
موسسه معارف اسلامي امام رضا عليه السلام، ١٣٧٦.
١٠١. جوهرى بصرى، احمد بن عبدالعزيز، مقتضب الأثر في النص على
الائمة الإثني عشر، مكتبة الطباطبايي، قم.
١٠٢. خادمي شيرازي، محمد، ياد مهدي، تهران، موسسه نشر و تبليغ،
١٣٦٥.
١٠٣. قرشي، سيد علي اكبر، اتفاق در مهدي موعود عليه السلام، قم، دفتر
انتشارات اسلامي.
١٠٤. فقيه ايماني، الامام المهدي عند اهل السنة، مكتبه الامام
اميرالمومنين عليه السلام، اصفهان.

